



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی
معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و منابع انسانی

عنوان طرح:

بررسی تأثیر سوادآموزی بر سواد مالی (واقضادی) سوادآموزان

استان خراسان شمالی

کارفرما: معاونت سوادآموزی خراسان شمالی

مجری طرح: دانشگاه بجنورد

ناظر طرح: مهدی مهدی

پژوهشگر: حسین اسکندری

(استادیار دانشگاه بجنورد)

همکار اصلی: عبدالله خوشنودی

(استادیار دانشگاه بجنورد)

تابستان ۱۳۹۷



چکیده

مقدمه: یکی از هدفهای مصرح در فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران و همچنین سند ریشه‌کنی بی‌سوادی، ارتقاء توانمندی‌های اقتصادی و کسب و کار دانش‌آموزان و سوادآموزان است. این توانمندی تحت عنوان سواد مالی (و اقتصادی) شناخته می‌شود. تجربه بین‌المللی و سندهای منتشر شده سازمان‌هایی مانند یونسکو نیز حاکی از کاهش فقر از طریق سوادآموزی و افزایش سطح آموزش است. اهمیت سواد مالی بقدری است که یکی از شش سواد مورد نظر یونسکو است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش دوره‌ها، به‌ویژه محتوای کتاب‌های سوادآموزی در ارتقاء سواد مالی سوادآموزان طراحی و اجرا شده است.

روش: در تحقیق حاضر که در زمره مطالعات کاربردی، توصیفی و همبستگی قرار دارد، از دو روش تحلیل محتوا و پیمایشی استفاده شده است. در قسمت نخست، با استفاده از چک لیست‌ها، مؤلفه‌های سواد مالی در همه کتاب‌های متعلق به دوره انتقال و تحکیم مورد شمارش و تحلیل قرار گرفتند. در قسمت پیمایشی از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه توسط اساتید اقتصاد و علوم تربیتی دانشگاه بجنورد از ترکیب و اصلاح دو پرسشنامه استاندارد سواد و هوش مالی ساخته شد. این پرسشنامه توسط ۶۴۰ نفر از بی‌سوادان و سوادآموزان مراحل سوادآموزی، انتقال و تحکیم در کل استان خراسان شمالی تکمیل شد. انتخاب حجم نمونه به شکل نسبتی و در دسترس صورت گرفت.

یافته‌ها: میانگین نمره سواد مالی پرسش‌شوندگان (از بی‌سواد و باسواد) ۱۱,۹۲ از ۲۰ است. میانگین سواد مالی سوادآموزان دوره انتقال از میانگین سواد مالی، افراد بی‌سواد و دوره‌های سوادآموزی و تحکیم بیشتر است. میانگین نمره سواد مالی بی‌سوادان تفاوت معناداری با میانگین نمره کل شرکت‌کنندگان دوره‌های سوادآموزی ندارد. به‌طور متوسط سواد مالی مناطق شهری بیشتر از روستایی است. همچنین سواد مالی افراد میانسال از سواد مالی افراد جوان بیشتر است. بین سواد مالی افراد مجرد و متأهل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. متوسط سواد مالی شهرستان‌های جاجریم، فاروج و شیروان به‌طور معنادار بالاتر از میانگین استان است. و متوسط سواد مالی اسفراین به‌طور معناداری پایین‌تر از میانگین استان است. در قسمت تحلیل محتوا، مشخص شد که اشارات صورت گرفته به مباحث سواد مالی در متون نهضت سوادآموزی، اندک بوده و به‌طور نظام مند صورت نگرفته است. این اشارات غیرمستقیم که از وجه آموزشی کمی نیز

برخوردارند، تقریباً دو مؤلفه از شش مؤلفه را در بر می‌گیرد (درآمد و خرید کالا و خدمات)، و در خصوص چهار مؤلفه دیگر اشاره خاصی مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش توأمان بیم و امیدهایی را به همراه دارد. اینکه نمرات دوره انتقال به‌طور معناداری بالاتر از میانگین دیگر گروه هاست و همچنین میانگین نمره سواد مالی پرسش‌شوندگان با عنایت به اکثریت روستایی و زن بودن، تقریباً ۱۲ از ۲۰ است جای امیدواری است، اما اینکه در کل میانگین نمرات بی‌سوادان و سوادآموزان تفاوت معناداری ندارد، نشان از ضعف نسبی دوره‌های سوادآموزی در خصوص سواد مالی است. با توجه به اینکه یکی از رسالت‌های اصلی نهضت سوادآموزی فقرزدایی و برقراری عدالت از طریق سوادآموزی است، محتوای کتاب‌ها باید به‌طور جدی از منظر سواد مالی و اقتصادی مورد تجدید نظر قرار گیرند. کتاب‌های غیررسمی مانند «اقتصاد مقاومتی»، «کسب حلال» و مانند آن، به‌طور غیرحرفه‌ای تهیه شده و اساساً فاقد وجوه آموزشی است. پیشنهاد می‌شود که در تدوین کتاب‌ها، به‌طور خاص از متخصصین اقتصاد، کارآفرینی و طراحان آموزشی کمک گرفته شود.

کلمات کلیدی: سوادآموزی، دوره انتقال، سواد مالی، کسب و کار

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	مقدمه
۴	بیان مسئله
۸	اهمیت و ضرورت مسئله
۱۰	اهداف تحقیق
۱۰	سئوال‌های تحقیق
۱۰	تعریف نظری و عملی متغیرها
۱۵	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۱۶	مقدمه: اهداف اقتصادی در تاریخچه نهضت سوادآموزی
۱۸	تربیت حرفه‌ای در جهان معاصر
۲۰	تربیت حرفه‌ای از دیدگاه اسلامی
۲۱	الف - حرفه وسیله رفع نیازهای اولیه
۲۲	ب - حرفه وسیله‌ای برای کسب هویت
۲۲	ج - حرفه به منزله عبادت خدا
۲۳	رویکرد جهانی به سوادآموزی و اقتصاد
۲۵	مرور پژوهش‌های مرتبط با سطح آموزش و فقر
۲۵	الف. پژوهش‌های خارجی
۲۶	ب. پژوهش‌های داخلی
۳۰	مرور پژوهش‌های مرتبط با سوادآموزی بزرگسالان و اقتصاد
۳۰	الف. پژوهش‌های خارجی
۳۳	ب. پژوهش‌های داخلی
۳۵	مفهوم سواد مالی
۳۷	اهمیت سواد مالی
۳۸	اندازه‌گیری سواد مالی
۴۸	الف. پژوهش‌های خارجی
۵۰	ب. پژوهش‌های داخلی
۵۲	جمع بندی

۵۳	فصل سوم: روش پژوهش
۵۴	روش تحقیق
۵۴	ابزار پژوهش
۵۶	جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه
۵۸	شیوه‌ها و ابزار تحلیل اطلاعات
۶۳	فصل چهارم: یافته‌های پژوهش
۶۴	مقدمه
۶۴	الف: یافته‌های مربوط به تحلیل محتوا
۷۱	ب: یافته‌های مربوط به تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای
۷۱	ب-۱- آمار توصیفی
۷۱	وضعیت سواد مالی با توجه به دوره‌های سوادآموزی
۷۳	وضعیت سواد مالی با توجه به محل سکونت افراد
۷۵	وضعیت سواد مالی با توجه به شهرستان محل سکونت افراد
۷۶	وضعیت سواد مالی بر حسب جنسیت
۷۸	وضعیت سواد مالی بر حسب وضعیت تأهل
۷۹	ب-۲- آمار استنباطی و آزمون فرضیه
۷۹	آزمون فرضیه ۱: مقایسه میانگین سواد مالی افراد بی‌سواد و سوادآموزان نهضت
۸۰	آزمون فرضیه ۲: مقایسه میانگین سواد مالی سوادآموزان دوره انتقال و سایر افراد نمونه
۸۲	آزمون فرضیه ۳: مقایسه میانگین سواد مالی ساکنان شهر و روستا
۸۲	آزمون فرضیه ۴: مقایسه میانگین سواد مالی بر حسب محدوده سنی
۸۳	آزمون فرضیه ۵: مقایسه میانگین سواد مالی بر حسب وضعیت تأهل
۸۴	آزمون فرضیه ۶: مقایسه میانگین سواد مالی بین ساکنان شهرستان‌های مختلف
۸۶	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۸۷	مقدمه
۸۸	خلاصه یافته‌های پژوهش
۸۹	بحث و نتیجه‌گیری
۹۱	تحلیل و نقد کتاب‌های نهضت سوادآموزی
۹۳	پیشنهادهای
۹۶	محدودیت‌ها

۹۷

۱۰۱

فهرست منابع

پیوست

البر النادر المدرسه كليم

فصل اول: کلیات پژوهش



مقدمه

آموزش مهارت‌های حرفه‌ای، شغلی و تخصصی یکی از هدف‌های اولیه همه نظام‌های آموزشی دنیاست. اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این امر صحنه گذاشته و بعضاً با استناد به آموزه‌های دینی، اهمیت و ضرورت توجه به آن را یادآور شده‌اند. برای نمونه بنا به سند تحول تعلیم و تربیت، ساحت‌های تعلیم و تربیت مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، و تعلیم و تربیت علمی و فناوری (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ۱۱).

به تبع سندهایی مانند فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی و همچنین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اسناد بالادستی سازمان نهضت سوادآموزی نیز به این مهم توجه کرده‌اند. برای نمونه در برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳، ۱۶، ۱۷) از جمله کارکردهای سوادآموزی، خدمت به مناطق محروم، عدالت‌گستری و فقرزدایی از جامعه هدف معرفی شده است. به‌طور مشخص یکی از هفت پیامد سوادآموزی، وجه «اقتصادی» آن است که شامل موارد زیر است:

۱. مهارت مدیریت اقتصاد و تنظیم دخل و خرج و حساب و کتاب هزینه‌ها در زندگی
 ۲. افزایش میزان کارایی، تقویت مهارت‌های حرفه‌ای و بهبود محیط کسب و کار
 ۳. مصرف بهینه منابع و رشد درآمدزایی مناطق ویژه (روستا-حاشیه‌نشینی)
 ۴. پرورش استعدادهای افراد جامعه و رفع کمبود نیروی انسانی ماهر بومی برای رشد اقتصادی.
- جالب آنکه در همین سند و در ذیل عوامل بروز بی‌سوادی، از بین پنج عامل عمده (فردی، محیط آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی)، یکی تحت عنوان «عوامل اقتصادی» مطرح شده است (همان، ۳۵). به عبارت دیگر مسائل مالی و اقتصادی، هم علت بی‌سوادی هستند و هم معلول بی‌سوادی. به زبان دیگر بین فقر اقتصادی و سواد یک رابطه دوجانبه و یا چرخه معیوب برقرار است. در ذیل عامل

گفته شده آمده است: عواملی که ناشی از وضعیت اقتصادی و مالی خانواده‌ها می‌شود در این طبقه جای می‌گیرند شامل:

- مهاجرت فصلی جهت اشتغال به کار
 - عدم اشتغال دائم سرپرست خانواده
 - استفاده از نیروی کار کودکان لازم‌التعلیم جهت کمک به درآمد خانواده
 - بالا بودن هزینه تحصیل
 - فقر اقتصادی و پایین بودن درآمد خانواده
 - تعداد زیاد فرزندان در مناطق محروم و هزینه‌های بالای تحصیل نیاز به کار کودکان در منزل.
- سند بنیادین تحول آموزش و پرورش نیز به صراحت به امور اقتصادی و معیشتی توجه کرده است. برای نمونه این سند، ساخت‌های تعلیم و تربیت را اینگونه برمی‌شمارد: تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ۱۱). در ذیل گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، شماره ۲۴، نیز بر «روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی، و هنری زمینه‌ساز کار مولد» تأکید شده است (همان، ۱۸). همچنین در ذیل پرورش‌یافتگان این نظام آمده است: [پرورش‌یافتگان] با درک مفاهیم اقتصادی در چارچوب نظام معیار اسلامی از طریق کار و تلاش و روحیه انقلابی و جهادی، کارآفرینی، قناعت و انضباط مالی، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر و با رعایت وجدان، عدالت و انصاف در روابط با دیگران در فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس خانوادگی، ملی و جهانی مشارکت می‌نمایند. دارای حداقل یک مهارت مفید برای تأمین معاش حلال باشند به گونه‌ای که در صورت جدایی از نظام تعلیم و تربیت رسمی در هر مرحله، توانایی تأمین زندگی خود و اداره خانواده را داشته باشند (همان، ۳۱).

با این وصف، یکی از محورهای اصلی سوادآموزی، بحث‌های معیشت و اقتصاد سوادآموز و خانواده ایشان است. صرف گذراندن و کسب نمره مطلوب در درس‌های دوره سوادآموزی، تحکیم یا انتقال برای قضاوت و داوری در خصوص موفقیت دوره‌ها کافی نیست. به زبان علمی‌تر، برای ارزشیابی یک دوره علاوه بر برون‌داد، باید نتایج آن نیز مورد سنجش و ارزشیابی قرار گیرد. گذراندن درس‌ها با نمره مطلوب، جزء برون‌دادهای نهضت سوادآموزی به شمار می‌رود، اما تأثیرات بلندمدت فرهنگی، شخصیتی، اقتصادی و مانند آن جزء نتایج آن به شمار می‌رود. هر نظام پویا علاوه بر سنجش و ارزشیابی برون‌دادها، نیازمند

ارزیابی نتایج نیز می‌باشد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی نتایج اقتصادی دوره‌های سوادآموزی بر سوادآموزان است.

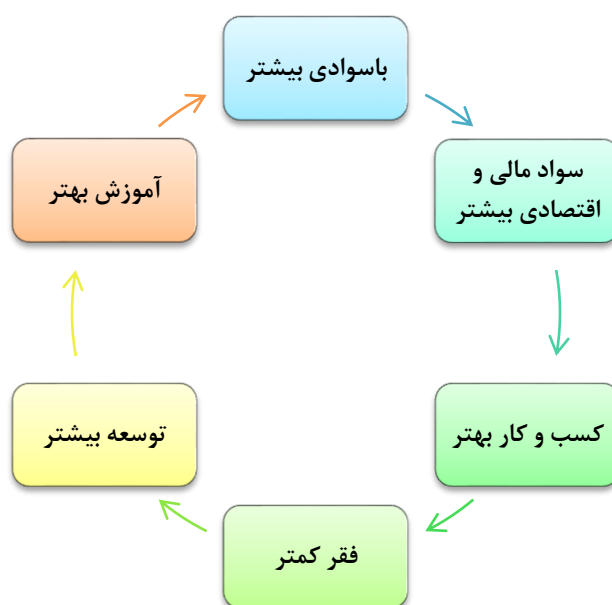
قبل از ورود به بیان مسئله، لازم است که در خصوص عنوان این پژوهش توضیح مختصری ارائه شود. اولویت اعلام شده از سوی اداره کل آموزش و پرورش عبارت بود از «بررسی تأثیر سوادآموزی بر بهبود کسب و کار و سواد اقتصادی سوادآموزان». از آنجا که بررسی تأثیر سوادآموزی بر بهبود کسب و کار، تنها در تحقیقات طولی و یا شبه آزمایشی امکان‌پذیر است، با عنایت به محدودیت زمانی، با هماهنگی‌های صورت گرفته عنوان پژوهش به «بررسی تأثیر سوادآموزی بر سواد مالی (سواد اقتصادی) سوادآموزان» تغییر کرد. با وجود این، تلاش شد که از طریق پرسش از میزان درآمد، تعداد خانوار و مانند آن تا حدودی به این خواسته -یعنی بهبود کسب و کار- پاسخ داده شود؛ منتها همانطور که در فصل‌های سوم و چهارم توضیح داده شده است، عدم پاسخگویی به این دست پرسش‌ها، کار تحلیل‌های مبتنی بر رگرسیون را ناممکن کرد. نکته دیگر آنکه مفهوم «سواد اقتصادی» کلی است، لذا برای آنکه تحقیق، دامنه محدودتر و دقیقتری داشته باشد، یکی از زیرمفهوم‌های آن، با عنوان سواد مالی، به‌طور خاص مد نظر و مورد سنجش قرار گرفت.

بیان مسئله

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، بین فقر و بی‌سوادی رابطه دوجانبه‌ای برقرار است. بی‌سوادی می‌تواند از یک سو معلول فقر باشد و از سوی دیگر خود عامل تشدید و تداوم فقر است. بر طبق آمار یونسکو در حال حاضر در حدود ۷۷۷ میلیون بزرگسال فاقد حداقل مهارت‌های سواد در دنیا زندگی می‌کنند. این افراد از هرگونه آموزش محروم‌اند و در بی‌سوادی مطلق بسر می‌برند که دو سوم از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. از طرفی حدود ۶۰ میلیون کودک به مدرسه نمی‌روند یا بسیاری از آنها حضور نامنظمی در مدرسه دارند و یا مدرسه را رها کرده‌اند. با توجه به "گزارش جهانی آموزش برای همه" یونسکو، جنوب و غرب آسیا کمترین میزان سواد بزرگسالان را دارد و پس از آن کشورهای جنوب صحرای آفریقا و کشورهای عربی هستند. کشورهای با کمترین میزان سواد در جهان بورکینافاسو، نیجریه و مالی هستند. این گزارش نشان می‌دهد که ارتباط روشنی میان بی‌سوادی و فقر شدید وجود دارد (سعادت‌ی شامیر، ۱۳۹۶).

ارتباط بین فقر و بی‌سوادی در کشور ما نیز صادق است. بر اساس آمارها و نمودارهایی که محمودی (۲۰۱۱) ارائه کرده است، ارتباط بین بی‌سوادی و تولید ناخالص داخلی و فقر در استان‌های کشور

کاملاً معنادار است. هرچه میزان سواد و تحصیلات استان‌ها پایین‌تر باشد، درصد فقر بیشتر و تولید ناخالص داخلی آنها کمتر است. بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، بر اساس رتبه باسوادی، تنها رتبه‌های استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، کردستان و لرستان از استان خراسان شمالی پایین‌تر هستند. درصد باسوادی خراسان شمالی در این سرشماری ۸۳,۳٪ و درصد بی‌سوادی استان ۱۶,۷٪ است. با این وصف، رتبه استان خراسان شمالی جزء رتبه‌های پایین کشور است. این در حالی است که این استان از جمله استان‌های محروم کشور با کمترین درآمد نیز به شمار می‌رود.



تصویر ۱-۱: چرخه مفهومی فقر و سواد

با این وصف، بحث سوادآموزی در استان خراسان شمالی، که جزء ۶ استان محروم کشور است با بیشترین تعداد روستا و آسیب‌های اجتماعی فراگیر (چون طلاق، اعتیاد، نزاع، ...) از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اما سوادآموزی با کدام تعریف می‌تواند پیامدهای مثبت فوق را به دنبال داشته باشد؟ باسواد از منظر مرکز آمار ایران فردی است که می‌تواند به زبان فارسی یا هر زبان دیگر متن ساده‌ای را بخواند یا بنویسد خواه مدرک رسمی داشته باشد یا نداشته باشد (۱۳۹۰) اما از نظر آیین‌نامه اجرایی نهضت سوادآموزی، باسواد کسی است که در حد پنجم ابتدایی، خواندن، نوشتن و حساب کردن را بلد باشد (برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳، ۱۵). به نظر می‌رسد که تعریف باسواد از نظر یونسکو (۲۰۰۳). از جامعیت بیشتری برخوردار باشد: توانایی افراد برای شناسایی، درک، تفسیر، ایجاد، برقراری ارتباط و محاسبه با استفاده از مواد چاپ شده و نوشته شده است که افراد برای رسیدن به اهداف

خود به منظور توسعه دانش و توانایی‌های بالقوه خود، و مشارکت کامل در جامعه محلی و جهانی به آن نیاز دارند (همان).

بنا به تعریف‌های جدید سواد، صرف برخورداری از مهارت خواندن و نوشتن معیار سوادآموزی نیست. اگر معیار این باشد، تعبیر تافلر درست خواهد بود که بی‌سوادان ما باسواد نشده‌اند بلکه صرفاً مهارت خواندن و نوشتن آموخته‌اند (تافلر، ۱۹۷۵). دیگر صرف مهارت خواندن و نوشتن نمی‌تواند به معنای باسوادی در نظر گرفته شود. محققان و نظریه‌پردازان تا کنون بیش از ۳۴ نوع سواد مفید و ضروری برای زندگی مدرن را شناسایی کرده‌اند (احمدی، امام جمعه، علیزاده، ۱۳۹۴، ۱۸۰). سواد رسانه‌ای^۱، سواد مالی^۲، سواد اقتصادی^۳، سواد رایانه‌ای، سواد حقوقی^۴، سواد بهداشتی^۵ و مانند آن از جمله اینهاست. ازاینرو، سوادآموزی در واقع باید انواع سوادهای ضروری را پوشش دهد، به‌گونه‌ای که به توانمندسازی در همه ابعاد از جمله اقتصادی منتهی شود. توجه به سواد اقتصادی به‌ویژه در مناطق محروم و در بین سوادآموزانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

یکی از مسائل مربوط به سواد مالی، دشواری‌های تعریف این اصطلاح است؛ چراکه استاندارد خاصی در خصوص سواد و آموزش مالی وجود ندارد. پژوهش‌های متعددی وجود دارد که هر یک، سواد مالی را به گونه‌ای خاص تعریف کرده‌اند (هاستینگز^۶، مادرین^۷ و اسکیم هورن^۸، ۲۰۱۳؛ رموند^۹، ۲۰۱۰؛ هاستون^{۱۰}، ۲۰۱۱؛ مک کورمیک^{۱۱}، ۲۰۰۹؛ فاکس^{۱۲} و بارثولومی^{۱۳}، ۲۰۰۸، به نقل از واگنر^{۱۴}، ۲۰۱۵). همان‌طور که دانش آموزان و جوانان به سواد و آموزش مالی نیازمند هستند، بزرگسالان نیز به موازات پیچیده شدن مسائل و مشکلات مالی جامعه امروز به این نوع سواد نیازمند هستند. مرور ۴۱ پژوهش نشان می‌دهد که اثربخشی آموزش مالی بزرگسالان ترکیبی است [از تأیید و تردید] (واگنر، ۲۰۱۵، ۲۸). پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارند که آموزش سواد مالی را برای گروه‌های خاص مثل افراد بازنشسته، کم

^۱Media literacy

^۲Financial literacy

^۳Economic literacy

^۴Legal literacy

^۵Health literacy

^۶hastings

^۷Madrian

^۸Skimmyhorn

^۹Remund

^{۱۰}Huston

^{۱۱}McCormick

^{۱۲}Fox

^{۱۳}Bartholomea

^{۱۴}Wagner

سواد و زنان مورد مطالعه قرار داده است. پژوهش‌ها حاکی از آن است که به‌طور مشخص زنان نسبت به مردان از سواد مالی کمتری برخوردارند (همان، ۳۱).

ژان، استیون،^۲ اندرسون^۳ و سکات^۴ (۲۰۰۶) نشان دادند که آموزش سواد مالی در مورد افراد کم درآمد که در این زمینه از دانش و مهارت پایینی برخوردارند کاملاً اثربخش است. آنها در پژوهش خود از پیش آزمون و پس آزمون استفاده کردند. افراد مورد مطالعه در پیش آزمون حدود ۴۵٪ از سوالات را درست پاسخ دادند در حالی که بعد از آنکه در معرض آموزش‌های لازم قرار گرفتند، این عدد به ۷۵٪ افزایش یافت. برخی محتواهای مورد نظر در این پژوهش عبارت بودند از پس انداز، سرمایه، نرخ بهره، امور بانکی، وام‌های مخرب و مانند آن.

با علم به اینکه افزایش سواد به معنای عام، و افزایش سواد مالی و اقتصادی به معنای خاص بر بهبود وضعیت معیشت افراد و خانوارها تأثیر دارد، کشورهای مختلف در این زمینه اقداماتی را انجام داده‌اند. حتی برخی کشورهای مرفه چون کانادا چنین برنامه‌هایی را در دستور کار دارند. برای نمونه این کشور در برنامه‌ای تحت عنوان «کاهش فقر از طریق بهبود سواد»^۵ به‌طور مشخص به این مهم پرداخته است. برنامه‌های بین‌المللی یونسکو از جمله «برنامه آزمایشی سواد جهانی یونسکو»^۶ نیز به بهبود وضعیت معیشت از قبل سوادآموزی بزرگسالان پرداخته‌اند. یونسکو در توصیه‌نامه خود در سال ۲۰۱۵ در خصوص آموزش بزرگسالان^۷ به‌طور ویژه بر آموزش به عنوان راهی برای از بین بردن فقر و گرسنگی در سال ۲۰۳۰ در جهان تأکید کرده است (یونسکو، ۲۰۱۵، ۵).

باقرزاده (۱۳۹۵) رئیس سازمان نهضت سوادآموزی کشور، اعلام کرده است که آموزش و سوادآموزی در مقطع ابتدایی در کاهش فقر موثر است و سوادآموزی در حد خواندن و نوشتن منجر به کاهش ۱۲ درصدی فقر می‌شود.^۸ اگر این نسبت مربوط به جامعه ایران بوده و درست باشد، نهضت سوادآموزی موفق عمل کرده است. یعنی سوادآموزی در ایران به معنای توانمندسازی آن محقق شده است. اگر آنچه از قول رئیس سازمان نهضت سوادآموزی رسانه‌ای شده است، در مورد جامعه سوادآموزان ایران صحت داشته باشد، باید یک پژوهش معتبر پشوانه آن باشد. یعنی پژوهشی که به‌طور

^۱Zhan

^۲Steven

^۳Anderson

^۴Scott

^۵Poverty reduction through improved literacy

^۶UNESCO's Experimental World Literacy Programme

^۷Recommendation on adult learning and education

^۸<https://www.isna.ir/news/95082417009/>

شفاف، به جای بروندهای برنامه‌های نهضت سوادآموزی، نتایج درازمدت آن را مورد مطالعه قرار داده باشد؛ چراکه کاهش فقر بلافاصله بعد از باسوادی اتفاق نمی‌افتد. تا آنجا که پژوهشگر جستجو کرده است، چنین پژوهشی حتی در وبگاه رسمی سازمان نهضت سوادآموزی یافت نشد. برخلاف این، برخی تحقیقات حاکی از آن است که دوره‌های سوادآموزی در ارتقاء مهارت-که لازمه توانمندی است- عملکرد موفق‌تری ندارند. برای نمونه در پژوهشی که به سفارش سازمان نهضت سوادآموزی انجام شده است، از ۱۵ مورد، عملکرد نهضت سوادآموزی در ۹ مورد مطلوب و در ۶ مورد نامطلوب بوده است. از جمله نقاط ضعف شناسایی شده مربوط به دوره انتقال و مهارت آموزی و تغییر نگرش در سوادآموزان می‌باشد (دهقانی، انصاری، قیصر، ۱۳۹۴).

در هر حال لازمه هر نظام پویا این است که همواره بروندها و نتایج خود را مورد سنجش و ارزشیابی قرار دهد. اولویت پژوهشی حاضر که از سوی سازمان نهضت سوادآموزی اعلام شده است، به درستی این مهم را مورد توجه قرار داده است. پژوهش پیش رو به دنبال «بررسی تأثیر سوادآموزی بر بهبود کسب و کار و سواد اقتصادی سوادآموزان استان خراسان شمالی» است.

اهمیت و ضرورت مسئله

بر اساس گزارش رقابت‌پذیری جهانی^۱ در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۸، رتبه ایران در ثبت‌نام دانش‌آموزان در دوره ابتدایی ۱۵ در بین ۱۳۷ کشور مورد مطالعه است و در ثبت‌نام دبیرستان ۷۷ (شواب^۲، ۲۰۱۸، ۱۵۱). این داده‌ها به معنای این است که بخش زیادی از دانش‌آموزان، به دوره ابتدایی اکتفا کرده و یا آن را رها کرده و وارد دوره متوسطه نمی‌شوند. ریزش در دوره ابتدایی، بدین معناست که کشور ما همچنان با چالش بی‌سوادی و کم‌سوادی مواجه خواهد بود. از این‌رو بحث سوادآموزی همچنان نیازمند توجه و مطالعه است.

در صورت کاربردی، توسعه‌ای و مطالعه‌ای بودن پژوهش به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. نتایج طرح پاسخگوی کدامیک از نیازهای جامعه در زمان حال و آینده می‌باشد؟

ب. کدامیک از مؤسسات دولتی و غیردولتی می‌توانند از نتایج طرح استفاده کنند؟

نوعاً برآوردن نخستین نیازهای بشری، یعنی نیازهای زیستی در نزد افراد بزرگسال از قبل داشتن شغل و حرفه میسر است. درواقع از منظر دین، داشتن شغل هدف غایی نیست، بلکه وسیله‌ای برای رفع

^۱The Global Competitiveness Report 2017-2018

^۲Schwab

موانع تحولی آدمی است. به عبارت دیگر اولین مزیت داشتن کار و شغل از منظر دین، این است که موانع تحول آدمی را از بین می‌برد (باقری، ۱۳۷۷). برای نمونه حضرت رسول (ص) می‌فرمایند: کاد الفقر ان یکون کفرا و یا من لا معاش له لا معاد له. همچنین حضرت علی فرموده اند: القبر خیر من الفقر، علی (ع) غرالحکم.

دومین نقش کار و حرفه «کسب هویت» است. برای نمونه بر اساس آیات قرآن وقتی حضرت حق فن زره‌سازی را به داود (ع) آموخت، دلیل اصلی آن، نیاز حضرت داوود به پول آن نبود، بلکه بعد هویتی و وجه اجتماعی آن مد نظر بود. به عبارت دیگر دومین کارکرد شغل را می‌توان در نقش هویت‌سازی آن جستجو کرد. بدیهی به نظر می‌رسد که برخی از شئون آدمی با برخورداری از شغل مناسب گره خورده باشد. برای نمونه جوان فاقد شغل که به لحاظ معیشتی به درآمد خانواده وابسته است، به لحاظ روانی نمی‌تواند حس استقلال و چه بسا عزت و کرامت نفس داشته باشد. در منابع اسلامی تأییدات زیادی در این رابطه می‌توان یافت. برای نمونه در روایتی از امام علی (ع) آمده است که فرمودند: «خداوند به داود وحی کرد که تو بنده خوبی هستی مشروط بر اینکه از بیت‌المال استفاده نمی‌کردی و از کار یدی پرهیز نمی‌کردی. از این سخن، داود چهل روز در اندوه و زاری بود بود تا آنکه خداوند به آهن وحی کرد که بر بنده من داود نرم شو. پس خداوند آهن را برای او نرم کرد و او در هر روز زرهی می‌ساخت و آن را به هزار درهم می‌فروخت و به این نحو سیصد و شصت زره ساخت و آنها را به سیصد و شصت هزار درهم فروخت و از بیت‌المال مستغنی شد».

ازاینرو از منظر آموزه‌های دینی، وضعیت مالی و اقتصادی نه تنها موانع اولیه تحول و تعالی را مرتفع می‌کند بلکه نقش هویت بخشی را نیز ایفا می‌کند. اگر تعلیم و تربیت به معنای عام یا سوادآموزی در معنای خاص بتواند به بهبود وضعیت معیشتی فرد و خانواده بیانجامد، در مراتب بعدی به بهبود جایگاه هویتی و اجتماعی فرد منجر خواهد شد؛ به گونه‌ای که ارتقاء سواد فرهنگی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. به‌طور کلی بنا به دلایل زیر پرداختن به این مسأله ضرورت دارد:

- آموزه‌های دینی بر رفع نیازهای اقتصادی تأکید دارد. یکی از راه‌های پایدار فقرزدایی و برقراری عدالت، آموزش همه جانبه افراد است (که دانش و مهارت اقتصادی را نیز باید در برداشته باشد).
- با توجه به محروم و فقیر بودن استان خراسان شمالی، بحث سوادآموزی و نقش آن در کاهش فقر از اهمیت مضاعف برخوردار است.

- یکی از اهداف ابتدایی تعلیم و تربیت در همه دنیا، آماده‌سازی متعلمان برای ساختن وضعیت معیشت بهتر است.
- اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی به صراحت بر اهداف شغلی، حرفه‌ای و اقتصادی تأکید دارند.
- اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی، نهضت سوادآموزی، سازمان فنی و حرفه‌ای، کمیته امداد و استانداری از جمله نهادهایی هستند که به‌طور مستقیم از نتایج این طرح می‌توانند استفاده کنند.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

بررسی و مطالعه نقش سوادآموزی در ارتقاء سواد مالی و اقتصادی سوادآموزان و بهبود کسب و کار آنها.

هدف‌های جزئی:

- بررسی و تحلیل محتوای کتاب‌های آموزشی دوره سوادآموزی، انتقال و تحکیم خواندن در رابطه با سواد مالی و اقتصادی.
- بررسی و مطالعه نقش سوادآموزی در ارتقاء سواد مالی و اقتصادی سوادآموزان شاغل و غیرشاغل.

سئوال‌های تحقیق

۱. آیا کتاب‌های درسی دوره‌های سوادآموزی و انتقال، مفاهیم پایه سواد مالی و اقتصادی را پوشش می‌دهد؟
۲. آیا شرکت در کلاس‌های سوادآموزی به ارتقاء سواد مالی و اقتصادی انجامیده است؟

تعریف نظری و عملی متغیرها

دوره سوادآموزی: به دوره اول نهضت سوادآموزی اطلاق می‌شود که معادل پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی در نظام رسمی آموزشی است. این دوره به منظور دستیابی افراد به حداقل سواد طراحی شده است. اهداف این دوره عبارت است از:

۱. کسب مهارت‌های خواندن، نوشتن، درک و فهم متن‌های ساده فارسی

۲. انجام محاسبات ریاضی در حد چهار عمل اصلی

۳. آشنایی با قرآن و کسب مهارت‌های اولیه روخوانی قرآن

۴. آشنایی با معارف دینی و فرهنگ اسلامی

مدت زمان آموزش در این دوره ۴۰۰ ساعت است که ۲۶۰ ساعت آن به فارسی، ۷۰ ساعت آن به ریاضی، و ۷۰ ساعت دیگر به قرآن و فرهنگ اسلامی اختصاص داده شده است.

دوره انتقال: به دوره دوم نهضت سوادآموزی اطلاق می‌شود که معادل پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی در نظام رسمی آموزشی است. دوره انتقال فرصت ادامه تحصیل برای کسانی که دوره سوادآموزی را گذرانده‌اند یا کسانی که فاقد شرایط ادامه تحصیل در نظام آموزش و پرورش رسمی هستند را فراهم می‌سازد.

اهداف این دوره عبارت است از:

۱. گسترش مهارت‌های خواندن، نوشتن، درک مطلب و کاربرد آن

۲. گسترش فرهنگ و معارف دینی

۳. آشنایی بیشتر با مفاهیم ریاضی، علوم و توانمندی بکارگیری آن

۴. رشد بیش از پیش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بزرگسالان.

مدت زمان آموزش در این دوره شامل ۶۰۰ ساعت حضوری و ۲۰۰ ساعت غیرحضوری است.

مواد درسی این دوره عبارت است از: فارسی، ریاضی، فرهنگ اسلامی، علوم تجربی، علوم اجتماعی.

دوره تحکیم: دوره تحکیم در واقع یک دوره رسمی به شمار نمی‌رود. بعد از اتمام دوره سوادآموزی، نهضت سوادآموزی برای جلوگیری از بازگشت سوادآموزان به دوره بی‌سوادی و تحکیم آموخته‌های آنها، کتاب‌هایی را در اختیار سوادآموزان قرار می‌دهد.

اهداف این دوره عبارت است از:

۱. پیشگیری از بازگشت به بی‌سوادی

۲. ایجاد ارتباط بین سوادآموزی و آموزش مهارت‌های اساسی زندگی

۳. زمینه‌سازی یادگیری مادام‌العمر

مدت زمان آموزش در نظر گرفته شده ۲۰۰ ساعت است که ۷۰ ساعت آن حضوری و ۱۳۰ ساعت آن غیرحضوری تعریف شده است.

مواد درسی بخش حضوری عبارت است از: همراه با قرآن، حساب و زندگی، بخوانیم و بنویسیم. و مواد درسی بخش غیرحضوری شامل ۸ عنوان کتاب با موضوعات اعتقادی، اجتماعی، بهداشتی، تربیتی و مهارتی است.

کم سواد: منظور از کم سواد، فردی است که مقطع ابتدایی را در نظام آموزش رسمی یا معادل آن را که برابر با دو دوره سوادآموزی و انتقال در نهضت سوادآموزی است، گذرانده باشد.

سواد اقتصادی: سواد اقتصادی مهارتی است شامل توانایی استفاده از مفاهیم پایه اقتصادی برای تصمیم گیری درباره درآمدزایی، پس انداز، هزینه کرد و مشارکت های مالی. سواد اقتصادی عبارت است از توانایی شناسایی مسائل اقتصادی، گزینه های پیش رو، هزینه و فایده؛ تحلیل انگیزه های موجود در موقعیت های اقتصادی؛ بررسی پیامدهای حاصل از تغییر شرایط اقتصادی و سیاست های عمومی؛ گردآوری و سازماندهی شواهد اقتصادی؛ و سبک سنگین کردن هزینه - فایده ها (استامبلر، ۲۰۱۳).

سواد مالی: بخشی از سواد اقتصادی و زیرمجموعه آن است. مراد از آن پی بردن به ارزش مالی و قدرت خرید پول و حسابگری به منظور مصرف بهینه توان مالی است (راهنمای درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی، ۱۳۸۸). کمیسیون آموزش و پرورش و سواد مالی ایالات متحده آمریکا، سواد مالی را به عنوان «توانایی قضاوت های آگاهانه و اقدامات مؤثر در خصوص استفاده بهینه از زمان معاصر و آینده و مدیریت پول» تعریف کرده اند (احمدی، امام جمعه، علیزاده، ۱۳۹۴، ۱۸۰). سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) سواد مالی را برای افراد زیر ۱۵ سال این گونه تعریف کرده است: "سواد مالی عبارت از دانش و درک مفاهیم و مخاطرات مالی، و مهارت ها، انگیزش و اطمینان برای به کار بستن چنین دانش و درکی، به منظور اتخاذ تصمیم های اثربخش در طیفی از زمینه های مالی برای بهبود رفاه مالی افراد و جامعه و همچنین برای توانمندسازی در جهت مشارکت در زندگی اقتصادی است". همین سازمان سواد مالی برای بزرگسالان را "ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت، گرایش و رفتار لازم برای اتخاذ تصمیم های مالی مناسب و نهایتاً دستیابی به رفاه مالی فردی" تعریف کرده است (اسلامی بیدگلی، کریمخانی، ۱۳۹۴).

هوش مالی: هوش مالی در واقع ترکیبی از سواد مالی و مهارت مالی است. معمولاً هوش مالی به عنوان یک استعداد ذاتی و غیرقابل تغییر و ارتقاء در نظر گرفته نمی‌شود. برای نمونه کیوساکی (۱۳۹۳)، ترجمه سپهرپور) هوش مالی را نوعی دانش و مهارت مالی در نظر می‌گیرد که قابل آموزش و ارتقاء می‌باشد. هوش مالی از نظر او دارای پنج مؤلفه است (تصویر ۱-۲). نکته دیگر اینکه هوش مالی چندان به سن و تحصیلات وابسته نیست و در هر شرایطی می‌تواند تقویت شود.



تصویر ۱-۲: مؤلفه‌های هوش مالی از نظر کیوساکی (۱۳۹۳)، ترجمه سپهرپور)

کسب و کار: عبارت از هرگونه فعالیت مستمر شامل تولید کالا، ارائه خدمات و خرید و فروش، با هدف کسب سود است. به زبان ساده، کسب و کار شامل آن دسته از فعالیت‌هایی می‌شود که هدف اصلی آن کسب پول و درآمد است. کسب و کار انواع مختلفی دارد از جمله کوچک، بزرگ، سرمایه‌گذاری، خانگی، اینترنتی، خدماتی، تولیدی، تجاری، بازرگانی.

البر انکارا مدرسه کلیم

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش



مقدمه: اهداف اقتصادی در تاریخچه نهضت سوادآموزی

در ابتدا سوادآموزی تنها با هدف کاستن از تعداد بی‌سوادان و بدون توجه به ملاحظات اقتصادی-اجتماعی بود. می‌توان سال ۱۲۸۶، یعنی زمان تشکیل اولین کلاس‌های اکابر را سرآغاز فعالیت‌های سوادآموزی دانست. برنامه‌های سوادآموزی ایران در طی سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۰ را می‌توان سه مرحله دانست. سازمان تعلیمات اکابر اولین سازمانی است که به‌طور رسمی برای با سواد کردن بزرگسالان در ایران در سال ۱۳۱۵ تأسیس شد. در این دوره با استفاده از فضای مدرسه‌های موجود کلاسهای شبانه برای بزرگسالان تشکیل گردید. فعالیت‌های این سازمان تا زمان اشغال ایران در شهریورماه ۱۳۲۰ ادامه داشت.

در دوره نخست که از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۴۱ ادامه داشت، پیوند بین آموزش ابتدایی و بزرگسالان گسسته بود. در مرحله دوم یعنی در دوره ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ سوادآموزی به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف توسعه و عمران کشور تلقی شده‌است. تأسیس سپاه دانش در سال ۱۳۴۱ نیز ظاهراً با همین هدف صورت گرفته‌است.

مرحله سوم خصوصیات خاصی دارد که مهمترین آن تشکیل سازمان جهانی به نام «کمیته بین‌المللی پیکار جهانی با بی‌سوادی» است. در این مرحله، اثرات اقتصادی سواد مورد توجه قرار گرفت و تشکیلات سوادآموزی متحول شد. فعالیت کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی تا سال ۱۳۴۹ بیشتر در اجرای برنامه‌های آموزشی خلاصه می‌شد. تجربیات حاصل از اجرای برنامه‌های سوادآموزی در این دوره اتخاذ این راهبرد را، که امور اجرایی برنامه‌های سوادآموزی به ادارات و سازمان‌های دولتی واگذار شود و کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی در نقش برنامه‌ریز و طراح طرح‌های اجرایی و نیز تدبیر امور سوادآموزی فعالیت نماید، ضرورت بخشید. لکن، تمام این تدابیر نتایج مورد انتظار را به دست نیاورد و با وجود افزایش نرخ سواد، تعداد بی‌سوادان همچنان افزایش یافت (سعادت، ۱۳۹۶، ۲۳). ملت‌هایی که با تلاش و از خودگذشتگی بسیار و پس از مبارزات طولانی، خود را از زیر سلطه استعمار و استثمار رها می‌سازند در اولین مرحله پس از کسب آزادی و استقلال، به ایجاد دگرگونی‌های اساسی در روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌پردازند و به عنوان

اساسی‌ترین رکن این تغییر به اجرای برنامه‌های سوادآموزی و آموزش بزرگسالان می‌پردازند (سعادت، ۱۳۹۶، ۶۲).

همان‌طور که پیش از این در فصل نخست اشاره شد، آموزش مهارت‌های حرفه‌ای، شغلی و تخصصی یکی از هدف‌های اولیه همه نظام‌های آموزشی دنیاست. اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این امر صحه گذاشته و بعضاً با استناد به آموزه‌های دینی، اهمیت و ضرورت توجه به آن را یادآور شده‌اند.

برای نمونه در برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳، ۱۶) ازجمله کارکردهای سوادآموزی خدمت به مناطق محروم، عدالت گستری و فقرزدایی از جامعه هدف معرفی شده است. به‌طور مشخص یکی از هفت پیامد سوادآموزی، «اقتصادی» است شامل:

- (۱) مهارت مدیریت اقتصاد و تنظیم دخل و خرج و حساب و کتاب هزینه‌ها در زندگی
- (۲) افزایش میزان کارایی، تقویت مهارت‌های حرفه‌ای و بهبود محیط کسب و کار
- (۳) مصرف بهینه منابع و رشد درآمدزایی مناطق ویژه (روستا-حاشیه‌نشینی)
- (۴) پرورش استعدادهای افراد جامعه و رفع کمبود نیروی انسانی ماهر بومی برای رشد اقتصادی (همان ص ۱۷).

همان‌طور که برنامه‌ریزان واقفند، مسائل مالی و اقتصادی، هم علت بی‌سوادی هستند و هم معلول بی‌سوادی. به زبان دیگر بین فقر اقتصادی و سواد یک رابطه دوجانبه و یا چرخه معیوب برقرار است. در ذیل عامل گفته شده آمده است: عواملی که ناشی از وضعیت اقتصادی و مالی خانواده‌ها می‌شود در این طبقه جای می‌گیرند شامل:

- مهاجرت فصلی جهت اشتغال به کار
 - عدم اشتغال دائم سرپرست خانواده
 - استفاده از نیروی کار کودکان لازم‌التعلیم جهت کمک به درآمد خانواده
 - بالا بودن هزینه تحصیل
 - فقر اقتصادی و پایین بودن درآمد خانواده
 - تعداد زیاد فرزندان در مناطق محروم و هزینه‌های بالای تحصیل نیاز به کار کودکان در منزل.
- با این وصف، یکی از محورهای اصلی سوادآموزی، بحث‌های معیشت و اقتصاد سوادآموز و خانواده ایشان است.

تربیت حرفه‌ای در جهان معاصر

با عنایت به آنچه در فصل اول و بندهای قبلی گذشت، یکی از هدفهای اصلی سوادآموزی باید حرفه‌آموزی باشد. نگرستن به تعلیم و تربیت از زاویه صنعت و حرفه، زمینه‌ای را فراهم آورد که اقتصاددانان به نگرش جدیدی روی آورند و از «سرمایه انسانی» سخن بگویند. این نظریه اقتصادی از دهه پنجاه و شصت مورد توجه قرار گرفته و در حال حاضر نیز قوت گرفته است. چنین دیدگاهی تعلیم و تربیت را عمدتاً در محور تربیت حرفه‌ای متمرکز می‌سازد و به این ترتیب، آن را به کانونی از سرمایه انسانی تبدیل می‌کند (باقری، ۱۳۷۷).

ساختار تعلیم و تربیت مدرن، همزاد عصر صنعتی، رشد کارخانه‌ها و نیازمندی جامعه به نیروهای متخصص و ماهر بوده است. ازاینرو، یکی از ذهنیت‌ها و هدفهای اولیه در نظام‌های آموزشی نوین، تربیت نیروی متخصص، ماهر و به عبارتی آماده‌سازی افراد برای مشاغل مختلف است. در این دیدگاه که آن را «حرفه‌گرایی» نیز می‌نامند، یکی از غایت‌های تعلیم و تربیت، تربیت حرفه‌ای و مهارت آموزی افراد است. در این دیدگاه افراد به گونه‌ای باید تربیت شوند که به مثابه سرمایه انسانی، بتوانند در رشد اقتصادی کشور موثر باشند. با این وصف، برنامه درسی و محتوای آموزشی باید فن‌محور باشد.

این دیدگاه از چند جهت مورد نقد قرار گرفته است. نخست آنکه با پیچیده شدن حرفه‌ها و مشاغل، و همچنین تغییرات سریع در وجوه مختلف اجتماعی، صنعتی، اقتصادی و ... آماده کردن افراد برای مشاغل مشخص و از قبل تعیین شده عملاً کار دشواری است. برای نمونه حدود ۶۰٪ از دانش‌آموختگان دانشگاهی در انگلستان در مشاغلی مشغول به کار می‌شوند که به تخصص و رشته تحصیلی آنها ارتباط زیادی ندارد (اگلستون، ۱۳۸۴، ترجمه نوروزی و اسکندری).

نقد دیگر از منظر لیبرالیسم وارد شده است. از این منظر، انتخاب شغل و مسیر شغلی، باید آزادانه و توسط خود فرد صورت گیرد. هرگونه تلاش برای محدود کردن انتخاب‌های شغلی به‌ویژه در سنین نوجوانی و زمانی که فرد از قدرت انتخاب لازم برخوردار نیست، مغایر با مبانی لیبرالیسم خواهد بود. بنابراین، توجه به آموزش‌های نظری باید بر آموزش‌های حرفه‌ای و شغلی ارجحیت داشته باشد. به جای پرداختن به مهارت‌های ویژه و خاص، می‌توان در کنار خواندن، نوشتن، و ریاضی که برای مشاغل سطح پایین کافی است، می‌توان به مهارت‌های سطح بالا همچون حل مساله، استدلال و توانایی یادگیری پرداخت (کولده، ۱۹۹۱، ۴۵۴، به نقل از باقری، ۱۳۷۷).

در دیدگاه جدید بر مهارت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز بازار کار همچون مهارت‌های ارتباطی، کارگروهی، مدیریت خود، برنامه‌ریزی و یادگیری تأکید می‌شود (اسکندری، ۲۰۱۶، ۲۳).

جدول ۱-۲: برخی شایستگی‌های مورد نیاز جهت اشتغال در بازار کار جهانی (اسکندری، ۲۰۱۶، ۲۳)

عنوان شایستگی	فقره‌های شایستگی
ارتباطی	گوش دادن و درک کردن شفاف صحبت کردن نوشتن مطابق با نیاز خواننده مذاکره مسئولانه همدلی درک نیازهای درونی و بیرونی مشتریان ترغیب نمودن اثربخش ...
کار گروهی	کارکردن با افراد با سن، جنس، نژاد، مذهب و یا جهت گیری سیاسی متفاوت کارکردن به صورت فردی و گروهی توان تعریف نقش اعضای تیم به کارگیری مهارت‌های گروهی در موقعیت‌های مختلف مانند بحران شناسایی نقاط قوت اعضا تیم ...
مدیریت خود	داشتن چشم انداز و اهداف شخصی ارزیابی و بهبود عملکرد شخصی آگاهی و اعتماد نسبت به ایده‌ها و چشم اندازهای شخصی عملی کردن ایده‌ها و چشم اندازهای شخصی تحمل عدم موفقیت و یا شکست‌های موقتی پاسخگو بودن...

برنامه‌ریزی

مدیریت زمان و اولویت بندی امور

نواوری و تصمیم گیری

تعیین اهداف پروژه به صورت روشن و قابل حصول

مشارکت در برنامه‌ریزی و بهبود مداوم

گرد اوری، تحلیل و سازماندهی اطلاعات

برنامه‌ریزی برای استفاده از منابع مختلف مانند زمان،

پول و ..

درک نظم کسب و کار پایه و روابط آنها

تخصیص افراد و منابع برای وظایف...

یادگیری

مدیریت یادگیری خود

کمک به یادگیری جمعی در محیط کار

به کار بردن رسانه‌های مختلف برای یادگیری

اشتیاق برای یادگیری مداوم

تمایل به یادگیری در هر موقعیتی

آمادگی پذیرش ایده‌ها و فنون جدید

آمادگی برای یادگیری مهارت‌های جدید...

تربیت حرفه‌ای از دیدگاه اسلامی

در طول تاریخ تمدن اسلامی، قرائت‌های مختلفی از ارتباط بین دین و دنیا ارائه شده است. برخی قرائت‌ها همچون قرائت‌های صوفیانه، مبتنی بر دنیاستیزی و آخرت گرایی افراطی بوده‌اند و برخی دیگر نیز رویکرد معتدل تری را در پیش گرفته سعی کرده‌اند میان دین و دنیا توازنی برقرار کنند. بر اساس آیات و روایات دینی، زهد در دین اسلام به معنای رهبانیت، عزلت و کناره گیری و طرد دنیا و نعمت‌های آن نیست.

برخلاف برخی فرقه‌ها و نحله‌های دینی، همچون تصوف، قرائت‌های مختلف اسلامی زهد را به معنای ترک دنیا و لذا ید آن ترجمه نکرده‌اند. از نظر اسلام، کار، حرفه آموزی و تولید ثروت نه تنها امری

مذموم نیست بلکه امری مطلوب و ممدوح نیز به شمار می‌رود. به لحاظ معرفتی، دیدگاه اسلام را می‌توان در تصویر ۱-۲ نشان داد.



تصویر ۱-۲: هرم مبادی معرفتی دینی نسبت به کار

الف - حرفه وسیله رفع نیازهای اولیه

اولین مزیت داشتن کار و شغل از منظر دین، این است که موانع تحول آدمی را از بین می‌برد. بدین معنا که از قبل شغل، می‌توان نیازهای اولیه را برآورده کرد. اولین کارکرد شغل این است که بواسطه درآمد حاصل از آن می‌توان، نیازهای فیزیولوژیک مثل مسکن، غذا و پوشاک را برآورده کرد. برای نمونه پیامبر (ص) در باب اهمیت مسائل اقتصادی فرمودند: خدایا در نان ما برکت قرار ده و میان ما و آن جدایی می‌فکن که اگر نان نبود ما نماز نمی‌گزاردیم و روزه نمی‌گرفتیم و احکام واجب پروردگار خویش را انجام نمی‌دادیم. همچنین در حدیث دیگری آمده است: کاد الفقر ان یكون کفرا (چیزی نمانده است که فقر به کفر تبدیل شود). در مذمت و نکوهش فقر، در حدیث دیگری از حضرت امیر المومنین آمده است که «القبر خیر من الفقر» یا از حضرت رسول (ص) نقل شده است که «من لا معاش له لا معاد له». این دست احادیث حاکی از اهمیت و نقش فعالیت‌های شغلی، حرفه‌ای و اقتصادی در روند تکاملی انسان است.

ب - حرفه وسیله ای برای کسب هویت

دومین کارکرد شغل را می‌توان در نقش هویت‌سازی آن جستجو کرد. بدیهی به نظر می‌رسد که برخی از شئون آدمی با برخورداری از شغل مناسب گره خورده باشد. برای نمونه جوان فاقد شغل که به لحاظ معیشتی به درآمد خانواده وابسته است، به لحاظ روانی نمی‌تواند حس استقلال و چه بسا عزت و کرامت

نفس داشته باشد. در منابع اسلامی تأییدات زیادی در این رابطه می‌توان یافت. برای نمونه در روایتی از امام علی (ع) آمده است که فرمودند: «خداوند به داود وحی کرد که تو بنده خوبی هستی مشروط بر اینکه از بیت‌المال استفاده نمی‌کردی و از کار یدی پرهیز نمی‌کردی. از این سخن، داود چهل روز در اندوه و زاری بود بود تا آنکه خداوند به آهن وحی کرد که بر بنده من داود نرم شو. پس خداوند آهن را برای او نرم کرد و او در هر روز زرهی می‌ساخت و آن را به هزار درهم می‌فروخت و به این نحو سیصد و شصت زره ساخت و آنها را به سیصد و شصت هزار درهم فروخت و از بیت‌المال مستغنی شد».

همان‌طور که از مثال فوق قابل استنباط است، شغل در مراحل بالاتر، کارکردهای متعالی تری به خود می‌گیرد. که یکی از آنها کسب هویت و جایگاه اجتماعی است. برای نمونه کسی که در استخدام یک اداره است، تنها چیزی که از اداره دریافت می‌کند، فیش حقوقی پایان ماه نیست، بلکه کار در آن اداره، برای این مستخدم، شأن و پایگاه اجتماعی نیز به همراه دارد. ممکن است فردی به لحاظ مالی کاملاً تأمین باشد، اما همچنان خود را نیازمند یک شغل بداند. مشهور است که نزد رسول خدا (ص) از جوانی تعریف و تمجید می‌کردند. وقتی رسول خدا (ص) متوجه شدند که بیکار است (یعنی می‌تواند کاری انجام دهد اما به آن تن نمی‌دهد) فرمودند: سقط من عینی.

ج - حرفه به منزله عبادت خدا

داشتن شغل و حرفه علاوه بر تأمین نیازهای فیزیولوژیک و ایجاد هویت و پایگاه اجتماعی، می‌تواند اهداف متعالی تری را دنبال کند. بالاترین هدفی که آموزه‌های دینی برای کسب و کار تعیین کرده‌اند، عبادت خداوند است. از منظر دین، کار در بالاترین درجه آن به مثابه عبادت دیده می‌شود. در این خصوص روایات فراوانی وارد شده است. برای نمونه معروف است فردی به نام محمد بن منکدر می‌گوید در یکی از روزهای گرم مدینه دیدم که امام محمد باقر (ع) با وضعیت کسالت باری به دو نفر تکیه کرده و مشغول داد و ستد است. او می‌گوید: وسوسه شدم امام را موعظه کنم، پس به او گفتم: پیر مردی با این حالت در طلب دنیاست؟ اگر در این حال، مرگ شما در رسد چه خواهید کرد؟ امام به او گفت: «اگر مرگ من در رسد و

^۱ عن امیر المؤمنین قال: أوحى الله إلى داود أنك نعم العبد لولا أنك تأكل من بيت المال ولا تعمل بيدك شيئا قال فبكى داود أربعين صباحا فأوحى الله إلى الحديد أن لن لعبدى داود قال إن الله عز وجل له الحديد فكان يعمل في كل يوم درعا فبيعها بألف درهم فعمل ثلاث مائة وستين درعا فباعها بثلاث مائة وستين ألفا واستغنى عن بيت المال. همان، باب استحباب العمل باليد.

من در این حال باشم، در حالی به سراغ من آمده است که مشغول انجام یکی از فرامین الهی بوده‌ام تا عزت خود و خانواده‌ام را از تو و دیگران مصون بدارم^۱.

همچنین رسول اکرم (ص) فرموده‌اند که عبادت هفتاد جزء دارد و جزء برتر آن کسب روزی حلال است. در بین عرفا و اهالی سیر و سلوک نیز توجه به امر کسب و کار حلال فراوان به چشم می‌خورد. برای نمونه در کتاب کیمیای محبت که شرح حال شیخ رجبعلی خیاط است آمده است که هیچ سوزنی نزد مگر به خاطر رضایت خدا (محمدری شهری، ۱۳۹۴). اگرچه ایشان از قبل خیاطی امرار معاش می‌کرده‌اند و غالباً به ازای کار برای دیگران دست مزد می‌گرفتند، اما نگاهشان به شغل، نگاهی الهی بوده و آن را به مثابه وسیله جلب رضایت خداوند تلقی می‌کردند.

با این وصف، یکی از وظایف نظام‌های آموزشی، آماده کردن دانش آموزان، دانشجویان و سوادآموزان برای ورود به دنیای اقتصاد و کسب و کار است. اگرچه بر اساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، این هدف نمی‌تواند تنهاترین و مهمترین هدف باشد، اما غفلت از آن نیز مورد پذیرش باشد. نهضت سوادآموزی نیز نمی‌تواند صرفاً به هدفهای تربیتی، دینی و فرهنگی اکتفا کند و هدفهای اقتصادی و حرفه‌ای را به حاشیه براند.

رویکرد جهانی به سوادآموزی و اقتصاد

در ارتباط با وضعیت اقتصادی با نگهداشت بیسوادان باید گفت که بر طبق آمار یونسکو در حال حاضر در حدود ۷۷۷ میلیون بزرگسال فاقد حداقل مهارت‌های سواد در دنیا زندگی می‌کنند. این افراد از هرگونه آموزش محروم‌اند و در بی‌سوادی مطلق بسر می‌برند که دو سوم از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. از طرفی در حدود ۶۰ میلیون کودک به مدرسه نمی‌روند یا بسیاری از آنها حضور نامنظمی در مدرسه دارند و یا مدرسه را رها کرده‌اند. با توجه به "گزارش جهانی آموزش برای همه" یونسکو، جنوب و غرب آسیا کمترین میزان سواد بزرگسالان ۸۰٫۷٪ را دارد و پس از آن کشورهای جنوب صحرای آفریقا ۸۷٫۷٪، و کشورهای عربی ۸۷٪ هستند. این گزارش نشان می‌دهد که ارتباط روشنی میان بی‌سوادی و فقر شدید وجود دارد (سعادت، ۱۳۹۶، ۹۰).

^۱ عن محمد بن علی (ع): «... لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَ أَنَا عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فَجَاءَنِي وَ أَنَا فِي طَاعَةٍ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَكْفُ بِهَا نَفْسِي وَ عِيَالِي عَنْكَ وَ عَنِ النَّاسِ». همان.

یونسکو (۲۰۱۶). در «توصیه هایی درباره یادگیری و آموزش بزرگسالان ۲۰۱۵» که در راستای تحقق سند ۲۰۳۰ تهیه و تنظیم شده است، اهداف آموزش بزرگسالان را ریشه در بیانیه های جهانی از جمله بیانیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، بند ۱۳ از توافق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و بنده ۱۰ از کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) می داند (یونسکو، ۲۰۱۶، ۵). آموزش بزرگسالان از نظر یونسکو، در قالب آموزش های مادام العمر دیده می شود و افرادی را شامل می شود که از تحصیل در کودکی باز مانده اند، یا دوران ابتدایی را به پایان نرسانده اند. هدف کلان دوره سوادآموزی این دسته از بزرگسالان این است که دانش و مهارتها و شایستگی های لازم را در اختیار آنها قرار دهد تا بتوانند با چالش ها و پیچیدگی های زندگی، فرهنگ، اقتصاد و جامعه کنار بیایند. یونسکو یکی از اهداف آموزش بزرگسالان را رشد اقتصادی فردی و ارتقاء رضایت شغلی توصیف می کند (یونسکو، ۲۰۱۶، ۷، ۸).

سوادآموزی در مسیر پایان دادن به فقر مطلق و ارتقای رفاه عمومی همه مردم، نیازی بنیادی است. از این رو سوادآموزی، از محورهایی است که در دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار قرار دارد. بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد روز هشتم سپتامبر ۲۰۱۶ (پنجشنبه ۱۸ شهریور) در پیامی به مناسبت روز جهانی سوادآموزی اعلام کرد ۷۵۰ میلیون بی سواد در جهان هستند که ۱۱۵ میلیون نفر آنان را جوانان تشکیل می دهند. بان کی مون، تمامی دولت ها و شرکای آنان را فراخواند تا به تلاش جهانی برای سوادآموزی بپیوندند.

در پیام بان کی مون آمده است: دو سوم افراد بی سواد جهان را زنان تشکیل می دهند. ۲۵۰ میلیون کودک که به سن مدرسه رفتن رسیده اند، فاقد مهارت های باسوادی هستند و ۱۲۴ میلیون کودک و نوجوان، هیچ گونه خدمات آموزشی و مدرسه ای دریافت نمی کنند.

از دیدگاه سازمان ملل آموزش، همانند دسترسی به غذای مناسب و داشتن سرپناه برای هر فرد یک حق است. ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام کرده است: "هر فردی حق آموزش دارد". آموزش، همچنین پیش نیاز توسعه انسانی و قوی ترین ابزار کاهش فقر و بهبود سلامت و برابری جنسیتی است. آموزش موجب ترویج صلح، مردم سالاری، افزایش بهره وری نیروی کار، انباشت سرمایه انسانی، بهبود سلامت جامعه و رشد اقتصادی در کشورها می شود. از اینرو، هدف نهایی از شعار "آموزش برای همه"، دستیابی به توسعه پایدار است. در سال ۲۰۰۰ رهبران کشورهای جهان، با تدوین و تصویب "منشور هزاره"، آرمان آموزش همگانی ابتدایی را مورد توجه قرار دادند و متعهد شدند که تا سال ۲۰۱۵، کودکان، چه پسر

و چه دختر، در همه جای دنیا بتوانند، دوره آموزش ابتدایی را به اتمام برسانند و نرخ سواد زنان و مردان بین ۱۵ تا ۲۴ ساله را افزایش دهند.

از این رو، یکی از اهداف کلان توسعه هزاره سوم، دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی و دسترسی برابر به سطوح آموزشی برای همه کودکان جهان فارغ از جنسیت آنها است. این هدف با آرمان کاهش فقر، رابطه تنگاتنگ دارد، زیرا در سطوح محلی، هزینه‌های آموزش، ثبت نام، لباس‌های فرم و موارد دیگر، می‌تواند مانعی برای ورود کودکان به سیستم آموزش باشد و در سطوح ملی نیز به ویژه در کشورهای توسعه نیافته، بودجه‌های عمومی معمولاً برای تامین آموزش‌های با کیفیت بسیار پایین است و اغلب، سهم فقرا، کمتر از آن چیزی است که باید بدست آورند (امین‌زاده، ۱۳۹۵). بدین ترتیب تجربه جهانی نشان داده است که ارتباط بین آموزش و توسعه اقتصادی و اجتماعی، یک فرایند دوطرفه است. (افروز، ۱۳۸۷).

مرور پژوهش‌های مرتبط با سطح آموزش و فقر

الف. پژوهش‌های خارجی

سیلوستر^۱ (۲۰۰۲) بر روی تأثیر مخارج آموزشی بر نابرابری تمرکز کرد. او با استفاده از داده‌های ۵۰ کشور دریافت که آن دسته از کشورهایی که منابع مالی بیشتری را به آموزش عمومی اختصاص می‌دهند در سال‌های بعد نابرابری درآمدی کمتری را خواهند داشت. دی گریگوریو و لی^۲ (۲۰۰۲) در یک مطالعه بین کشوری برای دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ دریافتند که دسترسی بیشتر به امکانات آموزشی و توزیع برابرتر آموزش، نقش مهمی را در شکل‌گیری توزیع درآمد برابرتر بازی می‌کنند. بهر (۲۰۰۴) نیز تأثیر مخارج آموزشی بر فقر و توزیع درآمد در ۵۰ ایالت کشور آمریکا را بررسی کرد. او به این نتیجه رسید که مخارج آموزش عمومی به ازای هر محصل به کاهش نابرابری و نرخ فقر کمک کرده است. چن (۲۰۰۵) با در نظر گرفتن یک سیستم آموزشی دولتی و خصوصی به‌طور هم‌زمان، متوجه شد که تحت شرایط بازارهای اعتباری ناقص، هر دولتی که بخواهد نابرابری درآمدی را کاهش دهد، سیاست‌هایی را انتخاب می‌کند که سبب افزایش نرخ ثبت نام در مدارس دولتی می‌شوند (مهربانی ۱۳۸۷، ۴-۵).

جولیوس^۳ و باوان^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان ارتباط و پیوند بین تعلیم و تربیت و فقر:

پژوهش موردی در کنیا، فقدان آموزش را با فقر برابر دانسته‌اند. تعلیم و تربیت به معنای عام یکی از راه‌های

^۱sylwester

^۲De Gregorio & Lee

^۳Julius

شناخته شده برای خروج از فقر است. آموزش، ستون فقرات رشد فردی و اجتماعی یک ملت است. به طور مشخص نویسندگان مقاله این ارتباط را در کشور کنیا نشان داده‌اند.

نجونگ (۲۰۱۰) در مقاله خود با عنوان تأثیرات موفقیت‌های آموزشی بر کاهش فقر در کامرون، نشان داد که هرچه سطح تحصیلات بالاتر برود، احتمال فقر پایین‌تر می‌رود.

ب. پژوهش‌های داخلی

در ادبیات کهن ایران، دانایی همواره قرین توانایی بوده است. مصرع «توانا بود هر که دانا بود» از شاهنامه فردوسی سالها زینت بخش فضاهای تعلیم و تربیت کشور بوده است. انتظار عقلانی از نظام تعلیم و تربیت این است که افراد را توانمند سازد. بخش عمده‌ای از این توانمندی، توانمندی دانش آموخته در حوزه کسب و کار و اقتصاد است. همان‌طور که در فصل نخست نیز اشاره شد، رابطه بین آموزش و فقر رابطه دوسویه است. مشکلات اقتصادی خود زمینه بی‌سوادی را فراهم می‌آورد و بی‌سوادی خود مانعی برای رشد اقتصادی است.

رابطه دوسویه فوق حتی برای افراد بازمانده از تحصیل نیز تا حدی روشن است، و شاید نیاز به تحقیقات گسترده در این خصوص نباشد. برای نمونه در یک تحقیق، حدود یک سوم پاسخ دهندگان علت بی‌سواد ماندن خود را وجود مشکلات اقتصادی و ضعف مالی خود یا خانواده خود ذکر کرده‌اند. در حالی که عدم علاقه به یادگیری درصد بسیار کمی (۶٪) از پاسخ‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. این امر نیز بیانگر یکی دیگر از مشکلات موجود در سوادآموزی جامعه ماست (سرمد، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر ارتباط تنگاتنگی بین فقر و بی‌سوادی وجود دارد. تحقیق دیگری نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که از تبار اقتصادی، اجتماعی پایین‌تری برخوردارند و خانواده‌های آنان با محدودیت‌های اقتصادی مواجه هستند افت تحصیلی بیشتری دارند (یزدانی، ۱۳۹۵، ۴۴).

نتایج پژوهش خدادکاشی و جاویدی (۱۳۹۱) دلالت بر آن دارد که اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر (درآمد، مسکن و بهداشت) در مناطق شهری و روستایی معنادار بوده و با افزایش سطح آموزش و نسبت افراد دارای درآمد در خانوار، احتمال فقر درآمدی، فقر مسکن و فقر بهداشتی خانوارها کاهش می‌یابد. همچنین نتایج نشان می‌دهد احتمال فقیر بودن خانوارهای با سرپرست زن بیشتر از خانوارهای با سرپرست مرد می‌باشد. با توجه به یافته‌های این مقاله ملاحظه می‌شود که دیدگاه‌های نظری در مورد

آموزش و سرمایه انسانی با شرایط ایران سازگار می‌باشد و آموزش اثر کاهنده بر فقر دارد و در واقع با افزایش سطح آموزش، قابلیت‌های فرد و خانوار ایرانی ارتقاء می‌یابد و قدرت انطباق با شرایط و حل مشکلات افزایش می‌یابد. بر این اساس توسعه انواع آموزش و سرمایه گذاری در امر نیروی انسانی به‌ویژه از محل منابع دولتی قابل توصیه است و دولت می‌باید با ایجاد انگیزه، آحاد جامعه را به تراکم سرمایه انسانی تشویق کند (خدادکاشی، جاویدی، ۱۳۹۰، ۸۳).

علمی و علی تبار (۱۳۹۱) نشان دادند که با افزایش سال‌های آموزش احتمال فقر کاهش می‌یابد. صادقی و همکاران (۱۹۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تعیین کننده‌های فقر در مناطق روستایی: مطالعه موردی کشاورزان ساوجبلاغ در ایران» نشان دادند که بالا رفتن سطح آموزش در کاهش فقر خانوارهای کشاورز موثر است (به نقل از علمی و علی تبار، ۱۳۹۱، ۱۱۷).

مهربانی (۱۳۸۷) در مقاله «تأثیر آموزش بر فقر و نابرابری درآمدها» به‌طور ویژه تأثیر آموزش در سطح دبیرستان و آموزش عالی را در کاهش فقر موثر دانسته است.

مهربانی (۱۳۸۷) در تحقیق خود از چارچوب اقتصاد کینزی استفاده کرد و با استفاده از ادعاهای نظریه سرمایه انسانی، این موضوع را مورد کاوش قرار داد که آیا بالا رفتن سطح آموزش و هزینه‌های تحقق یافته آن، از سطح فقر و نابرابری می‌کاهد. آزمون فرضیه‌های مطرح شده با استفاده از تعداد قابل توجهی از مشاهدات در ارتباط با کشورهای مختلف و با درجات متفاوت از توسعه انسانی، مشخص کرد که آموزش و مخارج انجام پذیرفته در این بخش، به‌طور معناداری از سطح نابرابری درآمدها کاسته و در این بین، تأثیر آموزش عالی نسبت به مقاطع قبل از آن بزرگتر است. به عبارت دیگر، هرچه سطح مقطع آموزشی بالاتر می‌رود اثر آموزش بر کاهش فقر و نابرابری افزایش می‌یابد. از این یافته‌های می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد، چون سرمایه گذاری به معنای هزینه کردن در امروز و کسب عایدات در آینده است، لذا مخارج آموزشی چون سبب درآمدهای بالاتری می‌شوند، پس این هزینه‌ها به منزله سرمایه گذاری خواهند بود و وجود دولت و هزینه کردن آن در این عرصه به ویژه در سطح آموزش عالی توجیه می‌شود (مهربانی، ۱۳۸۷، ۱۳).

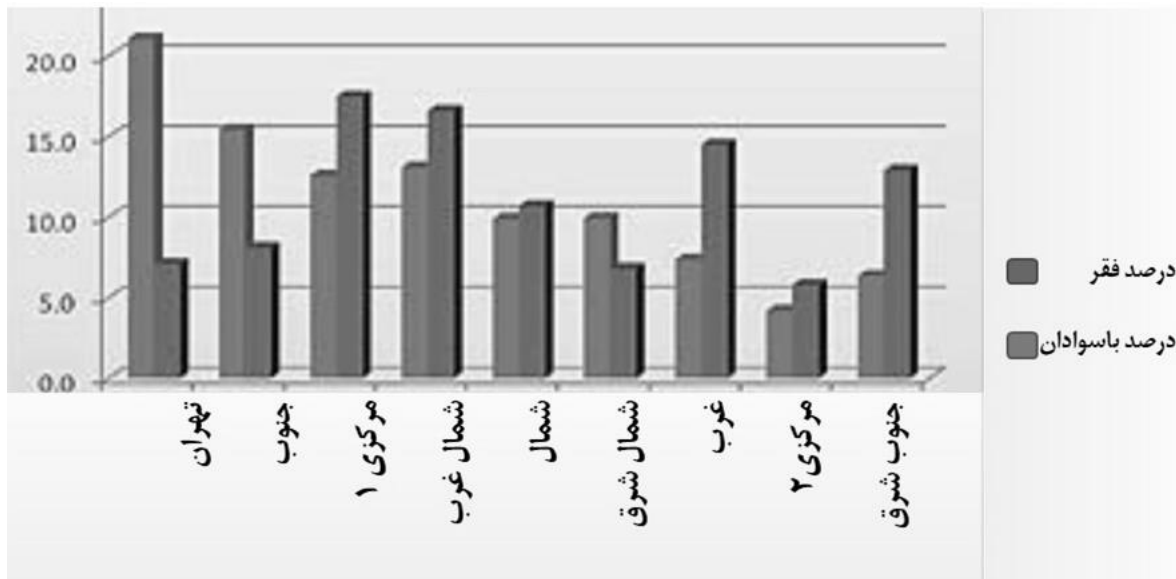
محمودی (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «تغییرات فقر در خلال سه برنامه توسعه اخیر در ایران» ایران را به ۹ منطقه جغرافیایی تقسیم کرده و سهم این مناطق از فقر ملی را محاسبه کرده است. مناطق مورد اشاره در این پژوهش عبارتند از: ۱. تهران، ۲. جنوب شرق (کرمان و سیستان و بلوچستان) ۳. شمال شرقی

(خراسان جنوبی، رضوی و شمالی) ۴. غرب (کرمانشاه، کردستان، همدان و ایلام) ۵. جنوب (فارس، بوشهر، هرمزگان و خوزستان) ۶. شمال (گیلان، مازندران، گلستان) ۷. شمال غرب (قزوین، زنجان، اردبیل، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی) ۸. مرکزی ۱ (مرکزی، اصفهان، سمنان، یزد، قم) ۹. مرکزی ۲ (کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، لرستان).

بر اساس یافته‌های این پژوهش، توزیع فقر در مناطق شهری در سال ۱۹۹۵ (معادل سال ۱۳۷۴ و اولین سال برنامه پنج ساله دوم توسعه) به این صورت است که مناطق جنوب شرق و شمال شرق شامل استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان فقیرترین استان‌ها و مناطق کشور و همچنین تهران دارای حداقل فقر است.

سهم فقر مناطق شمال شرقی (از جمله خراسان شمالی) در فقر روستایی نیز در خلال برنامه‌های سوم و چهارم رو به کاهش بوده است. این در حالی است که سهم مناطق غرب کشور از فقر روستایی در خلال برنامه‌های توسعه افزایشی بوده است که البته این امر می‌تواند ناشی از جنگ ایران و عراق باشد. اگرچه فقر در جوامع روستایی بیشتر از جوامع شهری است، اما در طول برنامه دوم توسعه، فقر در جوامع روستایی افزایشی و در جوامع شهری کاهش یافته است. همچنین تمام شاخص‌های فقر روستایی و شهری در خلال برنامه سوم توسعه (دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی) در حال کاهش بوده است. و نیز با توجه به شاخص‌های فقر معرفی شده در این مطالعه، فقر در خلال برنامه چهارم توسعه (دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد) افزایش یافته است. این در حالی است که شعارها و برنامه‌هایی که در طی هشت سال اخیر تکرار شده بود، شعارهایی از جنس برابری، رفع فقر و تبعیض، مبارزه با فساد، بوده است.

بر اساس تصویر ۲-۲ و مقایسه فقر استان‌ها با آمار بی‌سوادی، درستی گزاره‌های فوق یعنی رابطه مستقیم میان فقر و بی‌سوادی را نشان می‌دهد. همچنین است رابطه مستقیم درصد بی‌سوادی کمتر، فقر کمتر و توسعه بیشتر استان‌ها. به گونه‌ای که استان‌های تهران و البرز که کمترین درصد بی‌سوادی را دارند، کمترین درصد فقر روستایی و شهری و نیز بیشترین میزان توسعه را به خود اختصاص داده‌اند.



تصویر ۲-۲: ارتباط بین فقر و درصد باسوادی در ۹ منطقه ایران

عرب مازار و حسینی نژاد (۱۳۸۳، ۷۲) در مقاله «عوامل موثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران» معتقدند که به احتمال قوی خانوارهایی که یکی از مشخصات ذیل را داشته باشند، خارج از محدوده فقر قرار می گیرند:

الف: خانوارهایی که دارای زمینی با وسعت زیاد هستند؛

ب خانوارهایی که دارای نرخ مشارکت بالا، به خصوص در امور غیرکشاورزی هستند؛
خانوارهایی که دارای سطح آموزش بالایی هستند.

بر اساس این تحقیق در گروه شاغلان استخدامی، بی سواد بودن سرپرست خانوار و کاهش دارایی های خانوار، نقش زیادی در افزایش شانس فقیر شدن خانوار دارد (۱۳۸۳، ۹۰).

شعبان زاده و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله خود تحت عنوان «ارتباط کمی بین فقر، آموزش و تولید ناخالص داخلی ایران طی سالهای ۸۹-۱۳۶۳» با استفاده از آزمون علیت گرنجر نشان دادند که جهت علیت از آموزش و رشد اقتصادی به سمت فقر است. متغیر آموزش اگرچه با وقفه، ولی در کوتاه مدت و بلندمدت اثری منفی و معنی دار بر شاخص فقر در ایران دارد. نتیجه نهایی این پژوهش حاکی از این است که در کوتاه مدت و بلندمدت با افزایش رشد اقتصادی و آموزش، میزان فقر در جامعه کاهش خواهد یافت (ص ۳۷).

مرور پژوهش‌های مرتبط با سوادآموزی بزرگسالان و اقتصاد

آنچه در قسمت‌های قبلی مورد اشاره قرار گرفت، به‌طور کلی تأثیر آموزش - از ابتدایی تا سطوح عالی - را در رفع فقر و نابرابری‌ها نشان می‌داد. در این قسمت به آن دسته از پژوهش‌ها و مطالعاتی پرداخته خواهد شد که به‌طور ویژه تأثیر سوادآموزی در دوره بزرگسالی را بر وضعیت کسب و کار، رفاه و درآمد مورد سنجش و مطالعه قرار داده‌اند.

الف. پژوهش‌های خارجی

به گزارش یونسکو (۲۰۰۶) افراد باسواد و دارای مهارت‌های ریاضی، افراد کاراتری هستند و از فهم بهتری برای برنامه‌ریزی خانواده و کیفیت بالاتر زندگی برخوردارند. بسیاری از کنفرانس‌های بین‌المللی مانند EFA، پنجمین کنفرانس بین‌المللی آموزش بزرگسالان (۱۹۹۷)، دهه سوادآموزی ملل متحد^۲ (۲۰۰۳-۲۰۱۲) و کمپین عمومی برای آموزش^۳ (۲۰۰۵/۲۰۰۴) در کنار انبوهی از مطالعات نشان گر آن است که بحث سواد همچنان یک مانع عمده در زندگی بزرگسالی است.

در گزارش یونسکو آمده است که بین افزایش سواد و افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی-فرهنگی کشورها به‌ویژه کشورهای تازه استقلال یافته رابطه مستقیم وجود دارد. نکته جالب آنکه آموزش سواد در بزرگسالی به همان اندازه آموزش سواد در دوره دبستان در شناخت بهتر اقتصاد موثر است (یونسکو، ۲۰۰۶، ۱۴). به اعتقاد یونسکو، بازگشت اقتصادی^۴ آموزش در پژوهش‌های بسیاری مورد مطالعه قرار گرفته به‌ویژه اثربخشی آن در افزایش درآمد شخصی و رشد اقتصادی مورد تایید قرار گرفته است. با وجود این پژوهش‌ها در حوزه تأثیر آموزش بزرگسالان و تأثیر مثبت آن نادرتر است (یونسکو، ۲۰۰۶، ۱۷).

در زمینه تأثیر مخارج آموزشی بر نابرابری می‌توان به برخی پژوهش‌ها اشاره کرد: دائو (۲۰۰۴) در زمینه تأثیر افزایش آموزش و بهره‌وری کارگران بخش کشاورزی در کاهش فقر و نابرابری در کشورهای در حال توسعه، چوده‌ری و همکاران (۲۰۰۹) در زمینه نقش آموزش در کاهش فقر پاکستان، داناسیکا و همکاران (۲۰۱۰) در زمینه ارتباط میان آموزش و رشد اقتصادی در کشور رومانی، و افضل و همکاران (۲۰۱۰) در زمینه ارتباط بین فقر، آموزش و رشد اقتصادی در کشور پاکستان مطالعاتی را انجام داده‌اند.

^۱CONFINTEA V

^۲United Nations Literacy Decades

^۳General campaign of Adult Education

^۴Economic returns

نتایج حاصل از این مطالعات نشان می‌دهد: آموزش و تقویت دانش و مهارت نیروی کار باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار و در بلند مدت سبب افزایش رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌گردد (شعبان زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۲).

سی‌سامز (ترجمه عزیزی ۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «تاثیرات بی‌سوادی در کسب و کار» به نقش بی‌سوادی و کم سوادی در پیشرفت اقتصادی و کسب و کار می‌پردازد. بنا به یافته‌های او ۱۴ درصد از مردم ایالات متحده امریکا بی‌سواد هستند و این امر خسارات جبران ناپذیری بر اقتصاد و کسب و کار این کشور وارد کرده به همین دلیل جامعه امریکا از این ناحیه سالیانه ۲۲۲ بیلیون دلار به خاطر عدم استخدام، فقدان بهره‌وری کاری و جرایم خسارت می‌بیند. سواد روی خانواده‌ها و جوامع تاثیرگذار است همچنین روی کسب و کار و کارکنان بمنظور سودمندی در هر جا و هر ناحیه تاثیر گذار می‌باشد. مرکز ملی آمار آموزش سواد را به عنوان توانایی استفاده از اطلاعات چاپ شده تابع جامعه و افزایش دهنده دانش و عاملی برای دستیابی به اهداف تعریف می‌کند. بی‌سوادی تابعی از توانایی خواندن در سطوح مقاطع چهارم تا ششم است دیگر لوازم سواد توانایی استفاده از فن آوری، حل مشکلات و انجام ریاضی را دارد. بر اساس ارزیابی که در سال ۲۰۰۳ صورت گرفت نزدیک به ۲۲ درصد از بزرگسالان در ایالات متحده از نظر مهارت در سطح پایینی قرار دارند که این ارزیابی توسط سازمان ملی ارزیابی سواد بزرگسالان انجام شده است. این بزرگسالان قادر به فهم استفاده از زبان نوشتاری کافی و عملی در جامعه یا در محل کار نیستند. کارگرانی که قادر به خواندن و تفسیر نشانه‌های اساسی و دستورالعمل‌های ایمنی سازش نیستند باعث کندی تولید می‌شوند و سبب خطاهایی می‌شوند که روی سودمندی و رضایتمندی مشتری و انطباق با قوانین و الزامات قانونی تاثیر گذار هستند. بی‌سوادی همچنین روی توانایی ارتباطی کارگران تاثیر گذار می‌باشد. بی‌سوادی بین نیروی کار و نیازهای کسب و کار ایجاد شکاف می‌نماید و کار در محل کار بعنوان یک مساله پیچیده در می‌آید و مبتنی بر فن آوری می‌شود. بی‌سوادی همچنین در کیفیت کاری کارگران تاثیر گذار است و با جرایم، مسائل بهداشتی و نرخ بالای بیکاری ارتباط دارد.

رقابت به عنوان عامل اقتصادی در جهان که نیاز به افزایش سطوح عالی آموزش و پرورش دارد در جریان است. بی‌سوادی در میان کارگران امریکایی توانایی کسب و کار را برای رقابت در سطح جهان تهدید می‌نماید. ایالات متحده پشت سر چندین کشور که در آموزش و پرورش و نیروی کار و علم و فن آوری و

مهندسی پیشرفت کرده‌اند قرار گرفته است. بیسوادی باعث شده تا کسب و کار این کشور دچار نقطه ضعف شود و در رقابت جهانی نسبت به کارگرانی که دارای تحصیلات بهتری باشند نتوانند رقابت نمایند. رئیس شورای آموزش اقتصاد آمریکا در واکنش به این گزارش که دروس اقتصاد در سال‌های اخیر در بسیاری از ایالت‌های آمریکا متوقف شده و اکنون تنها در ۱۷ ایالت این کشور دانش‌آموزان دبیرستانی موظف هستند این درس را بگذرانند و همچنین با بررسی وضعیت ۵۰ ایالت این کشور در خصوص آموزش اقتصاد و امور مالی، می‌گوید: وضعیت کنونی سبب می‌شود ثبات مالی و اقتصادی آمریکا در سال‌های آینده کاهش یابد. آشنایی با مفاهیم اقتصادی و مدیریت مالی شخصی برای تصمیم‌گیری‌های صحیح مالی و اقتصادی در آینده مهم هستند. در تحقیقی دیگر که از سوی کالج چمپلین انجام شده میزان اثرگذاری تعلیم مسائل مالی و اقتصادی به دانش‌آموزان دبیرستانی بررسی شده است و نکته نگران‌کننده این است که تنها ۵ ایالت در این زمینه نمره بالا دریافت کرده‌اند و ۳۰ درصد ایالت‌ها از این نظر در سطح بسیار پایین قرار دارند.

البته برخی کارشناسان معتقد نیستند آموزش مدیریت مالی شخصی بهترین راه برای افزایش دانش دانش‌آموزان باشد. در تحقیقی که در سال ۲۰۱۵ در ژورنال منابع انسانی آمریکا منتشر شد آمده است، کلاس‌های ریاضیات در آماده کردن دانش‌آموزان برای فعالیت در بازارهای مالی، سرمایه‌گذاری بهتر و مدیریت پول موثرتر هستند. البته در مقابل، تحقیقاتی وجود دارد که نشان می‌دهد دانش‌آموزان و دانشجویان باید به‌طور خاص آموزش‌هایی در حوزه مالی و اقتصادی داشته باشند. برای مثال گزارش سال ۲۰۱۴ بانک مرکزی آمریکا نشان داد آن دسته از دانش‌آموزانی که آموزش مدیریت مالی شخصی داشته‌اند، رتبه اعتباری مالی بالاتری نسبت به دیگر دانش‌آموزان کسب کردند.

بر همین مبنا، تلاش‌هایی برای متقاعد کردن مقامات ایالت‌ها به گنجاندن دروس یاد شده در دوره دبیرستان صورت گرفته است. همچنین از خانواده‌ها خواسته شده مقامات ایالتی را تحت فشار قرار دهند تا این دروس را جزو دروس الزامی دبیرستان‌ها قرار دهند. در دهه‌های اخیر یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی و بروز بحران در بازارهای مالی، رفتارهای غیرمنطقی سرمایه‌گذاران بوده است. کسانی که اکنون در بازارهای مختلف سرمایه‌گذاری کرده‌اند و تصمیم‌هایشان بر سرنوشت بازار تاثیر دارد سال‌های پیش دانش‌آموزان دبیرستانی بوده‌اند. این باور وجود دارد که آموزش مبانی علم اقتصاد و مدیریت مالی شخصی از رفتارهای هیجانی سرمایه‌گذاران می‌کاهد (نوا، ۱۳۹۶).

زوفاً^۱ (۲۰۱۱) در پژوهش خود نقش سوادآموزی را در بهبود معیشت در کشور نیجریه مورد بررسی قرار داده است. منظور او از معیشت، عبارت است از هرگونه شغل یا منبع درآمدی که قدرت خرید افراد را بالاتر ببرد. و منظور او از سواد مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن است. در زمان پژوهش ۵۰٪ از جمعیت کشور نیجریه بی‌سواد بودند. بنا به یافته او، سواد به‌طور معناداری وضعیت معیشت افراد بی‌سواد را بهبود می‌بخشد.

کشور چین به عنوان یکی از پرشمارترین تعداد بی‌سوادان دنیا در دهه‌های اخیر، تلاش‌های زیادی را برای کاهش نرخ بی‌سوادی انجام داده است. یکی از اهداف آن، محو فقر از طریق ارتقاء سطح سواد جامعه بوده است. به‌طور مشخص در سوادآموزی زنان روستایی به موضوعات کودکیاری، سلامت کودک، آموزش خانواده و اقتصاد خانواده می‌پردازد (کمیسون ملی چینی یونسکو و انجمن چینی آموزش بزرگسالان، ۲۰۰۸، ۲۴، ۲۷). چین تا سال ۲۰۰۴، ۲۰ میلیون زن را باسواد کرده و به‌طور مشخص چین در رابطه با کسب و کار و ارتقاء مهارت‌های تولید، حدود ۱۰۰ میلیون زن را در یک یا دو مهارت تولیدی به مهارت لازم رسانده و از این طریق آنها را از زیر خط فقر خارج کرده است (همان، ۳۰).

نخستین توصیه این گزارش این است که سیاست آموزش شغلی باید مبتنی بر نیازهای ویژه محلی باشد تا به بهره‌وری، درآمد و رفاه بیشتر منجر شود. دومین توصیه پرهیز از تمرکزگرایی و تمرکز بر رشد قابلیت‌های منطقه‌ای و محلی برای بهبود معیشت افراد بی‌سواد است. از دیگر توصیه‌ها به شیوه آموزش برمی‌گردد، شیوه آموزش باید مبتنی بر شیوه‌های فعال، تعاملی و عملی باشد (اکسانهام^۲، دیالو^۳، کاتاهویر^۴، پتکوا-مونگی^۵؛ سال^۶، ۲۰۰۲، ۴۲، ۴۳).

ب. پژوهش‌های داخلی

در خصوص تأثیر یا ارتباط بین آموزش‌های دوره‌های مختلف نهضت سوادآموزی و رونق کسب و کار فراگیران تحقیقات انگشت شماری در ایران به انجام رسیده است. تا آنجا که نگارنده جستجو کرده است، غیر از دو مورد زیر، مورد مشابه دیگری را نیافته است. نخستین آنها توسط میرحسینی و ارجمندینا

^۱Zoufa

^۲Oxenham

^۳Diallo

^۴Katahoire

^۵Petkova-Mwangi

^۶Sall

(۱۳۸۷) به انجام رسیده است. ایشان در پژوهشی که با عنوان «تحلیل محتوای کتابهای غیردرسی فراگیران نهضت سوادآموزی شهر تهران» به چاپ رسیده است، نشان داده‌اند که هیچ یک از کتابهای غیردرسی که از سوی نهضت سوادآموزی در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد حاوی پیام‌های اقتصادی و مالی نیست. همان‌طور که در این پژوهش به آن اشاره خواهد شد، در حال حاضر برخی کتاب‌های غیردرسی نهضت به اقتصاد توجه بیشتری نشان داده‌اند و یافته‌های این پژوهش که مربوط به ده سال پیش است، نمی‌تواند خیلی به روز و در مورد محتوای جدید مصداق داشته باشد.

دومین اثری که در این زمینه - البته به صورت غیرمستقیم - نتایج جالبی را به دست داده است، توسط الهامی (۱۳۹۶) به انجام رسیده است. او نشان داد که از نظر معاونین سوادآموزی ادارات کل آموزش و پرورش استانهای کشور، رؤسا و کارشناسان ادارات کل، آموزشگران دوره‌های مختلف سوادآموزی و سوادآموزان استان خراسان شمالی، مهمترین نیازهای آموزشی در دوره‌های مختلف سوادآموزی به ترتیب زیر هستند:

- دوره سوادآموزی: خواندن و نوشتن، مسائل دینی، مسائل خانوادگی، حساب کردن، بهداشت و سلامت، جزء پنج اولویت نخست و تاریخ، جغرافیا، اقتصاد و تجارت و سواد رسانه‌ای جزء آخرین اولویت‌ها هستند.

- دوره انتقال: خواندن و نوشتن، مسائل دینی، مسائل خانوادگی، بهداشت و سلامت، حساب کردن، جزء پنج اولویت نخست و تاریخ، جغرافیا، اقتصاد و تجارت و محیط است جزء آخرین اولویت‌ها هستند.

- دوره تحکیم: خواندن و نوشتن، مسائل دینی، مسائل خانوادگی، بهداشت و سلامت، حساب کردن، جزء پنج اولویت نخست و تاریخ، جغرافیا، اقتصاد و تجارت و محیط است جزء آخرین اولویت‌ها هستند.

همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، از نظر معاونین سوادآموزی ادارات کل آموزش و پرورش استانهای کشور، و برخی مسئولین و کارشناسان استان خراسان شمالی، موضوع اقتصاد و تجارت از اولویت‌های مهم دوره‌های سوادآموزی، انتقال و تحکیم نیست.

مفهوم سواد مالی

بر اساس فرهنگ لغت معین، سواد در لغت به معنای سیاهی و نوشته است و در زبان فارسی به معنای خواندن و نوشتن و یا توانایی انجام این دو است. به طور سنتی نیز فرد باسواد کسی بوده است که توانایی خواندن، نوشتن و احتمالاً حساب کردن را داشته است. در عصر حاضر، مفهوم سواد و باسوادی با شرح و بسط‌های زیادی روبرو بوده است. در حال حاضر، برخورداری از سه مهارت مذکور، برای اطلاق کلمه باسوادی به کسی کافی نیست. با وجود این، «خواندن، نوشتن و حساب کردن» همچنان مهارت‌های کلیدی باسوادی را تشکیل می‌دهند. کلید باسوادی دندانه‌های دیگری دارد که نقص در هر یک از آنها می‌تواند به عملکرد ناموفق فرد در زندگی فردی و اجتماعی منجر شود (تصویر ۲-۳).



تصویر ۲-۳: ارتباط انواع سواد در جهان معاصر

محققان و نظریه‌پردازان تا کنون بیش از ۳۴ نوع سواد مفید و ضروری برای زندگی مدرن را شناسایی کرده‌اند (احمدی، امام جمعه، علیزاده، ۱۳۹۴، ۱۸۰). سواد رسانه‌ای^۱، سواد مالی^۲، سواد اقتصادی^۳، سواد رایانه‌ای، سواد حقوقی^۴، سواد بهداشتی^۵ و مانند آن از جمله اینهاست. از نظر یونسکو، انواع سواد

^۱Media literacy

^۲Financial literacy

^۳Economic literacy

^۴Legal literacy

^۵Health literacy

عبارتند از سواد عاطفی، سواد ارتباطی، سواد مالی، سواد رسانه ای، سواد تربیتی، سواد رایانه ای (تصویر ۲-۴).



تصویر ۲-۴: انواع سواد از نظر یونسکو

بنا به تعریف یونسکو، سواد مالی عبارت است از توانایی مدیریت اقتصادی درآمد (چگونگی پس انداز، سرمایه گذاری و مدیریت هزینه ها). سواد مالی عبارت است از دانش و درک مفاهیم و مخاطرات مالی، و همچنین انگیزش و اطمینان نسبت به بکار بستن این دانش و درک، به منظور اتخاذ تصمیم های اثربخش در طیفی از زمینه های مالی، با هدف بهبود رفاه مالی افراد و جامعه و توانمندسازی در جهت مشارکت در زندگی اقتصادی. این نشان می دهد افرادی می توانند زندگی بهتری داشته باشند که از سواد مالی مناسبی برخوردار باشند.

مفهوم سواد مالی اولین بار در سال ۱۹۹۷ در ایالات متحده در مراسم ائتلاف پیشگامی برای سواد مالی فردی مطرح شد. این ائتلاف در مطالعه ای که برای سنجش میزان سواد مالی دانشجویان دبیرستان انجام داده بود سواد مالی را به صورت زیر تعریف کرد: «توانایی یک فرد در استفاده از دانش و مهارت شخصی برای مدیریت اثربخش منابع مالی به منظور تأمین امنیت مالی در دوران عمر». از نظر این ائتلاف سواد مالی دربرگیرنده مجموعه ای از توانایی های افراد است که وابسته به متغیرهایی نظیر سن، خانواده،

^۱Jump\$tart Coalition for Personal Financial Literacy.

فرهنگ و محل سکونت آنهاست و آنها را قادر می‌سازد که بتوانند به نحو مؤثری در برابر شرایط متغیر اقتصادی واکنش نشان دهند (اسلامی بیدگلی، کریم‌خانی، ۱۳۹۵).

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ (۲۰۰۵) سواد مالی را به صورت زیر تعریف می‌کند: «فرآیندی که در آن افراد درک خود را از مفاهیم و محصولات مالی بهبود می‌بخشند و با استفاده از اطلاعات، آموزش و مشاوره، مهارت‌ها و توانایی‌های خود را توسعه می‌بخشند تا آگاهی بیشتری در مورد ریسک‌ها و فرصت‌های مالی داشته باشند؛ انتخاب‌های مناسب‌تری انجام بدهند؛ بدانند که از کجا می‌توانند کمک بگیرند و فعالیت‌های مؤثرتری را برای بهبود وضعیت مالی خود انجام دهند».

از نظر زو و زیا^۲ (۲۰۱۲) سواد مالی دربرگیرنده مفاهیمی نظیر دانش و آگاهی مالی در زمینه محصولات مالی، مهارت‌های مالی نظیر توانایی محاسبه پرداختی‌های نرخ بهره مرکب و توانایی‌های مالی کلی‌تر نظیر مدیریت پول و برنامه‌ریزی مالی است. البته با توجه به سطح درآمد هر کشور، این مفاهیم می‌توانند دلالت‌های متفاوتی داشته باشند. به عنوان مثال در کشورهای پردرآمد، سواد مالی مکمل حمایت از مصرف‌کننده است. یکی از اهداف اولیه آموزش سواد مالی در این کشورها، توانمند کردن افراد در زمینه کار کردن با ابزارهای مالی پیچیده‌ای نظیر وام‌های رهنی و صندوق‌های بازنشستگی و اتخاذ تصمیمات صحیح مالی است. در سال‌های اخیر با بروز بحران مالی اهمیت این موضوع بیشتر شده است. در کشورهای کم‌درآمد، سیستم مالی توسعه کمتری یافته است و ابزارهای مالی پیچیده در اختیار درصد بسیار کمی از افراد جامعه است. در این کشورها سواد مالی می‌تواند منجر به افزایش دسترسی افراد به خدمات مالی و استفاده بیشتر از آنها شود.

اهمیت سواد مالی

بنا به گزارش زو و زیا (۲۰۱۲) مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که سطح سواد مالی در کشورهای توسعه‌یافته پایین است. در مورد کشورهای دارای درآمد متوسط و کم‌درآمد اطلاعات مؤثقی وجود ندارد اما به نظر می‌رسد که در این کشورها سطح سواد مالی خیلی کمتر است. به علاوه نتایج مطالعات نشان می‌دهد که سطوح پایین سواد مالی باعث بروز آسیب‌های مالی فراوانی می‌شود. بنابراین

^۱OECD- Organization for Economic Co-operation and Development.

^۲Xu & Zia.

افزایش سواد مالی افراد جامعه می‌تواند یکی از اهداف سیاست‌گذاران در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه باشد.

از نظر انجمن آموزش اقتصاد^۱ (۲۰۱۳) افزایش سواد مالی افراد رفتار آنها را تغییر خواهد داد. افراد یاد خواهند گرفت که چگونه رجحانات و موقعیت‌های شخصی روی تصمیمات مالی آنها تأثیر می‌گذارد و می‌فهمند که نوعی بده-بستان ذاتی بین انتخاب‌های آنها وجود دارد. به عنوان مثال برخی از افراد برای دوران بازنشستگی خود بیشتر پس‌انداز خواهند کرد و برخی کمتر. البته تصمیم‌گیری صحیح مالی بدین معنا نیست که افراد کورکورانه پول خود را در صندوق‌های بازنشستگی بریزند اما بدین معنی است که فرد بفهمد که قرار است در بازنشستگی چه سبکی را برای زندگی انتخاب کند و برای رسیدن به آن هدف باید الان چه چیزهایی را فدا کند.

تغییر رفتار افراد در نتیجه افزایش سواد مالی منافی را برای جامعه نیز ایجاد می‌کند. افرادی که کار می‌کنند، خرج می‌کنند، قرض می‌گیرند، سرمایه‌گذاری می‌کنند و هوشمندانه ریسک مالی خود را مدیریت می‌کنند با احتمال کمتری نیاز به حمایت دولت دارند. البته افزایش سواد مالی نیاز جامعه به بیمه‌های اجتماعی را کاهش نمی‌دهد و حتی افراد محتاط هم ممکن است دچار مشکلات مالی شوند اما می‌تواند به افراد کمک کند که ریسک‌های موجود در سیستم مالی را به نحو بهتری مدیریت کنند.

از نظر سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (۲۰۰۵) بی‌سوادی مالی مشارکت‌کنندگان در انواع بازارها، عملکرد آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد و مشتریان برخورداری از سواد مالی به افزایش کارایی بازارهای مالی پیچیده یاری می‌رسانند. توانایی بیشتر این افراد در ارزیابی و مقایسه ویژگی‌های ریسک-بازده محصولات مالی مختلف باعث افزایش رقابت در بازارهای مالی می‌شود. از طرف دیگر اگر افراد از نظر مالی باسواد نباشند قادر نخواهند بود که طرح سرمایه‌گذاری مناسبی را برای خود انتخاب کنند و ممکن است در معرض ریسک کلاهبرداری قرار بگیرند. (به نقل از اسلامی بیدگلی و کریم‌خانی، ۱۳۹۵).

اندازه‌گیری سواد مالی

از نظر لوزاردی و میشل^۲ (۲۰۱۱) با وجود اینکه اندازه‌گیری سواد مالی افراد مهم است، تشخیص اینکه افراد چگونه اطلاعات اقتصادی را پردازش می‌کنند و در مورد مسائل مالی خود تصمیم می‌گیرند خیلی

^۱Council for Economic Education.

^۲Luzardi & Mitchell.

مشکل است. همان طور که پیش تر گفته شد سواد مالی شامل اجزایی نظیر آگاهی و دانش مالی، مهارت‌ها و توانایی‌های مالی است و بررسی همه این موارد مشکل است. با این وجود برای اندازه‌گیری سواد مالی معمولاً از یک مجموعه سه سؤال استفاده می‌شود که لوزاردی و میشل برای اولین بار از آن استفاده کردند. این سؤالات سه مفهوم پایه مالی را ارزیابی می‌کنند: نرخ بهره مرکب، تورم و متنوع‌سازی ریسک. دو سؤال اول نیازمند مهارت‌های ریاضی و عددی هم هستند اما سؤال سوم نیازمند آشنایی با تعریف سهام و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک است. این مجموعه سه سؤال به صورت زیر است:

سؤالات سواد مالی (لوزاردی و میشل، ۲۰۱۱)

۱. فرض کنید که در حساب پس‌انداز خود ۱۰۰ دلار دارید و نرخ بهره سالانه ۲ درصد است. اگر پول خود را از حساب برداشت نکنید فکر می‌کنید بعد از ۵ سال در حساب خود چقدر پول خواهید داشت؟
 - a. بیش از ۱۲۰ دلار*
 - b. دقیقاً ۱۲۰ دلار
 - c. کمتر از ۱۲۰ دلار
 - d. نمی‌دانم.
 - e. پاسخ نمی‌دهم.
۲. فرض کنید که نرخ بهره سالانه حساب پس‌انداز شما برابر یک درصد و نرخ تورم سالانه برابر ۲ درصد است. بعد از یک سال قدرت خرید شما چه تغییری خواهد کرد؟
 - a. بیشتر از امروز خواهد بود.
 - b. تغییری نخواهد کرد.
 - c. کمتر از امروز خواهد بود.
 - d. نمی‌دانم.
 - e. پاسخ نمی‌دهم.
۳. در مورد درستی یا نادرستی این عبارت اظهارنظر کنید: «خرید سهام یک کارخانه در مقایسه با خرید سهام صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک بازدهی مطمئن‌تری دارد».
 - a. درست

b. نادرست

c. نمی‌دانم.

d. پاسخ نمی‌دهم.

* پاسخ درست با رنگ تیره‌تر نوشته شده است.

تصویر ۲-۵: سوالات سواد مالی لوژاردی و میشل، ۲۰۱۱

با وجود اینکه استفاده از این سؤالات می‌تواند مبنای مناسبی را برای مقایسه سواد مالی بین کشورهای مختلف فراهم کند در مورد کارایی این سؤالات برای سنجش سواد مالی تردید وجود دارد. به همین دلیل انجمن آموزش اقتصاد (CEE) استانداردهای ملی سواد مالی^۱ را به شرح زیر برای سنجش و آموزش سواد مالی ارائه کرده است:

استانداردهای ملی سواد مالی

۱. کسب درآمد: درآمد هر فرد برابر است با ارزش بازاری کار وی که تحت عنوان حقوق و دستمزد به وی پرداخت می‌شود. افراد می‌توانند با افزایش سطح تحصیلات، تجربه کاری و مهارت‌های شغلی سطح درآمد خود را افزایش دهند. تصمیم‌گیری در مورد انجام یک فعالیت به منظور افزایش درآمد یا دستیابی به فرصت شغلی مناسب‌تر وابسته به منافع و هزینه‌های آن فعالیت است. درآمد فردی از منابع دیگری نظیر بهره، اجاره، بازدهی سرمایه و سود سهام نیز قابل اکتساب است.
۲. خرید کالاها و خدمات: افراد نمی‌توانند همه کالاها و خدمات را بخرند و یا اینکه خودشان همه آنها را تولید کنند و باید تصمیم بگیرند که کدام یک از کالاها و خدمات را بخرند و کدام یک را نخرند. افراد می‌توانند با مدیریت و کنترل هزینه‌ها از طریق جمع‌آوری اطلاعات، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی، رفاه اقتصادی خود را افزایش دهند.
۳. پس‌انداز: پس‌انداز بخشی از درآمد است که افراد آن را برای منافع آتی کنار می‌گذارند. افراد در طول زندگی خود به دلایل متعددی پس‌انداز می‌کنند و در مورد نحوه و میزان پس‌انداز خود انتخاب‌های متنوعی دارند. زمان، نرخ بهره و تورم از متغیرهای تأثیرگذار روی پس‌انداز هستند.
۴. استفاده از وام و اعتبار: دریافت وام و اعتبار این امکان را برای افراد ایجاد می‌کند که در حال حاضر کالاها و خدمات مورد نیاز خود را بخرند و بهای آنها را در آینده بپردازند. البته بهره وام هم باید در

^۱National Standards for Financial literacy

آینده پرداخت شود. افراد از بین وام‌های مختلفی که هزینه‌های متفاوت دارند انتخاب می‌کنند. وام دهندگان با توجه به سابقه مشتریان و توانایی آنها برای بازپرداخت اقساط در مورد وام‌دهی به آنان تصمیم‌گیری می‌کنند. وام‌گیرندگان پریسک باید نرخ بهره بیشتر و وام‌گیرندگان کم‌ریسک باید نرخ بهره کمتری بپردازند.

۵. سرمایه‌گذاری مالی: سرمایه‌گذاری مالی به معنی خرید دارایی‌های مالی به منظور افزایش درآمد و ثروت در آینده است. سرمایه‌گذاران باید بین گزینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری که دارای بازدهی و ریسک متفاوتی هستند انتخاب کنند. سرمایه‌گذاری‌هایی که بازدهی مورد انتظار بیشتری دارند با ریسک بیشتر و سرمایه‌گذاری‌هایی که بازدهی مورد انتظار کمتری دارند با ریسک کمتری همراه هستند. ایجاد تنوع در سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهد.

۶. بیمه: افراد به دنبال روش‌هایی هستند که بتوانند خود را در برابر ریسک‌هایی نظیر از دست رفتن درآمد، دارایی و سلامت بیمه کنند. آنها می‌توانند ریسک را بپذیرند، کاهش دهند و یا آن را به دیگران منتقل کنند. بیمه این امکان را برای افراد ایجاد می‌کند که با پرداخت مبلغی به عنوان حق بیمه، ریسک خود را انتقال دهند و از بروز زیان‌های بزرگ در آینده جلوگیری کنند.

تصویر ۲-۶: استانداردهای ملی سواد مالی انجمن آموزش اقتصاد

ائتلاف پیشگامی برای سواد مالی شخصی (۲۰۰۷) نیز استانداردهایی را برای آموزش سواد مالی به دانش‌آموزان و فراگیران ارائه کرده است. این استانداردها چارچوبی ایده‌آل را برای آموزش مباحث مالی به افراد فراهم می‌کند و به شرح زیر است:

استانداردهای ملی آموزش مالی شخصی

۱. مسئولیت‌پذیری مالی و تصمیم‌گیری

توانمندی‌های کلی: استفاده از اطلاعات مرتبط و تصمیم‌گیری سیستمی در مورد امور مالی.

استاندارد ۱: مسئولیت‌پذیری در تصمیمات مالی شخصی.

استاندارد ۲: دستیابی به اطلاعات از منابع مختلف و ارزیابی آنها.

استاندارد ۳: خلاصه کردن قوانین اصلی حمایت از مصرف‌کننده.

استاندارد ۴: تصمیم‌گیری مالی از طریق بررسی سیستمی گزینه‌های مختلف و نتایج هر یک از آنها.

استاندارد ۵: توسعه استراتژی‌های ارتباطی برای بحث در مورد مسائل مالی.

استاندارد ۶: کنترل اطلاعات شخصی.

۲. درآمد و شغل

استفاده از یک طرح شغلی برای افزایش درآمدهای شخصی

استاندارد ۱: جستجوی مشاغل مختلف.

استاندارد ۲: تعیین منابع درآمد شخصی.

استاندارد ۳: درک فاکتورهای مؤثر بر درآمد قابل تصرف.

۳. برنامه‌ریزی و مدیریت پول

سازماندهی مسائل مالی شخصی و مدیریت نقدینگی و بودجه

استاندارد ۱: برنامه‌ریزی برای مخارج و پس‌انداز.

استاندارد ۲: برنامه‌ریزی برای ثبت درآمدها و هزینه‌ها.

استاندارد ۳: آشنایی با نحوه استفاده از روش‌های مختلف پرداخت.

استاندارد ۴: کاربرد مهارت‌ها در زمینه تصمیم‌گیری برای خرید.

استاندارد ۵: شرکت در امور خیریه.

استاندارد ۶: توسعه برنامه مالی شخصی.

استاندارد ۷: بررسی هدف و اهمیت خواسته‌ها.

۴. اعتبار و بدهی

حفظ اعتبار، دریافت وام با شرایط دلخواه و مدیریت بدهی

استاندارد ۱: تعیین هزینه‌ها و منافع انواع مختلف وام و اعتبار.

استاندارد ۲: آشنایی با اهداف اعطای اعتبار و حقوق دریافت‌کنندگان آن.

استاندارد ۳: انتخاب روش‌هایی برای جلوگیری از بروز مشکلات مالی و حل آن.

استاندارد ۴: خلاصه کردن حقوق مصرف‌کنندگان در زمینه استفاده از اعتبار.

۵. مدیریت ریسک و بیمه

استفاده از استراتژی‌های مناسب با هزینه بهینه برای مدیریت ریسک.

استاندارد ۱: تعیین انواع مختلف ریسک و روش‌های پایه مدیریت ریسک.

استاندارد ۲: درک اهمیت بیمه دارایی و بدهی.

استاندارد ۳: درک اهمیت سلامت، ناتوانی و بیمه عمر. ۶. پس انداز و سرمایه گذاری کاربرد یک استراتژی مختلط و منطبق با اهداف شخصی. استاندارد ۱: درک نقش و اهمیت پس انداز در سلامت مالی شخصی. استاندارد ۲: درک نقش سرمایه گذاری در افزایش ثروت و دستیابی به اهداف مالی. استاندارد ۳: ارزیابی گزینه های مختلف سرمایه گذاری. استاندارد ۴: درک نحوه خرید و فروش ابزارهای مالی و سرمایه گذاری. استاندارد ۵: درک نحوه اثرگذاری مالیات روی نرخ بازدهی سرمایه گذاری. استاندارد ۶: آشنایی با نقش مؤسسات تنظیم مقررات مالی در زمینه حمایت از سرمایه گذاران.
--

تصویر ۲-۷: استانداردهای ملی آموزش مالی شخصی

دانش و مفاهیمی که افراد در هر استاندارد یاد خواهند گرفت
۱. مسئولیت پذیری مالی و تصمیم گیری a. به دلیل محدودیت منابع افراد باید دست به انتخاب بزنند و نمی توانند به همه خواسته های خود دست یابند. b. اولین مرحله برای دستیابی به اهداف مالی مشخص کردن خواسته ها/ نیازها و اولویت بندی آنهاست. c. تصمیم گیری سیستماتیک می تواند به افراد کمک کند تا در زمینه مسائل مالی دست به انتخاب بزنند. d. مصرف کننده معقول برای تصمیم گیری هزینه ها و منافع گزینه های مختلف را با هم مقایسه می کند. e. اطلاعات کالاها و خدمات از منابع مختلف قابل دسترسی است. f. هر تصمیم مالی دارای هزینه فرصت است. g. انتخاب های مالی افراد دارای منافع، هزینه ها و نتایج آتی است. h. یکی از معیارهای سلامت مالی آن است که مخارج فرد کمتر از درآمدهایش باشد. i. مصرف کننده نباید به تبلیغات به عنوان منبعی برای کسب اطلاعات در مورد کالاها و خدمات

بنگردد.

j. مقایسه قیمت محصول در فروشگاه‌های مختلف به وی کمک می‌کند که تصمیمات بهتری

بگیرد.

k. افراد مسئولیت‌پذیر این حقیقت را می‌پذیرند که مسئول آینده مالی خود هستند.

l. نگرش‌ها و ارزش‌ها روی تصمیمات مالی فرد تأثیر می‌گذارد.

m. افراد می‌توانند برای دریافت مشاوره مالی به متخصصان مالی، کتاب‌های مرتبط و اینترنت

مراجعه کنند.

۲. درآمد و شغل

a. افراد می‌توانند از روش‌های مختلفی نظیر دریافت دستمزد و حقوق، هدایا و غیره کسب درآمد

کنند.

b. درآمد می‌تواند اکتسابی یا غیراکتسابی باشد.

c. افراد می‌توانند با کسب دانش، مهارت و تجربه، توانایی خود را برای کسب درآمد افزایش

دهند.

d. بسیاری از شاغلان علاوه بر حقوق خود از مزایای شغلی هم برخوردار می‌شوند.

e. کارآفرینان افرادی هستند که با شروع یک کسب و کار به دنبال کسب سود هستند اما می‌دانند

که ممکن است در این مسیر متحمل ضرر شوند.

f. افراد می‌توانند از طریق دریافت اجاره و بهره کسب درآمد کنند.

g. درآمد قابل تصرف برابر است با دستمزد و حقوق منهای کسورات.

h. تورم قدرت خرید درآمد را کاهش می‌دهد.

i. پرداخت‌های انتقالی دولت باعث ایجاد درآمد برای برخی خانوارها می‌شود.

j. معمولاً با افزایش سطح تحصیلات افراد، درآمد آنها افزایش می‌یابد.

k. درآمد افراد ناشی از انتخابی است که در زمینه شغل، تحصیلات و مهارت‌های خود کرده‌اند.

l. حقوق و دستمزدی که بابت یک شغل پرداخت می‌شود وابسته به تحصیلات و مهارت نیروی

کار، اهمیت آن شغل برای جامعه و عرضه و تقاضای نیروی کار ماهر است.

m. بیمه‌های اجتماعی و درمان برنامه‌هایی هستند که از طرف دولت برای حمایت از افراد در زمان

کاهش درآمد و از دست رفتن سلامت طراحی شده‌اند.

n. هزینه‌های این بیمه‌ها از محل دریافت مالیات از افراد جامعه تأمین می‌شود.

o. افراد روی انواع مختلفی از درآمدها نظیر دستمزد و حقوق، بهره، اجاره، سود، سود سهام،

کمسیون و درآمد حاصل از مشاغل شخصی مالیات می‌پردازند.

p. کسورات و معافیت‌ها، درآمد مشمول مالیات را کاهش می‌دهد.

۳. برنامه‌ریزی و مدیریت پول.

a. بودجه‌ریزی طراحی است برای استفاده بهینه از درآمد و تخصیص آن به اموری نظیر

مخارج، سهام، پس‌انداز و غیره.

b. بودجه‌ریزی شامل مشخص کردن درآمدها و هزینه‌های مورد انتظار است و به افراد کمک

می‌کند که درآمد و مخارج خود را مدیریت کنند.

c. برنامه مدیریت مالی باید شامل اجزای زیر باشد: اهداف مالی، ثبت درآمدها و هزینه‌ها،

طرحی برای بیمه، طرحی برای پس‌انداز و بودجه‌ریزی.

d. افراد می‌توانند بهای کالاها و خدمات را به روش‌های مختلفی بپردازند.

e. برخی از روش‌های پرداخت نسبت به برخی دیگر دارای هزینه بیشتری هستند.

۴. اعتبار و بدهی

a. اعتبار یک از ابزارهای پایه مالی است.

b. مقایسه هزینه‌ها و منافع دریافت اعتبار یکی از نکات کلیدی تصمیم‌گیری در مورد خرید

مناسب است.

c. دریافت وام برای خرید کالاها و خدمات، هزینه‌ای بیشتر از اصل مبلغ وام دارد چون به آن

بهره تعلق می‌گیرد.

d. برای یک مقدار مشخص وام، هر چه زمان بازپرداخت طولانی‌تر باشد، مقدار اقساط کمتر و

بهره تعلق گرفته به آن بیشتر است.

e. وام‌گیرندگان می‌توانند از بین گونه‌های مختلفی از منابع اعتباری دست به انتخاب بزنند.

f. وام‌گیرندگان متعهد اقساط وام خود را به موقع پرداخت می‌کنند تا نشان بدهند که اعتبار لازم

برای دریافت وام در آینده را دارند.

- g. مراکز اعطاکننده اعتبار سابقه تراکنش‌های مالی مشتریان خود را ثبت می‌کنند.
- h. برخی از مواقع افراد بیش از توان خود وام می‌گیرند و این موضوع می‌تواند باعث ایجاد مشکلاتی برای آنها شود.
- i. انواع مختلفی از قراردادها نظیر لیزینگ، قرض و اجاره به شرط تملیک برای اعطای اعتبار وجود دارد و هر یک مفاد و هزینه‌های خاص خود را دارد.
- j. آشنایی با نحوه افشای اطلاعات کارت اعتباری یکی از مسائل کلیدی کنترل هزینه‌های وام است.
- k. مشتریانی که برای بازپرداخت وام خود به مشکل خورده‌اند می‌توانند برای تمدید زمان بازپرداخت اقساط خود مذاکره کنند.
- l. ورشکستگی مؤسسات مالی باعث تخفیف بدهی فرد می‌شود اما نتایج منفی جدی و گسترده‌ای دارد.
- m. قوانین و مقررات حمایت‌های ویژه‌ای را برای وام‌گیرندگان در نظر گرفته‌اند.
۵. مدیریت ریسک و بیمه
- a. ریسک بخشی از زندگی روزانه است.
- b. افراد می‌توانند از گزینه‌های مختلفی برای مدیریت ریسک استفاده کنند.
- c. استراتژی‌های مدیریت ریسک شامل اجتناب از ریسک، کنترل ریسک و انتقال آن از طریق بیمه است.
- d. افراد با خرید بیمه، ریسک زیان مالی خود را به مؤسسات بیمه‌گر انتقال می‌دهند.
- e. قوانین و مقرراتی وجود دارد که مشتریان را در برابر انواع مختلفی از زیان‌ها حمایت می‌کند.
- f. معاملات آنلاین می‌تواند مشتریان را در معرض خطرات نقض حریم خصوصی و سرقت اطلاعات قرار دهد.
۶. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری
- a. افراد برای مقاصد مالی آینده خود پس‌انداز می‌کنند.
- b. پس‌انداز دارای هزینه فرصت است.
- c. پس‌انداز به معنی کنار گذاشتن درآمد برای روز مبادا و هزینه‌های فوری و سرمایه‌گذاری به

- معنی به کار انداختن پول با هدف کسب پول بیشتر در آینده است. وجوه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری معمولاً از درآمد جاری تأمین می‌شود نه پس‌انداز.
- d. بانک‌ها مکانی برای نگه‌داری پس‌انداز افراد هستند. حساب‌های پس‌انداز و اوراق قرضه پس‌انداز روش‌هایی برای بدست آوردن پول از پس‌انداز هستند.
- e. سرمایه‌گذاری‌ها از نظر نرخ بازدهی مورد انتظار، نقدینگی و سطح ریسک با هم متفاوت هستند.
- f. معمولاً رابطه مثبتی بین نرخ بازدهی سالیانه سرمایه‌گذاری و ریسک آن وجود دارد.
- g. بهره مرکب پولی است که به اصل پول و بهره‌های دریافتی قبلی آن تعلق می‌گیرد.
- h. تورم باعث کاهش بازدهی سرمایه‌گذاری می‌شود.
- i. قاعده ۷۲ ابزاری برای تخمین زمان دو برابر شدن پول در آینده است.
- j. سرمایه‌گذاران می‌توانند از منابع مختلفی اطلاعات کسب کنند.
- k. افراد می‌توانند ابزارهای مالی مناسب برای سرمایه‌گذاری را به روش‌های مختلفی خرید و فروش کنند.
- l. طرح‌های پس‌اندازی که با حمایت کارفرما اجرا می‌شوند معمولاً امکان انتقال درآمد جاری به آینده را با تخفیف‌های مالیاتی فراهم می‌کنند.
- m. عموماً هر چه نااطمینانی بیشتری در مورد ارزش آینده یک دارایی وجود داشته باشد، بازدهی آن بیشتر است.
- n. طرح‌هایی که مشمول تخفیف یا تعویق مالیات می‌شوند به‌طور معنی‌داری بازدهی سرمایه‌گذاری را در طول زمان افزایش می‌دهند.
- o. ثروت از طریق سرمایه‌گذاری منظم، زمان و مرکب‌شدن متوالی ایجاد می‌شود.
- p. متنوع‌سازی سرمایه‌گذاری از طریق توزیع پول و دارایی بین گزینه‌های مختلف باعث کاهش ریسک آن می‌شود.
- q. صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، سپرده‌های مشتریان را تجمیع می‌کنند و با آنها اوراق بهادار می‌خرند.

الف. پژوهش‌های خارجی

لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) و زو و زیا (۲۰۱۲) به بررسی عوامل مؤثر بر سواد مالی در تعداد زیادی از کشورهای جهان پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات به شرح زیر است:

تقریباً در همه جا سواد مالی زنان از سواد مالی مردان کمتر است.

لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) با بررسی عوامل مؤثر بر سواد مالی در ایالات متحده به این نتیجه رسیدند که احتمال اینکه زنان بتوانند به سؤالات پاسخ درست بدهند از مردان کمتر است و علاوه بر این در بسیاری از موارد زنان پاسخ سؤالات را نمی‌دانند. این موضوع تقریباً در بین همه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه صادق است. البته در روسیه و آلمان شرقی تفاوت معنی‌داری بین سواد مالی زنان و مردان وجود ندارد. اما اگر آلمان شرقی را با آلمان غربی مقایسه کنیم سطح سواد مالی در آلمان غربی از آلمان شرقی بیشتر است و سواد مالی زنان در این منطقه خیلی کمتر از سواد مالی مردان است.

رابطه سواد مالی و سن به صورت U معکوس است.

به نظر می‌رسد که میزان سواد مالی در افرادی که در میانه دوره عمر خود هستند، بیشتر و در بین جوانان و پیران کمتر است. به عنوان مثال در ایالات متحده گروه سنی ۲۵-۶۵ سال نسبت به افراد زیر ۲۵ و بالای ۶۵ سال عملکرد بهتری در پاسخ‌گویی به سؤالات سواد مالی داشته‌اند. کاهش سواد مالی افراد پیر ممکن است به دلیل ضعیف شدن فرآیندهای شناختی آنها باشد.

سطوح بالای سواد و درآمد باعث افزایش سواد مالی می‌شود.

لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که افرادی که سواد کمتری دارند - مثلاً افرادی که دوره دبیرستان را نگذرانده‌اند - در مقایسه با افراد باسواد با احتمال کمتری به سؤالات سنجش سواد مالی پاسخ می‌دهند. تقریباً در همه کشورها ارتباطی قوی بین تحصیلات بالاتر و سواد مالی وجود دارد اما با وجود این موضوع، حتی در سطوح بالای سواد هم، میزان سواد مالی افراد کم است. به علاوه سطح سواد افراد نماینده خوبی برای سواد مالی آنها نیست.

نتایج مطالعات همچنین نشان می‌دهد که بین سطح درآمد و ثروت افراد و سواد مالی آنها نیز رابطه مستقیمی وجود دارد. برمن و همکاران (۲۰۱۰) با مطالعه داده‌های بدست آمده از کشور ایتالیا به این نتیجه رسیدند که ثروت افراد اثر معنی‌داری روی سواد مالی آنها دارد اما میزان تأثیر آن خیلی کم است. برمن و

همکاران (۲۰۱۰) با استفاده از رگرسیون متغیر ابزاری به این نتیجه رسیدند که سواد مالی نیز اثر مثبتی روی انباشت ثروت افراد در ایالات متحده داشته است (به نقل از زو و زیا، ۲۰۱۲).

موقعیت جغرافیایی و تفاوت‌های قومی و نژادی نیز روی سواد مالی تأثیر می‌گذارد.

اغلب مطالعات انجام‌شده در زمینه سواد مالی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که تفاوت‌های زیادی بین سواد مالی ساکنان مناطق مختلف به‌ویژه ساکنان شهر و روستا وجود. این موضوع به دلیل تفاوت دسترسی به ابزارهای مالی در شهر و روستاست و بیشتر در کشورهای در حال توسعه مصداق دارد. به عنوان مثال در کشور غنا ۵۲ درصد از ساکنان شهرها، در بانک‌های تجاری حساب دارند در حالی که در روستاها این رقم برابر ۲۱ درصد است. علاوه بر این تفاوت‌های زیادی از نظر سواد مالی بین ساکنان مناطق مختلف برخی از کشورها وجود دارد. به عنوان مثال در کشور ایتالیا، سطح سواد مالی ساکنان مناطق شمالی و مرکزی این کشور از سواد مالی ساکنان جنوب این کشور بیشتر است.

سطح سواد مالی بین اقوام و نژادهای مختلف نیز متفاوت است. به عنوان مثال لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که سطح سواد مالی آمریکایی‌های آفریقایی از سواد مالی آسیایی‌های آمریکایی و سفیدپوستان کمتر است. در سایر کشورها نیز نتایجی مشابه بدست آمده است.

ب. پژوهش‌های داخلی

یعقوب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از روش دلفی، الگویی را برای سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی ارائه کرده‌اند. در این تحقیق با استفاده از نظرات ۱۲ نفر از نخبگان، پرسشنامه‌ای شامل ۲۵ سؤال برای سنجش سواد مالی استخراج شده و بر مبنای آن معیارهایی برای سنجش سواد مالی ارائه شده است. دیانتی دیلمی و حنیفه‌زاده (۱۳۹۳) سطح سواد مالی خانوارهای تهرانی و عوامل مؤثر بر آن را از طریق توزیع پرسشنامه سواد مالی بین ۴۱۰ خانوار بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سواد مالی این خانوارها در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. همچنین در این تحقیق به بررسی تأثیر عواملی نظیر سن، جنس، تحصیلات، درآمد و محل سکونت افراد روی سواد مالی آنها پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که همه این عوامل تأثیر معنی‌داری روی سواد مالی افراد دارند.

طغیانی و مرادی باصیری (۱۳۹۵) الگوی متعارف آموزش سواد مالی در کشورهای غربی را از منظر اقتصاد اسلامی مورد تحلیل انتقادی قرار داده‌اند. در این مقاله با استفاده از منابع دینی، مقالات مرتبط با

اقتصاد اسلامی و اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی به نقد الگوی متعارف سواد مالی پرداخته شده است و در نهایت بر این نکته تأکید شده است که الگوی متعارف و غربی آموزش سواد مالی، الگویی فردگرایانه است و در آن به هویت جمعی زندگی انسان‌ها توجه کمتری شده است.

اسلامی بیدگلی و کریم‌خانی (۱۳۹۵) به بررسی زمینه‌های اقتصادی و سیاسی شکل‌گیری سواد مالی و جایگاه آن در اقتصاد بازار پرداخته‌اند. در این مقاله زمینه‌های اقتصادی و سیاسی منجر به پیدایش سواد مالی تبیین شده و ارتباط آن با مفاهیمی نظیر نئولیبرالیسم، اقتصاد بازار، بازار کارا و غیره واکاوی شده است. فرآیند مالی‌سازی و ارتباط آن با سواد مالی نیز تبیین شده است.

قالمق و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر سواد مالی روی خطاهای رفتاری سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ پرداخته‌اند. در این مقاله، ابتدا با استفاده از پرسشنامه‌های بین‌المللی موجود در زمینه سنجش سواد مالی، پرسشنامه‌ای بومی ساخته شده است و سپس بین ۳۵۰ نفر از سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران توزیع شده است و بر مبنای تحلیل اطلاعات حاصل از این پرسشنامه‌ها، میزان سواد مالی سرمایه‌گذاران و تأثیر آن روی خطاهای رفتاری آنها مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سواد مالی سرمایه‌گذاران و خطاهای رفتاری آنها ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

احمدی، امام جمعه و علیزادی کتنلوئی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی» با روش تحلیل محتوا کتاب‌های دوره ابتدایی را در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش حجم نمونه شامل تمامی محتوای کتاب‌های درسی ریاضی (پایه‌های اول تا ششم)، تعلیمات اجتماعی (پایه سوم)، مطالعات اجتماعی (پایه ششم ابتدایی) و همچنین بخش مدنی محتوای کتابهای تعلیمات اجتماعی پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی است. تحلیل محتوا حاکی است که با توجه به نقش سواد مالی و اقتصادی در دنیای امروز، کتاب‌های دوره ابتدایی آنگونه که شایسته است به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی توجه نشده است. این در حالی است که در اکثر کشورهای توسعه یافته آموزش مفاهیم اقتصادی و مهارت‌های مدیریت امور مالی که سواد اقتصادی و مالی نامیده می‌شود، از دوره پیش دبستانی آغاز و در دوره‌های بالاتر تکمیل می‌شود. تأکید بیشتر بر مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد (احمدی، امام جمعه، علیزاده کتنلوئی، ۱۳۹۴، ۱۷۹، ۱۹۰).

بر اساس نظریه اقتصاد خرد، از آنجا که نیروی کار، دستمزدی دارد متناسب با بهره‌وری نیروی کار، هرچه سطح آموزش فرد بالاتر باشد، درآمد نسبی او نیز بیشتر خواهد بود. به این ترتیب، قشر فقیر و محروم جامعه با کسب آموزش بیشتر، می‌توانند از بند فقر رهایی یابند. شاید به این خاطر باشد که «گالبرایت»^۱ می‌گوید: هیچ جامعه تحصیل کرده‌ای فقیر نیست و هیچ جامعه بی‌سوادی ثروتمند نیست: شاید فقر و بی‌سوادی بالاترین روابط علی را داشته باشند. از طریق آموزش بر سرمایه انسانی فقرا افزوده می‌شود و آنها می‌توانند با کسب تخصص‌های بیشتر، سطح معیشتی خود را بهبود بخشند. ساخاروپولوس^۲ آموزش را نوعی سرمایه گذاری می‌داند. به اعتقاد وی، آموزش مانند انواع دیگر سرمایه گذاری در سرمایه انسانی، می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند و همانند سرمایه گذاری در سرمایه فیزیکی، درآمد گروه‌های فقیر را افزایش دهد (ساخاروپولوس، ۱۳۷۳، ۱۳، به نقل از مهربانی، ۱۳۸۷، ۲).

جمع بندی

این فصل را با نظر دین اسلام در خصوص کسب و کار و مبانی معرفتی دینی درباره شغل شروع کردیم. از نظر آموزه‌های دینی، فقر و استضعاف مالی، نکوهیده و نامطلوب است و کار و تلاش برای کسب روزی حلال و تولید ثروت کاملاً مطلوب و ممدوح است. مفهوم قناعت که در دین ما جایگاه مهمی دارد، در مقام مصرف است نه در مقام تولید ثروت. ازاینرو، نظام‌های آموزشی کشور باید به توانمندسازی دانش آموزان، دانشجویان و سوادآموزان در خصوص اشتغال و کسب درآمد توجه ویژه نشان دهند. حداقل در مقام نظر، در اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش به این مهم توجه شده است، و یکی از اهداف نهضت سوادآموزی را کمک به برقراری عدالت اقتصادی و مانند آن برشمرده‌اند. به عبارت دیگر، آموزش‌های دوره‌های نهضت سوادآموزی باید بتواند به رونق کسب و کار، افزایش سواد مالی و اقتصادی فرد کمک کند.

همان‌طور که به تفصیل گذشت پژوهش‌های متعدد در سرتاسر دنیا و همچنین داخل کشور، ارتباط دوسویه بین فقر و سطح تحصیلات را نشان داده است. هرچه میزان تحصیلات افراد بالاتر رود، به همان اندازه از احتمال فقر کاسته می‌شود. این حکم اگرچه کلی است، اما به‌طور خاص تجربه بین المللی نیز حاکی از آن است که آموزش بزرگسالان نیز تا حد قابل اعتنایی به این نتیجه منجر می‌شود. یعنی می‌توان

^۱Galbraith

^۲Psacharopoulos

انتظار داشت که آموزش بزرگسالان نیز- به طور مستقیم و غیرمستقیم- به افزایش مهارت‌های اشتغال، کسب و کار و مانند آن بیانجامد. در این خصوص پژوهش‌های انگشت شماری در داخل کشور به انجام رسیده است، که حاکی از آن است که غالب مسئولان و برنامه‌ریزان نهضت سوادآموزی، برای آموزش مسائل اقتصادی و تجاری، جایگاه چندانی قائل نیستند و در عمل نیز محتوای دروس دوره‌های مختلف سوادآموزی، توجه شایانی به این مهم نداشته‌اند.

ایران را مدرسه کنیم

فصل سوم: روش پژوهش



روش تحقیق

تحقیق حاضر در زمره مطالعات کمی و کاربردی قرار می‌گیرد. به‌طور خاص پژوهش مورد نظر را می‌توان از انواع توصیفی، پیمایشی و همبستگی قلمداد کرد. در این تحقیق میزان سواد مالی افراد بی‌سواد و شرکت‌کنندگان دوره‌های مختلف سوادآموزی اندازه‌گیری و توصیف شده و در ادامه با یکدیگر مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

در این تحقیق همچنین از روش تحلیل محتوا نیز استفاده شده است. تمام کتاب‌های آموزشی و غیرآموزشی دوره انتقال، دوره تحکیم و حلقه‌های کتاب خوانی از منظر پوشش دادن مؤلفه‌های سواد مالی مورد تحلیل قرار گرفتند. تحلیل محتوا در این پژوهش از نوع کمی بوده به گونه‌ای که دفعات تکرار مؤلفه‌های سواد مالی در متون مورد نظر مورد شمارش قرار گرفته است.

ابزار پژوهش

الف: قسمت تحلیل محتوا

ابزار مورد استفاده برای قسمت تحلیل محتوا نیز چک لیست تحلیل محتوا می‌باشد که شش مؤلفه سواد مالی را مورد شمارش قرار می‌دهد. این چک لیست بر اساس استانداردهای ملی سواد مالی تهیه شده است که عبارتند از شش مؤلفه به شرح زیر: کسب درآمد، خرید کالاها و خدمات، پس‌انداز، استفاده از وام و اعتبار، سرمایه‌گذاری مالی، بیمه. این چک لیست به تأیید متخصصان اقتصاد دانشگاه بجنورد رسیده است. واحد تحلیل در این پژوهش متن (اعم از جملات خبری، پرسشی، مثال‌ها و تمرینات) بوده است. توضیح بیشتر اینکه تصاویر به کار رفته در این متون مد نظر این پژوهش نبود.

ب: قسمت پرسشنامه

ابزار این تحقیق عبارت است از یک پرسشنامه محقق ساخته که مبنای آن دو پرسشنامه به شرح زیر است. ابزار این پرسشنامه ترکیبی است از دو پرسشنامه سواد و هوش مالی. پرسشنامه سواد یا دانش مالی، دارای

۲۴ سوال است که ۵ مؤلفه اصلی سواد مالی شامل ابعاد زیر را مورد سنجش قرار می‌دهد. این ابعاد عبارتند از: ۱- دانش مالی شخصی در کل، ۲- مدیریت پول، ۳- مخارج و اعتبارات، ۴- تعاریف مالی، ۵- کاربردهای مالی. این پرسشنامه با هدف سنجش دانش مالی دانش‌آموزان پایه چهارم دبستان تنظیم شده است. برای هر سوال چهارگزینه در نظر گرفته شده است که تنها یکی از گزینه‌ها درست و باقی غلط است. در واقع این پرسشنامه نوعی آزمون با موضوع سواد مالی است.

پرسشنامه هوش مالی توسط خادمی (۱۳۹۵) تهیه شده است. این آزمون، پژوهش‌های دهه‌های اخیر در مورد انواع هوش از جمله هوش‌های چندگانه گاردنر از دانشگاه هاروارد را مد نظر قرار داده است. این آزمون دارای ۱۰ سوال است که هر یک سه گزینه دارد. هر سوال تنها یک پاسخ درست دارد. بسته به تعداد پاسخ‌های درست، هوش مالی به سه سطح ضعیف، متوسط و عالی تقسیم می‌شود. با عنایت به سطح دانش و مهارت سوادآموزان، برخی از گویه‌ها و گزینه‌های این پرسشنامه مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت؛ بدون آنکه هدف و منظور اصلی آن از بین برود.

از آنجا که محتوای مورد نظر دوره‌های سوادآموزی و انتقال معادل دوره ابتدایی در نظام آموزش رسمی است و سوادآموزان نیز از سطح سواد و مهارت‌های خواندن و نوشتن بالا برخوردار نیستند، پرسشنامه سواد مالی دوره ابتدایی برای این پژوهش انتخاب شد. این پرسشنامه دارای ۲۴ سوال است که تنها ۱۴ سوال ساده‌تر و مناسب‌تر آن انتخاب شد. علاوه بر این، برای سهولت پاسخدهی پرسشنامه از سوی سوادآموزان، سوالات چهار گزینه‌ای به سه گزینه تقلیل یافت. در کنار این کل سوالات چندین بار با نظر متخصصان مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت.

در نهایت پرسشنامه‌ای محقق ساخته تهیه شد که مبنای ساخت آن دو پرسشنامه فوق است. برای تعیین اعتبار این پرسشنامه، نظر چند تن از اساتید اقتصاد و علوم تربیتی از دانشگاه بجنورد و همچنین نظر یک جامعه‌شناس اخذ و اصلاحات مد نظر آنها اعمال شد. قابلیت اعتماد یا پایایی یک ابزار عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه‌گیری هر آنچه اندازه می‌گیرد یعنی اینکه ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). برای تعیین پایایی این پرسشنامه از روش دو نیمه کردن و فرمول اسپیرمن-براون استفاده شد که عد ۰,۶۱ به دست آمد.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

الف: جامعه آماری مربوط به قسمت تحلیل محتوا

در قسمت تحلیل محتوا، همه کتاب‌های مورد استفاده نهضت سوادآموزی در دوره انتقال و تحکیم، مورد مطالعه قرار گرفت. تعداد این کتاب‌ها در مجموع ۱۶ جلد است که همه آنها به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ۶ جلد از این کتاب‌ها به‌طور رسمی آموزش داده می‌شوند. ۶ جلد در قالب طرح خواندن با خانواده در اختیار سوادآموزان دوره انتقال قرار می‌گیرد. این کتاب‌ها به‌طور رسمی در کلاس‌های حضوری آموزش داده نمی‌شوند. ۴ جلد کتاب نیز برای دوره تحکیم سواد در اختیار سوادآموزانی قرار می‌گیرد که دوره سوادآموزی را به اتمام رسانده‌اند و به اصطلاح در مرحله غیررسمی تحکیم سواد قرار دارند.

ب: جامعه آماری مربوط به قسمت پرسشنامه

بنا به سفارش کارفرما، جامعه اصلی این پژوهش سوادآموزان دوره انتقال در سال ۱۳۹۶ است که برابر با ۲۵۰۰ نفر است. با وجود این، برای حصول به نتیجه جامع‌تر و دقیق‌تر، جامعه آماری این پژوهش به همه افراد بی‌سواد (در آستانه سوادآموزی)، سوادآموزان دوره سوادآموزی، و سوادآموزان دوره انتقال و همچنین سوادآموزانی که دو دوره قبلی را به اتمام رسانده و در مرحله حلقه‌های کتاب و کتاب‌خوانی به سر می‌برند، تعمیم داده شد. به لحاظ سنی، دامنه این جامعه از ۱۰ تا ۴۹ سال را شامل می‌شود. به لحاظ عددی این جامعه آماری منهای افراد بی‌سواد، برابر است با ۸۵۰۰ نفر (جدول ۳-۱).

جدول ۳-۱: تعداد سهمیه دوره‌های مختلف سوادآموزی به تفکیک شهرهای مختلف استان خراسان شمالی

شهرستان سهمیه سال ۱۳۹۶					
باقی مانده بیسوادان در سامانه سوادآموزی	سوادآموزی	انتقال	تحکیم	جمع	
۴۴۸	۳۵۰	۴۰۰	۳۵۰	۱۱۰۰	اسفراین
۱۲۷	۱۰۰	۱۴۰	۷۰	۳۱۰	بام و صفی آباد
۲۴۳۴	۱۵۹۰	۷۰۰	۶۰۰	۲۸۹۰	بجنورد
۱۲۱	۸۰	۱۵۰	۸۰	۳۱۰	جاجرم
۱۵۹	۴۰۰	۲۵۰	۲۰۰	۸۵۰	راز و جرگلان
۳۴۷	۶۰۰	۳۰۰	۲۵۰	۱۱۵۰	شیروان
۶۹	۱۵۰	۲۰۰	۲۰۰	۵۵۰	فاروج
۱۰	۳۰	۸۰	۵۰	۱۶۰	گرمه
۳۱۰	۷۰۰	۲۸۰	۲۰۰	۱۱۸۰	مانه و سملقان
۱۸۵۴	۴۰۰۰	۲۵۰۰	۲۰۰۰	۸۵۰۰	جمع

با عنایت به داده‌های جدول ۱-۳، در گام نخست از روش نمونه‌گیری نسبتی و در گام بعدی در دسترس استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا جدول ۲-۳، تهیه شد. تعداد اختصاص داده شده به هر شهر، بیش از تعداد مورد نظر جدول مورگان یا هر فرمول تعیین حجم نمونه است. به‌طوری که مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده، ۷۰۵ مورد بود، در حالی که کمتر از این نیز برای چنین تحقیقی کافی است. در این جدول سهم هر دوره در هر شهر مشخص شده است. در مرحله بعد از همکاران پژوهشی که همگی از آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی بودند، درخواست شد، با رعایت نسبت اعلام شده از افراد در دسترس، حجم نمونه را انتخاب و به تکمیل پرسشنامه‌ها مبادرت کنند. به‌طور شفاهی و مکتوب، تأکید شد که همه پرسشنامه‌ها توسط خود افراد تکمیل شود و آموزش‌دهندگان صرفاً پرسشنامه‌های افراد بی‌سواد را برای آنها تکمیل کنند. بدین ترتیب که سوال‌ها را برای آنها قرائت کرده و بعد از اخذ پاسخ، آن را در پرسشنامه درج کنند.

جدول ۳-۲: حجم نمونه به تفکیک شهرستان‌های استان خراسان شمالی

شهرستان	بی سواد	سوادآموزی	انتقال-تحکیم	جمع
اسفراین-صفی آباد	۲۰	۲۵	۵۰	۹۵
بجنورد	۹۰	۱۰۰	۶۵	۲۵۵
جاجرم-گرمه	۱۰	۱۰	۲۵	۴۵
راز و جرگلان	۲۵	۲۰	۲۰	۶۵
شیروان	۳۵	۳۵	۲۵	۹۵
فاروج	۱۰	۱۰	۲۰	۴۰
مانه و سملقان	۴۵	۴۰	۲۵	۱۱۰
جمع	۲۳۵	۲۴۰	۲۳۰	۷۰۵

شیوه‌ها و ابزار تحلیل اطلاعات

الف: در قسمت تحلیل محتوا، صرفاً بر اساس شمارش تعداد دفعات تکرار مؤلفه‌های سواد مالی در متون دوره سوادآموزی و انتقال اقدام شد. تعداد دفعات در جدول‌های مورد نظر ثبت و در نهایت جمع بندی شد. جهت اطمینان این عمل دوبار و توسط متخصصین صورت گرفت. به عبارت دیگر، تمام محتوای کتاب‌های مورد نظر، بر اساس چک لیست تهیه شده، مورد بررسی قرار گرفت، تا خطاهای احتمالی به حداقل برسد و همچنین امکان بررسی توافق بین دو دور بررسی فراهم شود. واحد تحلیل در این پژوهش متن (اعم از جملات خبری، پرسشی، مثال‌ها و تمرینات) بوده است. توضیح بیشتر اینکه تصاویر به کار رفته در این متون مورد بررسی قرار نگرفت.

ب: در قسمت پرسشنامه‌ها، از بین ۷۰۵ پرسشنامه توزیع شده در سطح استان، ۶۴۷ پرسشنامه عودت داده شد که از این میان، هفت پرسشنامه مخدوش تشخیص داده شد و در نهایت داده‌های ۶۴۰ پرسشنامه وارد نرم افزار شد. داده‌های این پرسشنامه‌ها نیز کامل نبود. برای نمونه حدود ۱۰۰ نفر وضعیت درآمدی خود را ثبت کرده بودند. بسیاری، تعداد اعضای خانوار، شغل، سن و مانند آن را وارد نکرده بودند. همان‌طور که در ادامه توضیح داده خواهد شد، همین امر باعث شد که برخی آزمون‌های آماری قابل اعمال نباشد. توضیح

بیشتر اینکه، مخاطبان، به همه ۲۴ سوال آزمون سواد مالی و اینکه در چه مرحله‌ای از سوادآموزی (بی‌سوادی، سوادآموزی، انتقال، تحکیم) قرار دارند، پاسخ داده بودند، و تنها در قسمت اول پرسشنامه کوتاهی‌هایی صورت گرفته بود.

در این تحقیق برای تحلیل آماری داده‌های پرسشنامه‌ای و آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های زیر استفاده شده است. برای انجام همه آزمون‌های ذیل از نرم‌افزار آماری Stata استفاده شده است.

۱. آزمون t یک‌نمونه‌ای

این آزمون برای بررسی برابری میانگین جامعه آماری با یک عدد خاص به کار می‌رود و فرضیه‌های صفر و مقابل آن به صورت زیر است:

$$H_0 : \mu = a$$

$$H_1 : \mu \neq a$$

در این حالت اگر توزیع جامعه نرمال و انحراف معیار آن (σ) مشخص باشد برای انجام آزمون از آماره Z با فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$Z = \frac{\bar{X} - \mu}{\sigma_x / \sqrt{n}}$$

در این فرمول $\bar{X}$ میانگین نمونه، σ_x انحراف معیار جامعه و n حجم نمونه است.

در اغلب موارد انحراف معیار جامعه مشخص نیست و باید از روی نمونه برآورد شود. در صورت برآورد انحراف معیار جامعه از روی نمونه، آماره آزمون دارای توزیع نرمال استاندارد (Z) نخواهد بود بلکه دارای توزیع t با $n-1$ درجه آزادی خواهد بود. این آماره به صورت زیر محاسبه می‌شود: (نوفرستی، ۱۳۸۶، ۱۰۳)

$$t_{n-1} = \frac{\bar{X} - \mu}{S / \sqrt{n}}$$

در این فرمول $\bar{X}$ میانگین نمونه، S انحراف معیار نمونه و n حجم نمونه است.

۲. آزمون t دو نمونه‌ای

این آزمون برای بررسی برابری میانگین دو جامعه آماری به کار می‌رود و فرضیه‌های صفر و مقابل آن به صورت زیر است:

$$H_0: \mu_1 = \mu_2$$

$$H1: \mu_1 \neq \mu_2$$

این آزمون مبتنی بر سه فرض زیر است:

۱. دو نمونه از یکدیگر مستقل هستند.

۲. واریانس دو جامعه آماری با هم برابر است.

۳. جوامع آماری دارای توزیع نرمال هستند.

زمانی که مفروضات ۲ و ۳ (برابری واریانس و نرمال بودن) برقرار نیست اما حجم نمونه به اندازه کافی بزرگ است (بیشتر از ۳۰) باز هم نتایج بدست آمده از آزمون t تا حد زیادی قابل اعتماد است. اما زمانی که حجم نمونه کوچک است و داده‌ها نرمال نیستند نمی‌توان به نتایج بدست آمده از این آزمون اعتماد کرد. در این وضعیت می‌توان از آزمون ویلکاکسون استفاده کرد. در این آزمون هم باید مفروضات ۱ و ۲ برقرار باشد اما نیازی به برقرار بودن فرض سوم نیست.

آماره‌ای که برای مقایسه میانگین دو جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد براساس اختلاف بین میانگین دو نمونه $(\bar{X}_1 - \bar{X}_2)$ بنا شده است. اگر حجم نمونه زیاد باشد آماره زیر که آماره آزمون مورد نظر است دارای توزیع نرمال خواهد بود:

$$Z = \frac{(\bar{X}_1 - \bar{X}_2) - (\mu_1 - \mu_2)}{\sqrt{\left(\frac{\sigma_1^2}{n_1} + \frac{\sigma_2^2}{n_2}\right)}}$$

در این فرمول σ_1^2 و σ_2^2 انحراف معیار دو جامعه هستند. با توجه به اینکه در بیشتر موارد واریانس و انحراف معیار دو جامعه مشخص نیست باید آنها را با استفاده از نمونه برآورد کنیم. با فرض اینکه دو جامعه دارای توزیع نرمال و واریانس برابر هستند، می‌توان از آماره آزمون t با فرمول زیر برای انجام آزمون فرضیه استفاده کرد: (نوفرستی، ۱۳۸۶، ۱۱۹)

$$t_{n_1+n_2-2} = \frac{(\bar{X}_1 - \bar{X}_2)}{S_p \sqrt{\left(\frac{1}{n_1} + \frac{1}{n_2}\right)}}$$

که در آن S_p برابر است با:

$$S_p = \sqrt{\frac{(n_1-1)S_1^2 + (n_2-1)S_2^2}{n_1 + n_2 - 2}}$$

در این آزمون، فرض صفر به صورت زیر است:

$$H_0: \mu_1 - \mu_2 = 0$$

$$H_1: \mu_1 - \mu_2 \neq 0$$

۳. آزمون ویلکاکسون^۱ (من - ویتنی)^۲

این آزمون یک آزمون ناپارامتری و معادل آزمون t دو نمونه‌ای است. در صورتی که داده‌های مورد استفاده نرمال نباشند برای مقایسه میانه دو گروه می‌توان از این آزمون استفاده کرد. توزیع‌های آماری مشهور با فرمول‌های ریاضی شناخته می‌شوند. این فرمول‌ها دارای پارامترهایی هستند که شکل و موقعیت توزیع را مشخص می‌کند. به عنوان مثال توزیع نرمال دارای دو پارامتر میانگین و واریانس است. از آنجا که در آزمون ویلکاکسون، لازم نیست که داده‌ها دارای توزیع شناخته‌شده‌ای باشند این آزمون با پارامترها کاری ندارد و به همین خاطر آزمون ناپارامتری نامیده می‌شود.

در آزمون t دو نمونه‌ای برابری میانگین دو جامعه آماری بررسی می‌شود و فرضیه صفر آن برابری میانگین است در حالی که در آزمون ویلکاکسون برابری میانه‌ها بررسی می‌شود. به عبارت دیگر در این آزمون فرض بر آن است که جوامع آماری دارای توزیع یکسان با میانه یکسان هستند. در این صورت رد فرضیه صفر بدین معنی است که توزیع یکی از جوامع آماری به سمت راست یا چپ حرکت می‌کند و بنابراین میانه دو جامعه با هم برابر نخواهد بود.

۴. آزمون کروسکال والیس^۳

این آزمون هم یک آزمون ناپارامتری و فرم تعمیم‌یافته آزمون ویلکاکسون است و برای مقایسه میانه چند نمونه آماری به کار می‌رود. فرضیه صفر این آزمون بدین صورت است که نمونه‌های مختلف متعلق به یک جامعه آماری هستند.

علاوه بر آزمون‌های بالا قصد بر این بود که اثر شرکت در دوره‌های آموزشی نهضت سوادآموزی و سایر عوامل ذکرشده در این تحقیق، روی سواد مالی و کسب و کار فراگیران، با استفاده از تخمین مدل رگرسیونی مورد بررسی قرار گیرد اما به دلیل اینکه داده‌های مورد نیاز برای انجام این کار بسیار ناقص

^۱Wilcoxon rank-sum test

^۲Mann-Whitney two sample statistic

^۳Kruskal-Wallis rank test

تکمیل شده بود امکان تحلیل رگرسیونی فراهم نشد. به عنوان مثال از بین ۶۴۰ نفری که پرسشنامه‌ها را تکمیل کرده بودند، تنها حدود ۱۰۰ نفر درآمد ماهانه خود را ثبت کرده بودند.

البر النادر المجلد السبعون

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش



مقدمه

فصل چهارم به یافته‌های پژوهش اختصاص دارد. این پژوهش به دنبال پاسخ به دو سوال اصلی بود. نخست آنکه تا چه اندازه متون کتاب‌های دوره‌های انتقال و تحکیم به سواد مالی پرداخته‌اند. سوال دوم نیز این بود که آیا شرکت در کلاس‌های سوادآموزی به ارتقاء سواد مالی و اقتصادی انجامیده است یا نه؟ در ادامه یافته‌های مربوط به این دو پرسش ارائه شده است.

الف: یافته‌های مربوط به تحلیل محتوا

۱. آیا کتاب‌های درسی دوره‌های سوادآموزی و انتقال، مفاهیم پایه سواد مالی و اقتصادی را پوشش می‌دهد؟

با استفاده از چک لیست تحلیل محتوا، شش مؤلفه اصلی مربوط به سواد مالی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن و برخی توضیحات مربوط به هر کتاب در جدول ۱ آمده است.

جدول ۴-۱: تحلیل محتوای کتاب‌های دوره انتقال

ردیف	عنوان کتاب	مؤلفه‌های سواد مالی					مثال - توضیحات
		کسب درآمد	خرید کالا و خدمات	پس‌انداز	استفاده از وام و اعتبار	سرمایه‌گذاری	بیمه
۱	سوادآموزی ۱	۲	۰	۰	۰	۰	در این کتاب تنها دو اشاره مختصر در قالب مباحث ریاضی به بحث کسب درآمد انجام گرفته است. در این کتاب داستان بوسه زدن پیامبر (ص) بر دست پینه بسته یک کارگر نیز آمده است که در دیگر کتاب‌های نهضت نیز تکرار شده است.
۲	سوادآموزی ۲	۴	۷	۰	۰	۰	در بخش فارسی این کتاب، صفحه ۱۹ داستانی است با عنوان «خیال‌بافی» که در آن یک فقیر که در خیال خود برای ثروتمند شدن، داستان پردازی می‌کند، در نهایت کوزه عسل خود -یعنی تنها سرمایه خود- را می‌شکند. مضمون این داستان می‌تواند مغایر ارتقاء سواد مالی باشد. در مقابل در صفحه ۱۲۹ داستانی در مورد «عاقبت ولخرجی» آورده شده است که برای کسب سواد مالی بسیار مناسب است. دیگر موارد بیشتر در قالب اشارات مختصر و گذرا و بیشتر در مباحث ریاضی مطرح شده است.

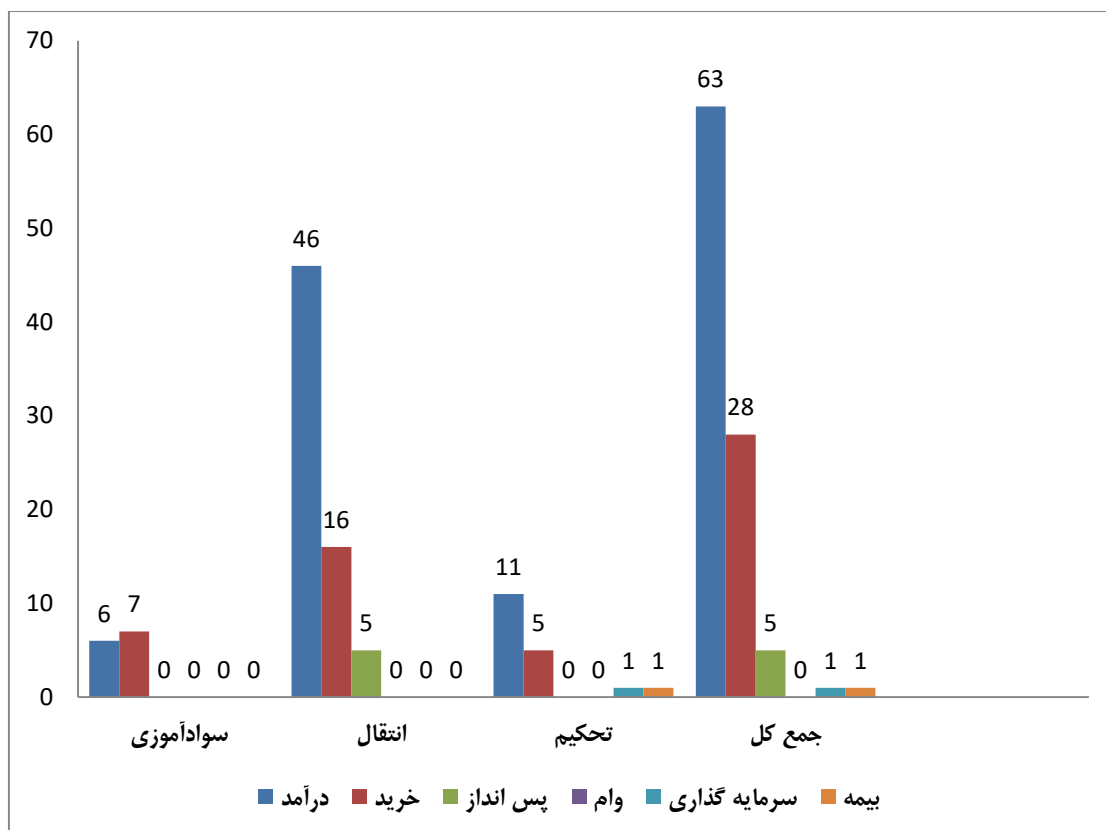
۳	ریاضی - انتقال	۳۶	۱۲	۱	۰	۰	۰	آنچه در کتاب ریاضی است صرفاً مثال‌ها و مساله‌های ریاضی است که موضوع آنها خرید و فروش یا کسب و کار است. در این کتاب به‌طور مستقیم هیچ مفهوم سواد مالی آموزش داده نشده است، منتها از طریق مثال‌ها و تمرین، مهارت‌هایی ارائه شده است که پایه و مبنای سواد مالی هستند. مثال‌ها و تمرین شامل شغل‌هایی مثل زنبورداری، کشاورزی، قالی بافی، صنعت گری، کارگری، نقاشی و ... است.
۴	آموزش قرآن - انتقال	۰	۱	۰	۰	۰	۰	در ذیل مفاهیمی پرتکراری مانند اسراف و تبذیر به مفاهیم نزدیک به سواد مالی اشاره شده است.
۵	فرهنگ اسلامی - انتقال	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-
۶	علوم تجربی - انتقال	۴	۰	۰	۰	۰	۰	به‌طور غیرمستقیم ذیل عناوین کشاورزی، باغداری، نگهداری از خاک و مانند آن به کسب درآمد اشاره شده است.
۷	علوم اجتماعی - انتقال	۳	۰	۰	۰	۰	۰	در قالب درس‌های ششم و یازدهم با عناوین: صنعت و اشتغال، گردشگری و میراث فرهنگی، و همچنین ذیل عنوان «اقتصاد خانواده» به‌طور غیرمستقیم به مفاهیم سواد مالی اشاره شده است.
۸	فارسی - انتقال	۲	۱	۱	۰	۰	۰	درس ۱۲ کشاورزی و درس ۲۰ هنر قالی بافی
۹	مدیریت خانواده - طرح	۱	۲	۳	۰	۰	۰	درس پنجم: برنامه‌ریزی اقتصادی و مالی، درس

خواندن با خانواده- دوره انتقال

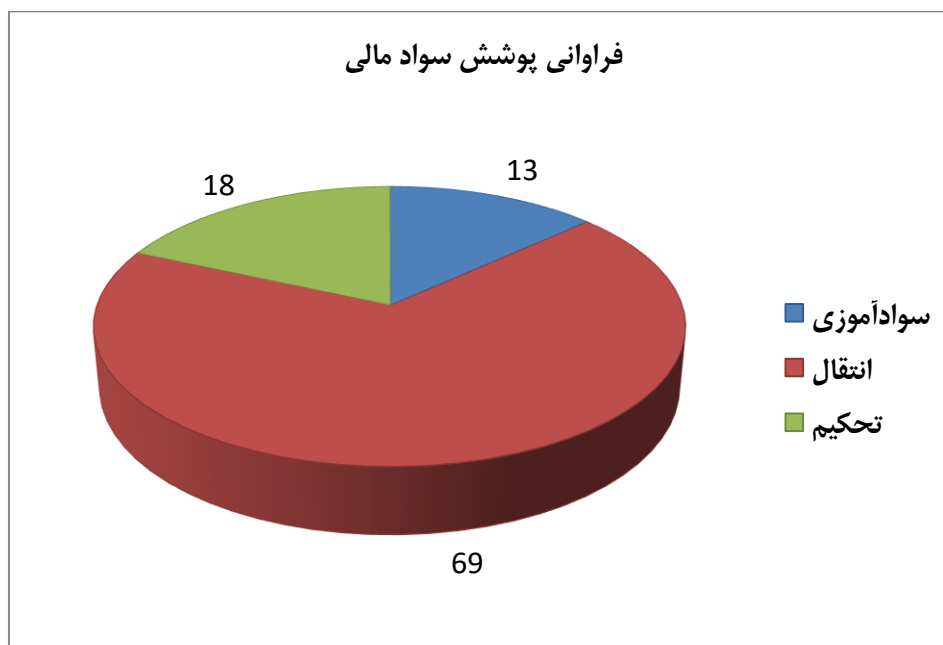
دوازدهم: آموزش مدیریت مالی و اقتصادی به کودکان. درسهای مذکور کلی و درباره اهمیت مسائل اقتصادی و مالی است نه خود آنها. بیشتر به نصیحت نامه شبیه است تا درس آموزشی.

۱۰	•	•	•	•	•	•	•	کلید رحمت - طرح خواندن با خانواده- دوره انتقال
۱۱	•	•	•	•	•	•	•	محیط زیست، هدیه خداوند- طرح خواندن با خانواده- دوره انتقال
۱۲	•	•	•	•	•	•	•	چراغ راه زندگی- طرح خواندن با خانواده- دوره انتقال
۱۳	•	•	•	•	•	•	•	آیین خوب زیستن- طرح خواندن با خانواده- دوره انتقال
۱۴	•	•	•	•	•	•	•	سلامت جامی زیبا و شکننده- طرح خواندن با خانواده- دوره انتقال
۱۵	۷	•	•	•	•	۱	مطالب ارائه شده در خصوص سواد مالی در حد اشاره و	کسب و کار حلال در

اسلام- طرح حلقه‌های کتاب خوانی- دوره تحکیم							گاه خیال پردازی‌های غیرواقعی است.
۱۶ کسب حلال - طرح ۱ حلقه‌های کتاب خوانی- دوره تحکیم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	تأکید بر رزق و روزی‌های بی حساب تا حدی حس منفی نسبت به تلاش برای کسب درآمد بالا و مشروع القاء می‌شود تکیه بر برکت به جای محاسبات مالی برای افزایش درآمد رویکرد ایدئولوژیک- نام خسرو برای رباخوار کتاب انتخاب شده است.
۱۷ اقتصاد و فرهنگ در مدیریت خانواده- طرح حلقه‌های کتاب خوانی- دوره تحکیم	۰	۳	۰	۰	۰	۰	مطالب ارائه شده در خصوص سواد مالی در حد اشاره به مفاهیم پرتکراری مانند پرهیز از اسراف و تجمل گرایی است.
۱۸ اقتصاد مقاومتی- طرح ۳ حلقه‌های کتاب خوانی- دوره تحکیم	۲	۰	۰	۱	۰	۰	مطالب ارائه شده در خصوص سواد مالی در حد اشاره است.
جمع	۶۳	۲۸	۵	۰	۱	۱	-



نمودار ۴-۱: فراوانی پوشش هر یک از مؤلفه‌های سواد مالی در کتاب‌های نهضت سوادآموزی



نمودار ۴-۲: فراوانی پوشش مجموع مؤلفه‌های سواد مالی در دوره‌های سه‌گانه همان‌طور که از جدول ۴-۱ نشان می‌دهد کتاب‌های نهضت سوادآموزی به‌طور پراکنده و محدود به مسائل مالی پرداخته‌اند. نمودارهای ۴-۱ و ۴-۲ نیز نشان می‌دهند که سهم هر یک از دوره‌های سه‌گانه سوادآموزی، انتقال و تحکیم در پوشش دادن سواد مالی و مؤلفه‌های آن چه مقدار

است. بر اساس این دو نمودار، دوره انتقال بیشترین سهم را از آن خود کرده است. همچنین مؤلفه کسب درآمد بیش از دیگر مؤلفه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بعد از آن مؤلفه خرید کالا و خدمات قرار دارد. دیگر مؤلفه‌ها نیز، سهم ناچیزی را به خود اختصاص داده‌اند.

در واقع آنچه در خصوص سواد مالی در کتاب‌های نهضت سوادآموزی مطرح شده است، بیشتر صحبت‌ها و اشاراتی پراکنده و نامنظم درباره سواد مالی و اقتصادی است. روشن است که «درباره» چیزی سخن گفتن با آموزش آن مطلب یکسان نیست. اگر متون آموزشی برای نمونه درباره کسب درآمد صحبت کنند، الزاماً این امر به معنای آموزش کسب درآمد بیشتر نیست. تحلیل محتوای کتاب‌های نهضت حاکی از آن است که پرداختن به مقوله آموزش سواد مالی و افزایش مهارت‌های کسب و کار، حداقل به‌طور مستقیم و در قالب مؤلفه‌های سواد مالی مورد غفلت قرار گرفته است.

در خصوص مسائل مربوط به کسب و کار و سواد مالی، کتاب‌های تدوین شده بیشتر به نصیحت نامه شبیه است تا کتاب‌های آموزشی حرفه‌ای. از بین کتاب‌های مربوط به حلقه‌های کتاب خوانی و خواندن با خانواده، عنوان چهار جلد کتاب، به‌طور مستقیم به بحث اقتصاد مربوط است: «کسب و کار حلال در اسلام»، «کسب حلال»، «اقتصاد و فرهنگ در مدیریت خانواده» و «اقتصاد مقاومتی». تحلیل محتوای این کتاب‌ها، امیدهای اولیه‌ای را که از روی عنوان در مخاطب ایجاد شده است را از بین می‌برد. اگر جلد کتاب‌های مربوط به حلقه‌های کتاب خوانی و خواندن با خانواده کنده شود و عنوان کتاب‌ها نامشخص باشد، از نظر یک مخاطب ناآشنا، همه کتاب‌ها شبیه هم خواهد بود و به سختی می‌تواند موضوعات آنها را در طبقات جداگانه جای دهد. در واقع همه کتاب‌ها، به نوعی کتاب دینی به شمار می‌روند.

برای نمونه کتاب «اقتصاد مقاومتی» مجموعه‌ای از نصایح و موعظه‌های تکراری و کلیشه‌ای است که مکرر در دیگر کتاب‌های نهضت نیز به چشم می‌خورد. مضمون اصلی کتاب اقتصاد مقاومتی، دعوت مخاطب به ساده زیستی، صرفه جویی و پرهیز از اسراف، احتکار، گران فروشی، کم فروشی و مانند آن است.

در دیگر کتاب‌ها نیز فضاهای کسب و کار به تصویر کشیده شده، دور از واقعیت و تصنعی به نظر می‌رسند. داستان‌های خلق شده در کتاب‌هایی مانند «کسب و کار حلال در اسلام» ضعیف و باورناپذیر هستند.^۱ فضاهای تصویر شده با واقعیت‌ها و اقتضائات حال حاضر جامعه فاصله زیادی داشته و بعید به نظر می‌رسد که مخاطب بتواند با شخصیت‌ها و مسائل مطرح شده در

^۱ در صفحه ۳۰ کتاب «چراغ راه زندگی» به خواب یکی از رزمندگان بی نام و نشان اشاره شده است که حضرت سیدالشهدا ع برای آماده کردن حرم برای رزمندگان اسلام حرم مطهر را جارو می‌زده اند؛ مطلبی که سستی آن بیش از آن است که در یک کتاب رسمی وارد شود. اگرچه این داستان به کسب و کار ارتباطی ندارد، اما می‌تواند ما را به نوع نگرش مؤلفان کتاب رهنمون شود.

روایت‌ها همزادپنداری کرده و درس بگیرد. اکثر کتاب‌ها به‌طور مکرر، به ارائه موعظه‌های کلی و کلیشه‌ای در خصوص صرفه جویی، قناعت، تلاش، پرهیز از اسراف، تنبلی و تجمل‌گرایی پرداخته‌اند.

بر اساس یافته‌ها، ۴ مؤلفه از ۶ مؤلفه سواد مالی شامل: پس‌انداز، وام و اعتبارات، سرمایه‌گذاری و بیمه جایگاهی در متون نهضت سوادآموزی ندارند. بیشترین اشارات به کسب درآمد و خرید کالا و خدمات مربوط می‌شود. یادآور می‌شویم که این اشارات - اگرچه در جای خود مفید است - الزاماً به معنای آموزش سواد و مهارت‌های مربوط به کسب درآمد نیست. حتی از برخی شواهد بر می‌آید که پیش فرض کتاب این است که بزرگسالان مسائل مربوط به کسب و کار و سواد مالی را می‌دانند. برای نمونه در کتاب مدیریت خانواده، صفحه ۵۷ عنوان زیر را مشاهده می‌کنیم: «آموزش مدیریت مالی و اقتصادی به کودکان». در همین صفحه آمده است که «آموزش مسائل مالی به کودکان و نوجوانان، فقط برای بازار کار و اشتغال یا آموزش پس‌انداز نیست... باید به آنها آموخت که برای به دست آوردن پول تلاش کنند». این در حالی است که خود مخاطبان بیش از کودکانشان نیازمند یادگیری مسائل مالی و اقتصادی - به‌ویژه به‌طور عملیاتی و کاربردی هستند.

توضیح بیشتر در خصوص متون کتاب‌های نهضت سوادآموزی در فصل پنجم ارائه شده است.

ب: یافته‌های مربوط به تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای

در این قسمت به بررسی نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای در بین افراد نمونه پرداخته می‌شود. در قسمت اول با استفاده از آمار توصیفی، نتایج بدست آمده از نمونه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و در قسمت دوم، با استفاده از اطلاعات بدست آمده از نمونه، فرضیه‌هایی در مورد میانگین سواد مالی کل جامعه آماری آزمون خواهد شد.

ب-۱- آمار توصیفی

وضعیت سواد مالی با توجه به دوره‌های سوادآموزی

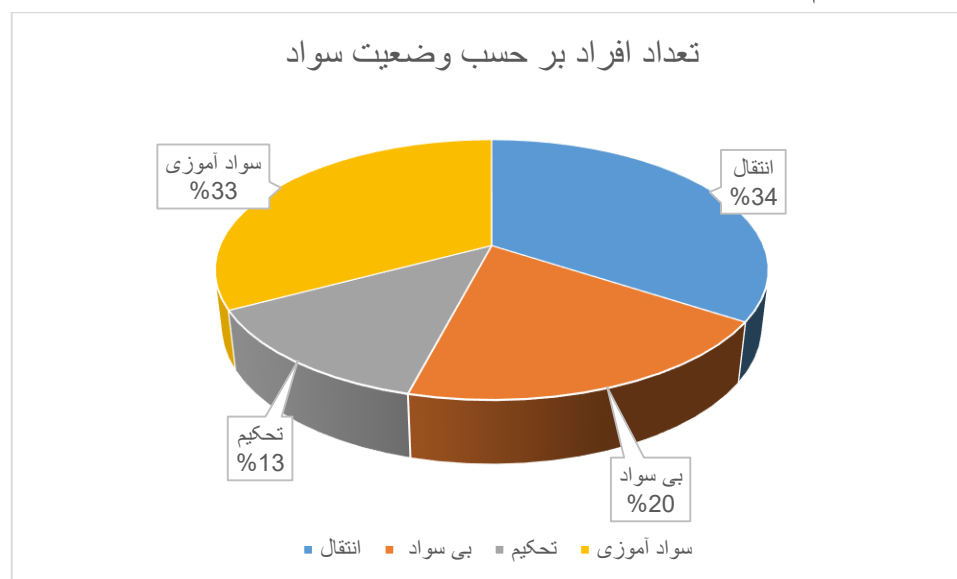
آمار وضعیت سواد مالی کل افراد نمونه بر حسب وضعیت سواد در جدول ۴-۲ و نمودارهای ۴-۳ و ۴-۴ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۴-۲ دیده می‌شود تعداد کل افراد نمونه برابر ۶۴۰ و میانگین سواد مالی آنها برابر ۱۱,۹۲ است. با توجه به اینکه مقیاس نمرات در بازه صفر تا ۲۰ قرار

دارد میزان سواد مالی افراد نمونه در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و در اطراف عدد ۱۲ نوسان می‌کند.

جدول ۴-۲: وضعیت سواد مالی در بین گروه‌های مختلف

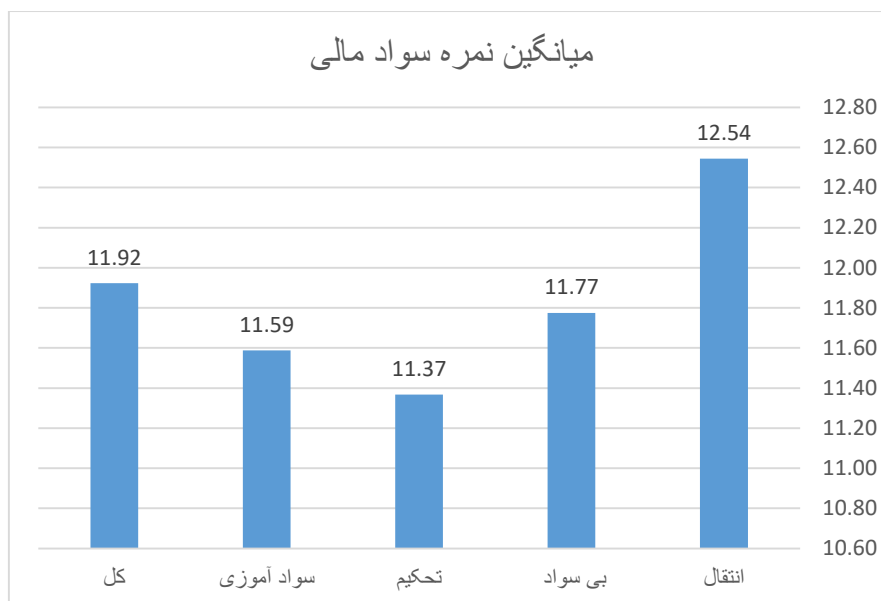
نام دوره	تعداد افراد	میانگین نمره سواد مالی	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
بی سواد	۱۲۷	۱۱,۷۷	۱۷,۵۱	۴,۱۷	۲,۸۴
سوادآموزی	۲۱۰	۱۱,۵۹	۱۶,۶۸	۳,۳۴	۲,۸۲
انتقال	۲۱۹	۱۲,۵۴	۱۷,۵۱	۲,۵۰	۲,۹۱
تحکیم	۸۴	۱۱,۳۷	۱۶,۶۸	۵,۰۰	۲,۹۸
کل	۶۴۰	۱۱,۹۲	۱۷,۵۱	۲,۵۰	۲,۹۱

با توجه به نمودار ۴-۳ از بین ۶۴۰ نفری که پرسشنامه سواد مالی را تکمیل کرده‌اند ۲۰ درصد بی‌سواد بوده‌اند و ۸۰ درصد آنها در یکی از دوره‌های نهضت سوادآموزی شرکت کرده‌اند طوری که ۳۳ درصد افراد دوره سوادآموزی و ۳۴ درصد آنها دوره انتقال را گذرانده‌اند و ۱۳ درصد آنها در مرحله تحکیم بوده‌اند.



نمودار ۴-۳: توزیع افراد نمونه بر حسب وضعیت سواد

با توجه به نمودار ۴-۴ میانگین نمره سواد مالی افرادی که دوره انتقال را گذرانده‌اند از میانگین سواد مالی کل افراد نمونه و نیز سایر گروه‌ها بیشتر است در حالی که میانگین نمره سواد مالی افراد سایر گروه‌ها از میانگین سواد مالی کل افراد نمونه کمتر است. با توجه به این نتایج می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که میانگین سواد مالی افرادی که دوره انتقال را گذرانده‌اند از میانگین سواد مالی سایر گروه‌ها بیشتر است. این فرضیه در قسمت بعد آزمون خواهد شد.



نمودار ۴-۴: میانگین نمره سواد مالی بر حسب وضعیت سواد

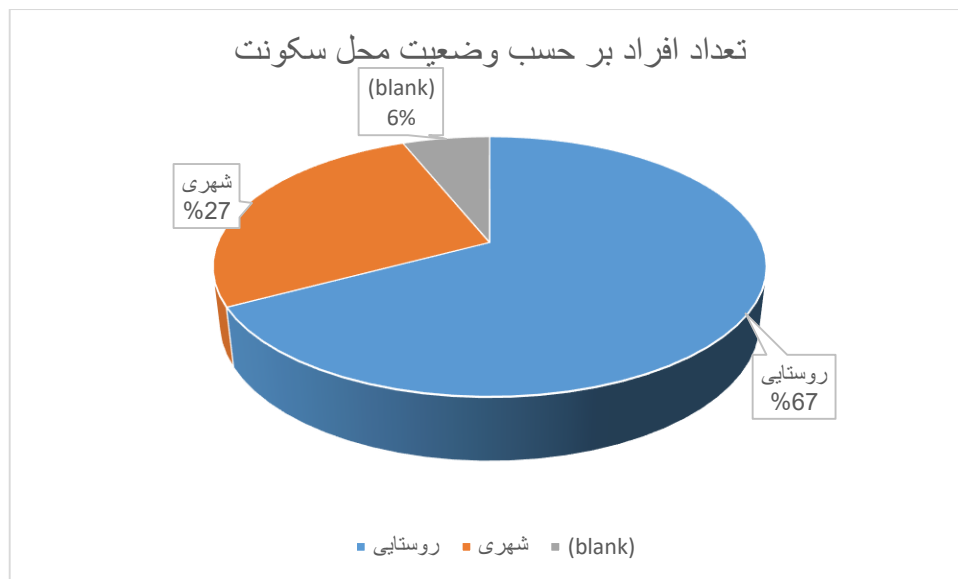
وضعیت سواد مالی با توجه به محل سکونت افراد

آمار وضعیت سواد مالی کل افراد نمونه بر حسب وضعیت محل سکونت در جدول ۴-۳ و نمودارهای ۴-۵ و ۴-۶ ارائه شده است. همان طور که در جدول ۴-۳ دیده می‌شود از کل افراد نمونه، ۴۳۰ نفر آنها ساکن روستا و ۱۷۱ نفر آنها ساکن شهر بوده‌اند. ۳۹ نفر هم وضعیت محل سکونت خود را مشخص نکرده‌اند.

جدول ۴-۳: وضعیت سواد مالی بین ساکنان شهر و روستا

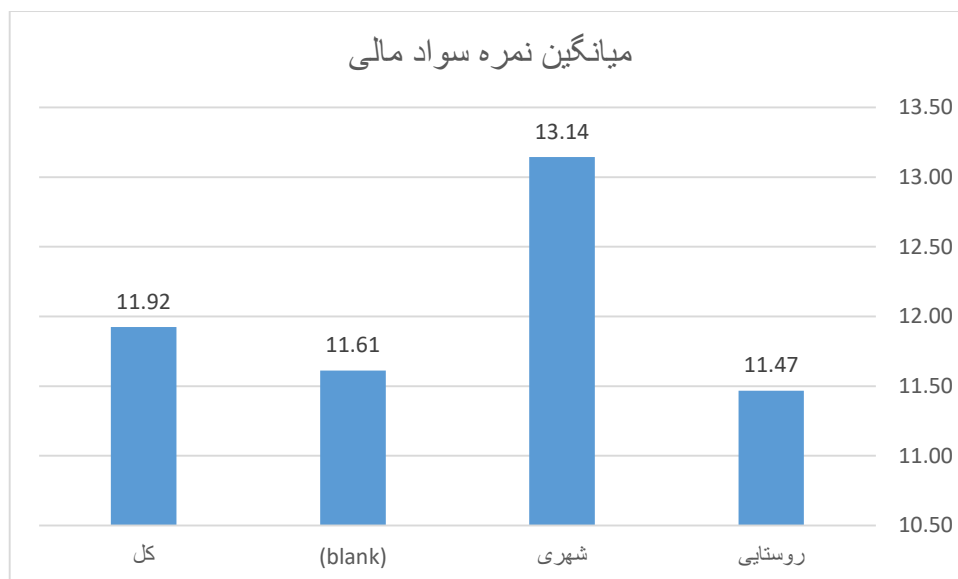
محل سکونت	تعداد افراد	میانگین نمره سواد مالی	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
روستایی	۴۳۰	۱۱,۴۷	۱۷,۵۱	۲,۵۰	۳,۰۹
شهری	۱۷۱	۱۳,۱۴	۱۷,۵۱	۶,۶۷	۲,۰۴
بدون پاسخ	۳۹	۱۱,۶۱	۱۵,۸۵	۴,۱۷	۲,۶۲
مجموع	۶۴۰	۱۱,۹۲	۱۷,۵۱	۲,۵۰	۲,۹۱

با توجه به نمودار ۴-۵ از بین کل افراد نمونه، ۶۷ درصد ساکن روستا و ۲۷ درصد ساکن شهر بوده‌اند. ۶ درصد از افراد هم محل سکونت خود را مشخص نکرده‌اند.



نمودار ۴-۵: توزیع افراد بر حسب وضعیت محل سکونت

با توجه به نمودار ۴-۶ میانگین نمره سواد مالی ساکنان روستا (۱۱,۴۷) از میانگین سواد مالی کل افراد نمونه، کمتر و میانگین سواد مالی ساکنان شهر (۱۳,۱۴) از میانگین سواد مالی کل افراد نمونه بیشتر است. بر این مبنا به نظر می‌رسد که میانگین سواد مالی ساکنان شهر از میانگین سواد مالی ساکنان روستا بیشتر باشد. این فرضیه در قسمت بعد آزمون خواهد شد.



نمودار ۴-۶: میانگین نمره سواد مالی بر حسب وضعیت سکونت

وضعیت سواد مالی با توجه به شهرستان محل سکونت افراد

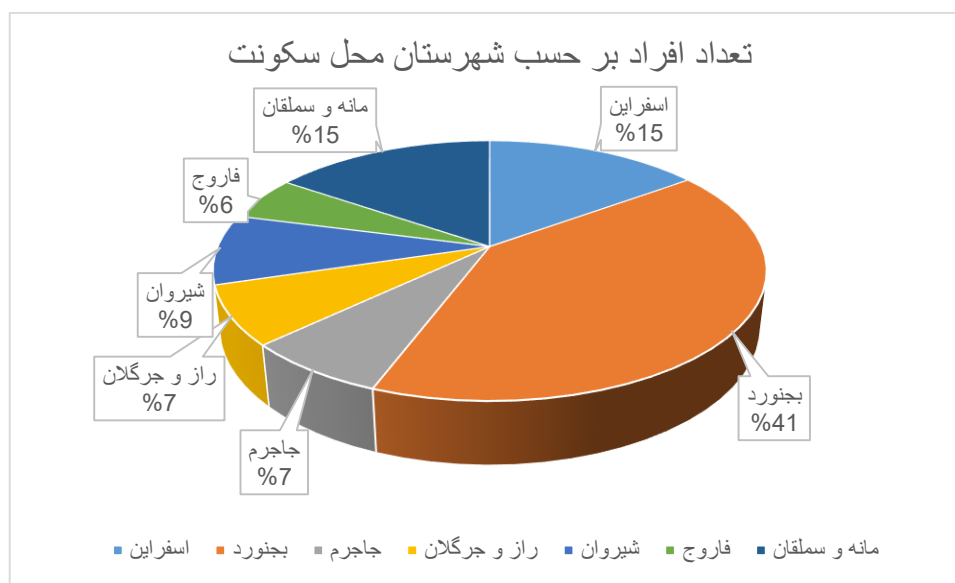
آمار وضعیت سواد مالی کل افراد نمونه بر حسب وضعیت شهرستان محل سکونت در جدول ۴-۴ و نمودارهای ۴-۷ و ۴-۸ ارائه شده است. همان طور که در جدول ۴-۴ دیده می‌شود میانگین سواد مالی شهرستان‌های جاجرم، شیروان و فاروج از میانگین سواد مالی کل افراد نمونه بیشتر و

میانگین سواد مالی شهرستان‌های اسفراین، بجنورد، راز و جرگلان و مانه و سملقان از میانگین سواد مالی کل افراد نمونه کمتر است. بر این مبنا به نظر می‌رسد که تفاوت معنی‌داری بین سواد مالی ساکنان شهرستان‌های مختلف استان وجود داشته باشد. این فرضیه نیز در قسمت بعد آزمون خواهد شد.

جدول ۴-۴: وضعیت سواد مالی بین شهرستان‌ها

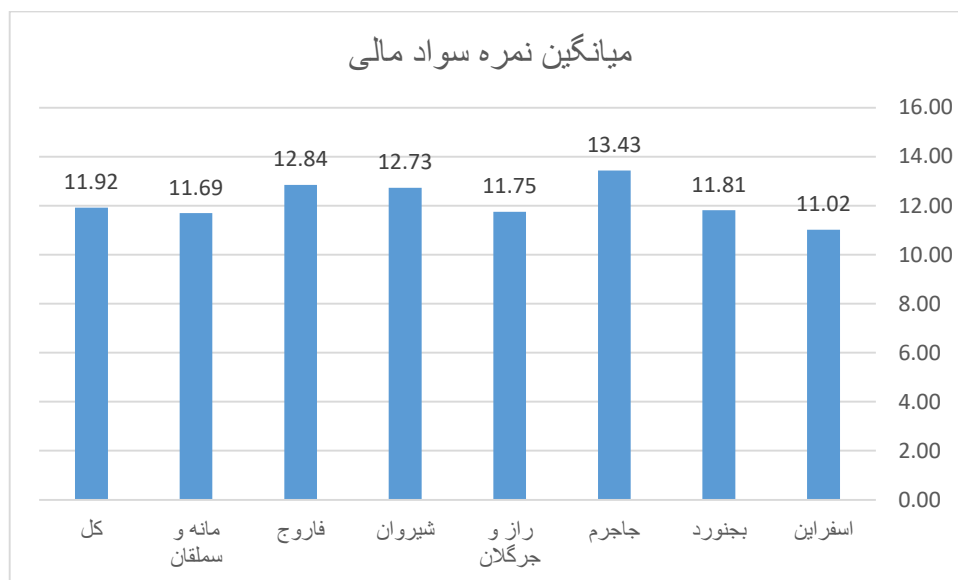
نام شهرستان	تعداد افراد	میانگین نمره سواد مالی	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
اسفراین	۹۶	۱۱,۰۲	۱۶,۶۸	۲,۵۰	۳,۱۲
بجنورد	۲۶۱	۱۱,۸۱	۱۷,۵۱	۳,۳۴	۲,۸۰
جاجرم	۴۶	۱۳,۴۳	۱۶,۶۸	۱۰,۰۱	۱,۶۹
راز و جرگلان	۴۷	۱۱,۷۵	۱۷,۵۱	۵,۰۰	۲,۹۱
شیروان	۵۶	۱۲,۷۳	۱۷,۵۱	۵,۰۰	۳,۱۹
فاروج	۳۵	۱۲,۸۴	۱۶,۶۸	۸,۳۴	۲,۳۴
مانه و سملقان	۹۹	۱۱,۶۹	۱۶,۶۸	۴,۱۷	۳,۰۷
مجموع	۶۴۰	۱۱,۹۲	۱۷,۵۱	۲,۵۰	۲,۹۱

در نمودار ۴-۶ توزیع افراد نمونه بین شهرستان‌های مختلف استان نمایش داده شده است. بر مبنای این نمودار بیشترین درصد افراد نمونه متعلق به شهرستان بجنورد (۴۱ درصد) و کمترین درصد آن (۶ درصد) متعلق به شهرستان فاروج است.



نمودار ۴-۷: تعداد افراد بر حسب شهرستان محل سکونت

در نمودار ۴-۶ وضعیت سواد مالی ساکنان شهرستان‌های مختلف استان نمایش داده شده است. همان طور که در این نمودار دیده می‌شود بالاترین نمره سواد مالی مربوط به شهرستان جاجرم (۱۳,۴۳) و کمترین نمره سواد مالی مربوط به شهرستان اسفراین (۱۱,۰۲) است.



نمودار ۴-۸: میانگین نمره سواد مالی بر حسب شهرستان محل سکونت

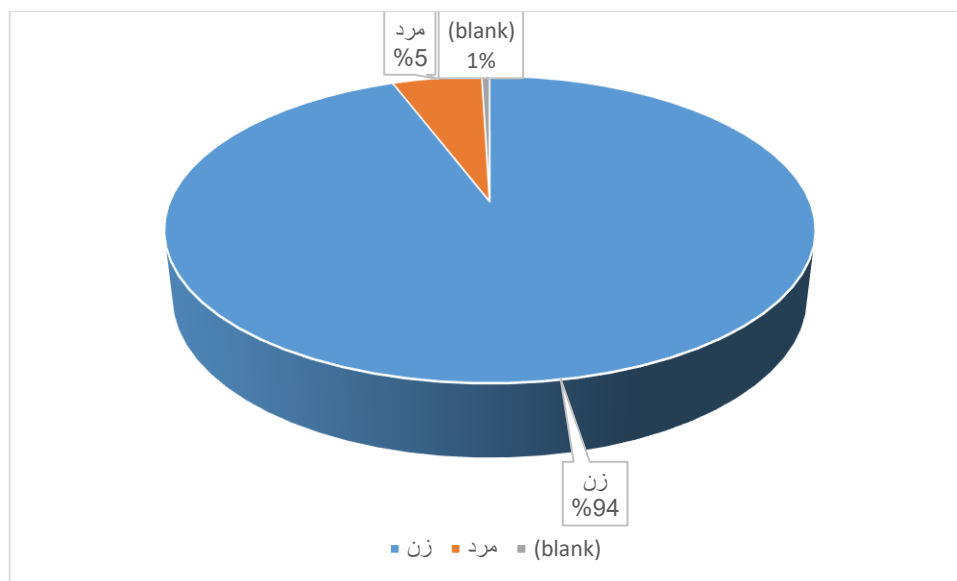
وضعیت سواد مالی بر حسب جنسیت

آمار وضعیت سواد مالی کل افراد نمونه بر حسب جنسیت در جدول ۴-۵ و نمودارهای ۴-۹ و ۴-۱۰ ارائه شده است. همان طور که در جدول ۴-۵ دیده می‌شود از کل افراد نمونه، ۶۰۳ نفر آنها زن و ۳۴ نفر مرد بوده‌اند. ۳ نفر هم جنسیت خود را مشخص نکرده‌اند.

جدول ۴-۵: وضعیت سواد مالی بر حسب جنس

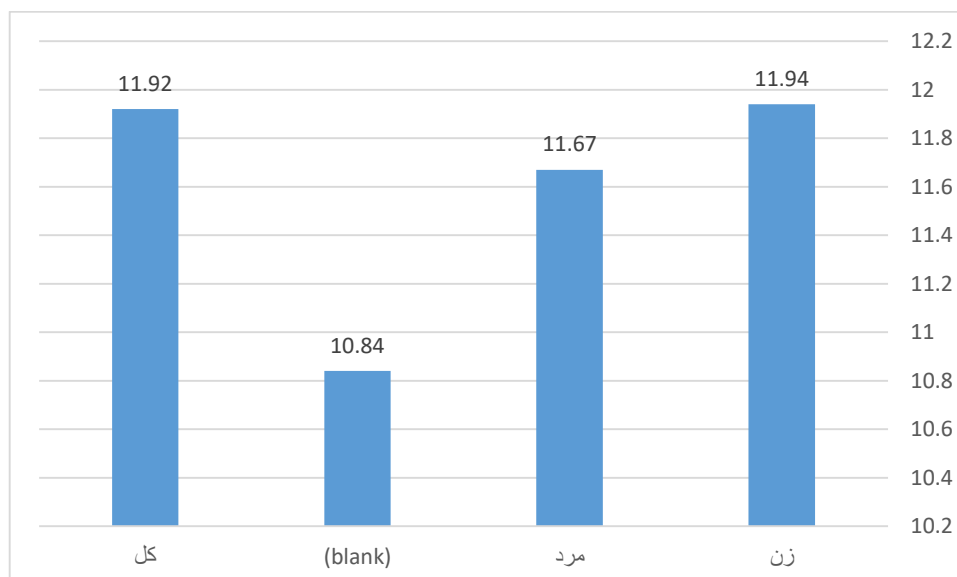
محل سکونت	تعداد افراد	میانگین نمره سواد مالی	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
زن	۶۰۳	۱۱,۹۴	۱۷,۵۱	۲,۵۰	۲,۹۱
مرد	۳۴	۱۱,۶۷	۱۵,۸۴	۶,۶۷	۲,۷۳
بدون پاسخ	۳	۱۰,۸۴	۱۴,۱۸	۵	۵,۰۷
مجموع	۶۴۰	۱۱,۹۲	۱۷,۵۱	۲,۵۰	۲,۹۱

با توجه به نمودار ۴-۹ از بین کل افراد نمونه، ۹۴ درصد آنها زن و ۵ درصد آنها مرد بوده‌اند. یک درصد از افراد نمونه هم جنسیت خود را مشخص نکرده‌اند.



نمودار ۴-۹: توزیع افراد نمونه بر حسب جنس

با توجه به نمودار ۴-۱۰ میانگین نمره سواد مالی زنان نمونه برابر ۱۱,۹۴ و میانگین سواد مالی مردان نمونه برابر ۱۱,۶۷ است و در هر دو مورد میانگین بدست آمده نزدیک به میانگین سواد مالی کل افراد نمونه است. بر این مبنا به نظر می‌رسد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین سواد مالی زنان و مردان وجود ندارد. البته با توجه به اینکه در این نمونه تعداد مردان نسبت به تعداد زنان خیلی کم است این فرضیه آزمون نخواهد شد.



نمودار ۴-۱۰: میانگین نمره سواد مالی بر حسب جنس

وضعیت سواد مالی بر حسب وضعیت تأهل

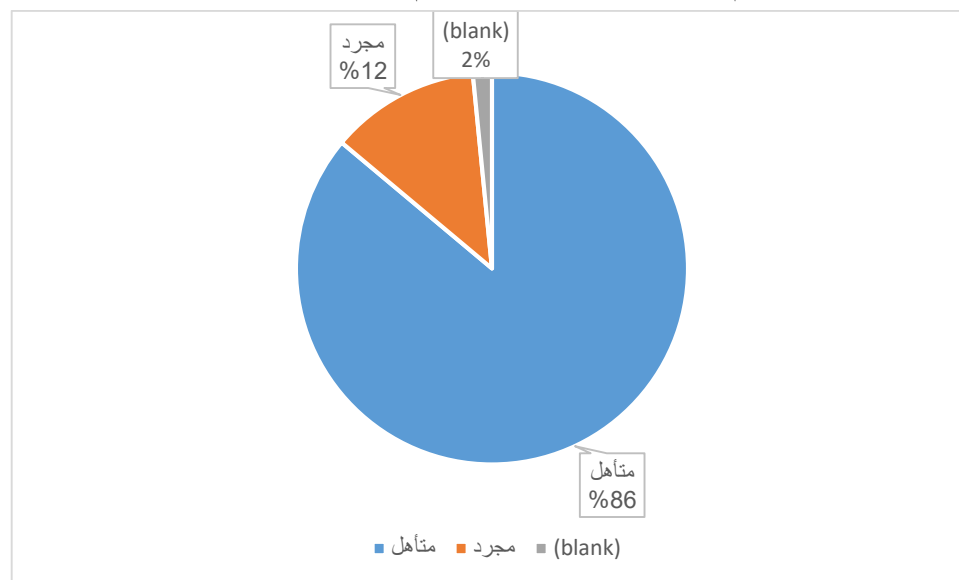
آمار وضعیت سواد مالی کل افراد نمونه بر حسب وضعیت محل سکونت در جدول ۴-۶ و نمودارهای ۴-۱۱ و ۴-۱۲ ارائه شده است. همان طور که در جدول ۴-۵ دیده می‌شود از کل افراد نمونه، ۵۵۱ نفر مجرد و ۷۹ نفر متأهل بوده‌اند. ۱۰ نفر هم وضعیت تأهل خود را اعلام نکرده‌اند.

جدول ۴-۶: وضعیت سواد مالی بر حسب وضعیت تأهل

محل سکونت	تعداد افراد	میانگین نمره سواد مالی	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
مجرد	۵۵۱	۱۱,۹۴	۱۷,۵۱	۲,۵	۲,۸۹
متأهل	۷۹	۱۱,۸۳	۱۷,۵۱	۴,۱۷	۳,۰۵
بدون پاسخ	۱۰	۱۱,۴۲	۱۴,۱۷	۵	۲,۷۵
مجموع	۶۴۰	۱۱,۹۲	۱۷,۵۱	۲,۵۰	۲,۹۱

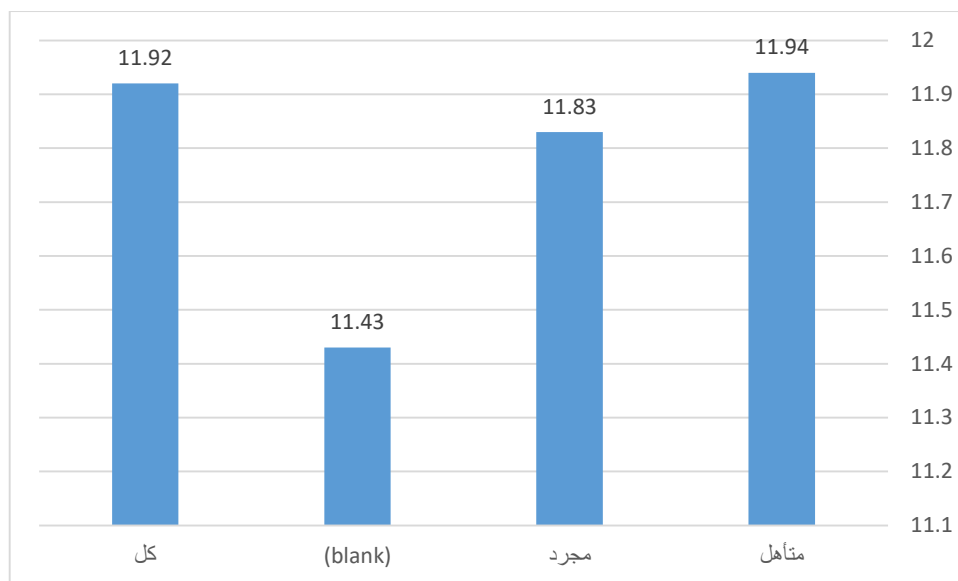
منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به نمودار ۴-۱۱ از بین کل افراد نمونه، ۸۶ درصد آنها متأهل و ۱۲ درصد آنها مجرد بوده‌اند. ۲ درصد از افراد هم وضعیت تأهل خود را اعلام نکرده‌اند.



نمودار ۴-۱۱: توزیع افراد نمونه بر حسب وضعیت تأهل

با توجه به نمودار ۴-۱۲ میانگین نمره سواد مالی افراد متأهل برابر ۱۱,۹۴ و میانگین سواد مالی افراد مجرد برابر ۱۱,۸۳ است و در هر دو مورد میانگین محاسبه شده نزدیک به میانگین سواد مالی کل افراد نمونه است. بر این مبنا به نظر می‌رسد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین سواد مالی افراد مجرد و متأهل وجود نداشته باشد. این فرضیه در قسمت بعد آزمون خواهد شد.



نمودار ۴-۱۲: میانگین نمره سواد مالی بر حسب وضعیت تأهل

ب-۲- آمار استنباطی و آزمون فرضیه

در این قسمت قصد بر این است که با استفاده از اطلاعات نمونه که گزارش آن در قسمت قبل ذکر شد فرضیه‌هایی در مورد میانگین سواد مالی جوامع آماری آزمون شود. این فرضیه‌ها به شرح زیر است:

فرضیه ۱: میانگین سواد مالی سوادآموزان نهضت سوادآموزی از میانگین سواد مالی افراد بی‌سواد بیشتر است.

فرضیه ۲: میانگین سواد مالی سوادآموزان دوره انتقال از سواد مالی سایر افراد نمونه (بی‌سواد، سوادآموزی و تحکیم) بیشتر است.

فرضیه ۳: میانگین سواد مالی ساکنان شهر از میانگین سواد مالی ساکنان روستا بیشتر است.

فرضیه ۴: میانگین سواد مالی افراد میانسال و پیر از میانگین سواد مالی افراد جوان بیشتر است.

فرضیه ۵: میانگین سواد مالی افراد متأهل از میانگین سواد مالی افراد مجرد بیشتر است.

فرضیه ۶: میانگین سواد مالی ساکنان شهرستان‌های مختلف با هم متفاوت است.

آزمون فرضیه ۱: مقایسه میانگین سواد مالی افراد بی‌سواد و سوادآموزان نهضت

برای این منظور تعداد کل داده‌های نمونه به دو گروه افراد بی‌سواد و باسواد (سوادآموزی، انتقال و تحکیم) تقسیم شده و سپس میانگین دو گروه با استفاده از آزمون‌های t دو نمونه‌ای و ویلکاکسون با هم مقایسه شده است.

جدول ۴-۷: نمرات میانگین و انحراف معیار در افراد بی‌سواد و باسواد

وضعیت سواد	تعداد افراد	میانگین نمره سواد مالی	انحراف معیار
بی‌سواد	۱۲۷	۱۱,۷۷	۲,۸۳
باسواد	۵۱۳	۱۱,۹۶	۲,۹۲
مجموع	۶۴۰	۱۱,۹۲	۲,۹۱

جدول ۴-۸: آزمون برابری میانگین سواد مالی بین افراد بی‌سواد و سوادآموزان

نام آزمون	آزمون t	آزمون ویلکاکسون
مقدار آماره آزمون	-۰,۶۴۵	-۰,۷۱۵
سطح معنی‌داری	۰,۵۲	۰,۴۷

منبع: محاسبات تحقیق

از مجموع افراد نمونه، ۱۲۷ نفر بی‌سواد بوده‌اند و ۵۱۳ نفر یکی از دوره‌های نهضت سوادآموزی را گذرانده‌اند. نتایج حاصل از هر دو آزمون در جدول ۴-۸ نشان می‌دهد که از نظر آماری اختلاف معنی‌داری بین میانگین سواد مالی افراد بی‌سواد و سوادآموزان نهضت وجود ندارد. با توجه به عدم تفاوت معنی‌دار میانگین سواد مالی بین دو گروه، به نظر می‌رسد که گذراندن دوره‌های نهضت سوادآموزی اثر معنی‌داری روی میزان سواد مالی سوادآموزان نداشته است.

آزمون فرضیه ۲: مقایسه میانگین سواد مالی سوادآموزان دوره انتقال و سایر افراد نمونه

نکته‌ای که در مورد فرضیه یک وجود دارد و نباید از آن غفلت شود آن است که گروه افراد باسواد نمونه شامل سه زیرگروه دیگر است (سوادآموزی، انتقال و تحکیم) و ممکن است میانگین سواد مالی در این زیرگروه‌ها با هم متفاوت باشد. برای بررسی این موضوع از آزمون کروسکال-والیس^۱ استفاده شد. این آزمون یک آزمون ناپارامتری است و برای بررسی برابری میانگین بین چند نمونه به کار می‌رود و فرضیه صفر آن بدین صورت است که نمونه‌های موجود متعلق به یک جامعه هستند. نتایج حاصل از این آزمون به صورت زیر است:

جدول ۴-۹: آزمون کروسکال-والیس

مقدار آماره آزمون	۱۸,۴۱
سطح معنی‌داری	۰,۰۰۰۴

^۱Kruskal-Wallis rank test

نتایج این آزمون نشان می‌دهد که نمونه‌های مورد بررسی متعلق به یک جامعه نیستند و از نظر آماری بین میانگین این زیرگروه‌ها اختلاف معنی‌داری وجود دارد. حال باید ببینیم که اختلاف ایجادشده در میانگین سواد مالی مربوط به کدام یک از زیرگروه‌هاست. با توجه به اینکه میانگین سواد مالی کل نمونه برابر ۱۱٫۹۲ است با آزمون t یک نمونه‌ای می‌توانیم این فرضیه را بررسی کنیم که میانگین سواد مالی در کدام یک از این گروه‌ها اختلاف معنی‌داری با این عدد دارد. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای برای این زیرگروه‌ها در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴-۱۰: آزمون t یک نمونه‌ای برای آزمون میانگین سواد مالی (Mean=11.92)

وضعیت سواد	بی سواد	سوادآموزی	انتقال	تحکیم
مقدار آماره آزمون	-۰٫۶۰	-۱٫۷۳	۳٫۱۴	-۱٫۷۲
سطح معنی‌داری	۰٫۵۵	۰٫۰۸۴	۰٫۰۰۱۹	۰٫۰۹
فاصله اطمینان ۹۵ درصد	۱۲٫۲۷-۱۱٫۲۷	۱۱٫۹۷-۱۱٫۲۰	۱۲٫۹۳-۱۲٫۱۵	۱۲٫۰۱-۱۰٫۷۲
برای میانگین سواد مالی				

نتایج آزمون t یک نمونه‌ای نشان می‌دهد که میانگین سواد مالی افراد بی‌سواد اختلاف معنی‌داری با عدد ۱۱٫۹۲ ندارد؛ میانگین سواد مالی سوادآموزان دوره سوادآموزی و تحکیم از عدد ۱۱٫۹۲ کمتر است (البته در سطح معنی‌داری ۱۰ درصد) و میانگین سواد مالی سوادآموزان دوره انتقال از این عدد بیشتر است و اختلاف معنی‌داری با این عدد دارد. اگر همین آزمون را برای برابری میانگین‌ها با عدد ۱۱٫۶۷ (Mean=11.67) انجام دهیم نتایج زیر بدست می‌آید:

جدول ۴-۱۱: آزمون t یک نمونه‌ای برای آزمون میانگین سواد مالی (Mean=11.67)

وضعیت سواد	بی سواد	سوادآموزی	انتقال	تحکیم
مقدار آماره آزمون	۰٫۳۹	-۰٫۴۵	۴٫۴۱	-۰٫۹۴
سطح معنی‌داری	۰٫۶۹	۰٫۶۵	۰٫۰۰۰	۰٫۳۵
فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای	۱۲٫۲۷-۱۱٫۲۷	۱۱٫۹۷-۱۱٫۲۰	۱۲٫۹۳-۱۲٫۱۵	۱۲٫۰۱-۱۰٫۷۲
میانگین سواد مالی				

نتایج این آزمون نشان می‌دهد که با وجود اینکه میانگین سواد مالی افراد سه گروه بی‌سواد، سوادآموزی و تحکیم از نظر آماری اختلاف معنی‌داری با عدد ۱۱٫۶۷ ندارد اما میانگین سواد مالی سوادآموزان دوره انتقال از این عدد بیشتر است. در مجموع با توجه به آزمون‌های بالا می‌توان گفت که در بین این چهار زیرگروه، میانگین سواد مالی سوادآموزان دوره انتقال از میانگین سواد مالی سایر زیرگروه‌ها بیشتر است. این نتایج در راستای نتایج گزارش‌شده در مطالعات زو و زیا (۲۰۱۲) و لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) است که تقریباً در همه کشورها ارتباطی قوی بین تحصیلات بالاتر و

سواد مالی وجود دارد اما با وجود این موضوع، حتی در سطوح بالای سواد هم، میزان سواد مالی افراد کم است. در ستون آخر هر دو جدول فوق (۴-۱۰ و ۴-۱۱) فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای میانگین سواد مالی در هر گروه محاسبه شده است.

آزمون فرضیه ۳: مقایسه میانگین سواد مالی ساکنان شهر و روستا

برای این منظور داده‌های کل نمونه به دو گروه ساکنان شهر و روستا تقسیم شده و سپس میانگین دو گروه با استفاده از آزمون‌های t دو نمونه‌ای و ویلکاکسون با هم مقایسه شده است.

جدول ۴-۱۲: آزمون برابری میانگین سواد مالی ساکنان شهر و روستا

نام آزمون	آزمون t	آزمون ویلکاکسون
مقدار آماره آزمون	۶,۵۵	۶,۰۳۵
سطح معنی داری	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰

جدول ۴-۱۳: فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین سواد مالی ساکنان شهر و روستا

وضعیت سکونت	شهری	روستایی
میانگین سواد مالی	۱۳,۴۵-۱۲,۸۳	۱۱,۷۵-۱۱,۱۷

نتایج حاصل از هر دو آزمون که در جدول ۴-۱۲ ارائه شده است نشان می‌دهد که به‌طور متوسط سواد مالی افراد ساکن شهر از سواد مالی افراد ساکن روستا بیشتر است. این نتایج در راستای نتایج گزارش شده در مطالعات زو و زیبا (۲۰۱۲) و لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) است که تفاوت زیادی بین سواد مالی ساکنان مناطق مختلف به‌ویژه ساکنان شهر و روستا وجود دارد. در جدول ۴-۱۳ هم فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین سواد مالی ساکنان شهر و روستا ارائه شده است. با توجه به این جدول، میانگین سواد مالی ساکنان شهر در بازه ۱۲,۸۳-۱۳,۴۵ و میانگین سواد مالی ساکنان روستا در بازه ۱۱,۷۵-۱۱,۱۷ قرار می‌گیرد.

آزمون فرضیه ۴: مقایسه میانگین سواد مالی بر حسب محدوده سنی

برای مقایسه میانگین سواد مالی افراد بر حسب سن، داده‌های نمونه به دو دسته تقسیم گردید. دسته اول افرادی که سن آنها بیشتر از ۳۵ سال (میانسال و پیر) و دسته دوم افرادی که سن آنها کمتر از ۳۵ سال است (جوان). نتایج آزمون برابری میانگین بین این دو گروه به شرح زیر است:

جدول ۴-۱۴: آزمون برابری میانگین سواد مالی بر حسب محدوده سنی

نام آزمون	آزمون t	آزمون ویلکاکسون
مقدار آماره آزمون	۲,۸۴	۱۲,۷۲
سطح معنی داری	۰,۰۰۴۶	۰,۰۰۰۴

جدول ۴-۱۵: فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین سواد مالی افراد میانسال و پیر و افراد جوان

محدوده سنی	میانسال و پیر	جوان
میانگین سواد مالی	۱۲,۹۵-۱۱,۹۵	۱۱,۲۹-۱۱,۲۷

نتایج حاصل از هر دو آزمون نشان می‌دهد که به‌طور متوسط سواد مالی افراد میانسال و پیر از سواد مالی افراد جوان بیشتر است. با وجود اینکه به نظر می‌رسد که نتایج بدست آمده در این قسمت با نتایج گزارش شده در مطالعات زو و زیا (۲۰۱۲) و لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) همخوانی ندارد اما توجه به این نکته ضروری است که دسته‌بندی افراد پیر در این مطالعه با دو مطالعه ذکر شده متفاوت است. در مطالعات ذکر شده، افراد پیر افرادی هستند که سن آنها از ۶۵ بیشتر است اما در این مطالعه افرادی که سن آنها در محدوده ۳۵-۶۵ قرار دارد به عنوان افراد میانسال و پیر در نظر گرفته شده‌اند و افراد بالای ۶۵ سال در این نمونه وجود ندارد. به همین دلیل به نظر می‌رسد که نتایج بدست آمده تا حدی متفاوت است. در نهایت ذکر این نکته ضروری است که مشابه نتایج دو مطالعه ذکر شده، در بازه سنی صفر تا ۶۵ سال رابطه بین سن و سواد مالی مثبت است (قسمت صعودی منحنی U معکوس).

آزمون فرضیه ۵: مقایسه میانگین سواد مالی بر حسب وضعیت تأهل

برای مقایسه میانگین سواد مالی افراد بر حسب وضعیت، داده‌های نمونه به دو دسته افراد مجرد و متأهل تقسیم گردید. نتایج آزمون برابری میانگین بین این دو گروه به شرح زیر است:

جدول ۴-۱۶: آزمون برابری میانگین سواد مالی بر حسب وضعیت تأهل

نام آزمون	آزمون t	آزمون ویلکاکسون
مقدار آماره آزمون	۰,۳۲	۰,۲۴
سطح معنی داری	۰,۷۵	۰,۸۰

جدول ۴-۱۷: فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین سواد مالی افراد مجرد و متأهل

وضعیت تأهل	متأهل	مجرد
میانگین سواد مالی	۱۲,۱۸-۱۱,۷۰	۱۲,۵۲-۱۱,۱۵

نتایج حاصل از هر دو آزمون نشان می‌دهد که بین سواد مالی افراد مجرد و متأهل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

آزمون فرضیه ۶: مقایسه میانگین سواد مالی بین ساکنان شهرستان‌های مختلف

برای این منظور از دو آزمون استفاده شده است: آزمون برابری میانگین سواد مالی در هر شهرستان با عدد ۱۱,۶۷ و آزمون کروسکال والیس. فرضیه صفر هر دو آزمون آن است که تفاوت معنی‌داری بین میانگین سواد مالی در ساکنان شهرستان‌های مختلف وجود ندارد و همه آنها متعلق به یک جامعه آماری هستند و فرضیه مقابل آن است که این نمونه‌ها متعلق به جوامع آماری مختلف هستند و میانگین آنها از هم متفاوت است. نتایج آزمون t در جدول ۴-۱۸ و نتایج آزمون کروسکال-والیس در جدول ۴-۱۹ ارائه شده است.

جدول ۴-۱۸: آزمون برابری میانگین سواد مالی در شهرستان‌ها با عدد ۱۱,۶۷ (Mean=11.67)

نام شهرستان	مقدار آماره آزمون	سطح معنی‌داری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
جاجرم	۷,۰۸	۰,۰۰۰۰	۱۳,۹۳-۱۲,۹۳
فاروج	۲,۹۶	۰,۰۰۵۵	۱۳,۶۴-۱۲,۰۴
شیروان	۲,۴۹	۰,۰۱۵	۱۳,۵۸-۱۱,۸۸
بجنورد	۰,۸۲	۰,۴۱	۱۲,۱۵-۱۱,۴۷
راز و جرگلان	۰,۱۸	۰,۸۶	۱۲,۶۰-۱۰,۸۹
مانه و سملقان	۰,۰۷۴	۰,۹۴	۱۲,۳۰-۱۱,۰۸
اسفراین	-۲,۰۵	۰,۰۴۲	۱۱,۶۴-۱۰,۳۸

همان‌طور که در جدول ۴-۱۸ دیده می‌شود متوسط سواد مالی ساکنان شهرستان‌های جاجرم، فاروج و شیروان اختلاف معنی‌داری با عدد ۱۱,۶۷ دارد و از آن بیشتر است؛ متوسط سواد مالی ساکنان شهرستان‌های بجنورد، راز و جرگلان و مانه و سملقان تفاوت معنی‌داری با این عدد ندارد و متوسط سواد مالی ساکنان شهر اسفراین از این عدد کمتر است. در همین ارتباط نتایج آزمون کروسکال-والیس نیز در جدول ۴-۱۹ ارائه شده است. معنی‌دار بودن این آماره آزمون نیز نشان می‌دهد که بین میانگین سواد مالی ساکنان شهرستان‌های مختلف استان تفاوت وجود دارد و

این نمونه‌ها متعلق به یک جامعه آماری نیستند. این نتایج در راستای نتایج گزارش شده در مطالعات زو و زیا (۲۰۱۲) و لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) است که موقعیت جغرافیایی روی سواد مالی تأثیر می‌گذارد.

جدول ۴-۱۹: آزمون کروسکال-والیس

مقدار آماره آزمون	۲۹,۹۸
سطح معنی‌داری	۰,۰۰۰۱

البر النادر المدرسه کلیم

فصل پنجم: نتیجه گیری



مقدمه

پیش از این در فصل نخست و فصل دوم اشاره شد که یکی از اهداف عمده نظام‌های آموزشی، آماده‌سازی افراد برای زندگی شغلی و حرفه‌ای در آینده است. از سوی دیگر، کشورهای در حال توسعه به تربیت شهروندان متخصص و توانمند به عنوان سرمایه انسانی نگاه کرده و آن را لازمه توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور می‌دانند. این مهم در اسناد بالادستی تعلیم و تربیت کشور ایران نیز دیده شده است. برای نمونه در سند فلسفه تعلیم و تربیت کشور از قدرت اقتصادی به عنوان ابزاری برای نیل به حیات طیبه یاد شده است (فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، بخش دوم، ۱۳۹۰، ۲۰۸). در همین سند استفاده مطلوب از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تربیت اقتصادی و حرفه‌ای به عنوان یک اصل بیان شده است (همان، ۳۱۰). از همه مهمتر اینکه ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای به عنوان یکی از ساحت‌های مهم تربیت معرفی شده است. ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بعد اقتصادی و معیشتی انسانهاست. این ساحت ناظر به رشد توانایی‌های متریان در تدبیر معاش و تلاش‌های اقتصادی و حرفه‌ای است (اموری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، توان کارافرینی، پرهیز از بطالت و بی‌کاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، ...) (همان، ۳۰۹).

به تبع این سند بالادستی، در اسناد نهضت سوادآموزی نیز به مساله اقتصاد توجه شده است. برای نمونه در برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳، ۱۶) به پیامدهای اقتصادی سوادآموزی به‌طور مشخص و برجسته پرداخته شده است. ارتباط بین ارتقاء سواد و سطح آموزش از یکسو و کاهش فقر از سوی دیگر به اندازه کافی در جهان مورد بررسی قرار گرفته و اثبات شده است. موضوعی که در کشور ما نیز صادق است. برای نمونه بر اساس آمارها و نمودارهایی که محمودی (۲۰۱۱) ارائه کرده است، ارتباط بین بی‌سوادی و تولید ناخالص داخلی و فقر در استان‌های کشور کاملاً معنادار است. یونسکو در آخرین توصیه‌نامه خود در

خصوص آموزش بزرگسالان که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد، به‌طور ویژه بر آموزش به عنوان راهی برای از بین بردن فقر و گرسنگی در سال ۲۰۳۰ در جهان تأکید کرده است (یونسکو، ۲۰۱۵، ۵).

با این وصف انتظار می‌رود که ارتقاء سطح سواد مالی و اقتصادی در رویکردها، محتواهای آموزشی و شیوه‌های تدریس دوره‌های نهضت سوادآموزی ظهور و نمود داشته باشد. تحقیق پیش‌رو با هدف بررسی کم و کیف این موضوع مورد اجرا قرار گرفته است. نتایج این پژوهش در فصل چهارم ارائه شد. آنچه در این فصل آمده است، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری این پژوهش است.

خلاصه یافته‌های پژوهش

- میانگین نمره سواد مالی در بین پرسش‌شوندگان (از بی‌سواد و باسواد) ۱۱٫۹۲ از ۲۰ است.
- میانگین سواد مالی سوادآموزان دوره انتقال از میانگین سواد مالی دوره‌های سوادآموزی و تحکیم بیشتر است.
- میانگین نمره سواد مالی افراد بی‌سواد که هنوز در دوره‌های نهضت سوادآموزی شرکت نکرده‌اند، ۱۱٫۷۷ و میانگین آنها که در دوره‌های سوادآموزی شرکت کرده‌اند، ۱۱٫۵۷ است. این فاصله اندک بوده و معنادار نیست.
- به‌طور متوسط سواد مالی افراد ساکن مناطق شهری از سواد مالی افراد ساکن مناطق روستایی بیشتر است.
- سواد مالی افراد میانسال و پیر از سواد مالی افراد جوان بیشتر است.
- بین سواد مالی افراد مجرد و متأهل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.
- متوسط سواد مالی ساکنان شهرستان‌های جاجرم، فاروج و شیروان به‌طور معناداری از میانگین استان بالاتر است و متوسط سواد مالی اسفراین به‌طور معناداری از میانگین استان پایین‌تر است.
- اشارات صورت گرفته به مباحث سواد مالی در متون نهضت سوادآموزی، تقریباً دو مؤلفه از شش مؤلفه را در بر می‌گیرد (درآمد و خرید کالا و خدمات)، و در خصوص چهار مؤلفه دیگر اشاره‌ای صورت نگرفته است.
- کتاب‌های دوره انتقال بیش از دو برابر دیگر دوره‌ها یعنی سوادآموزی و تحکیم، به مؤلفه‌های سواد مالی (بویژه کسب درآمد) اشاره و به‌طور غیرمستقیم آن را پوشش داده‌اند. غالب این مباحث در ذیل درس ریاضی صورت گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های فوق توأمان بیم و امید را در مخاطب بوجود می‌آورد. آنچه در یافته‌های فوق امیدوارکننده است، این است که میانگین سواد مالی پرسش‌شوندگان در استان نزدیک ۱۲ از ۲۰ است. اگرچه ممکن است از یک منظر این عدد بسیار کم باشد، اما با عنایت به محرومیت استان خراسان شمالی، روستایی بودن (۶۷٪) و زن بودن (۹۴٪) پرسش‌شوندگان می‌توان این عدد را امیدوارکننده و تاحدی مورد قبول تلقی کرد؛ چراکه محرومیت، جنسیت و روستایی بودن، به‌طور بالقوه در پایین بودن سطح سواد مالی نقش دارند. برای نمونه لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) نشان دادند که در غالب پژوهش‌های دنیا، نمره سواد مالی زنان کمتر از مردان است.

از دیگر یافته‌های امیدوارکننده این است که میانگین نمرات سواد مالی سوادآموزان دوره انتقال به‌طور معناداری از نمرات افراد بی‌سواد و دیگر گروه‌ها (سوادآموزی و تحکیم) بالاتر است. با توجه به اینکه در کتاب‌های دوره انتقال، تقریباً دوبرابر بیش از دو دوره دیگر به مباحث اقتصادی، مالی و کسب و کار توجه شده است، این برتری منطقی به نظر می‌رسد.

همان‌طور که به تفصیل در فصل دوم توضیح داده شد، انتظار می‌رود که صرف افزایش سطح سواد (نه الزاماً سواد مالی و اقتصادی) بر ارتقاء سطح سواد مالی افراد مؤثر باشد. برای نمونه دانش و مهارت محاسبه کردن یا ریاضیات، به‌طور بالقوه می‌تواند توانمندی افراد را در امور کسب و کار افزایش دهد. به گزارش یونسکو (۲۰۰۶) افراد باسواد و دارای مهارت‌های ریاضی، افراد کاراتری هستند و از فهم بهتری برای برنامه‌ریزی خانواده و کیفیت بالاتر زندگی برخوردارند. بر این اساس، یافته‌های مربوط به دوره انتقال که اتفاقاً مباحث مالی را بیشتر در ذیل درس ریاضی دنبال کرده است، با یافته‌های فراوانی که در فصل دوم به آنها اشاره شد هم‌راستاست. برای نمونه می‌توان به هم‌راستایی این یافته با یافته‌های علمی و علی‌تبار (۱۳۹۱)، صادقی و همکاران (۱۹۹۸)، دائو (۲۰۰۴)، چودهری و همکاران (۲۰۰۹)، داناسیکا و همکاران (۲۰۱۰)، افضل و همکاران (۲۰۱۰)، شعبان زاده و همکاران (۱۳۹۴)، سی‌سامز (ترجمه عزیزی ۱۳۹۲)، زوفا (۲۰۱۱)، و لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) اشاره کرد.

همان‌طور که اشاره شد، انتظار می‌رود که با افزایش سطح سوادآموزی، نمره سواد مالی نیز افزایش یابد، اما یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که افرادی که در مرحله «تحکیم سواد» قرار دارند، یعنی کسانی که دوره‌های سوادآموزی را پشت سر گذاشته‌اند، نسبت به همه گروه‌ها، حتی نسبت به افراد بی‌سواد، از نمره پایین‌تری برخوردارند. در واقع پایین‌ترین نمره سواد مالی متعلق به این گروه است، در حالی که انتظار می‌رفت بالاترین نمره به این گروه تعلق داشته باشد. این امر را

شاید بتوان اینگونه توجیه کرد که در این دوره افراد از کلاس‌ها و فضاهاى رسمى سوادآموزى فاصله گرفته و در نتیجه به مرور زمان، برخى از توانمندی‌هاى خود از جمله مهارت‌هاى محاسبات ریاضى را از دست داده در نتیجه نمره سواد مالی آنها نیز افت می‌کند.

در این خصوص ممکن است استدلال شود که اساساً تعریف و راه‌اندازى «دوره تحکیم سواد» برای جلوگیری از ارجاع به بی‌سوادی و افت توانمندی‌هاى سوادآموزان است. این استدلال درست است، اما به شرط آنکه راهبردها و محتواهاى تدوین شده برای این مرحله در عمل کارایی و اثربخشی خود را نشان دهد. جالب آنکه نهضت سوادآموزى برای این مرحله چهار کتاب را در نظر گرفته است که اتفاقاً همگی حول و حوش کسب و کار تدوین شده است: کسب و کار حلال در اسلام، کسب حلال، اقتصاد و فرهنگ در مدیریت خانواده، اقتصاد مقاومتى. با وجود این کتاب‌ها، انتظاراتى که پیش از این بیان شد دوچندان می‌شود. یعنى انتظار می‌رود که نمره سواد مالی بیشتر از مراحل و دوره‌هاى قبلى باشد. در ابتدای فصل چهارم (جدول ۴-۱) بیان شد که تحلیل محتواى این کتاب‌ها حاکی از آن است که برخلاف عناوین آنها، محتواى آنها ارتباط بسیار ضعیفى با سواد مالی دارند و بیشتر موعظه‌نامه‌هاى مذهبی به‌شمار می‌روند. همان‌طور که در ادامه همین فصل نیز بحث خواهد شد، مضمون کلی کتاب‌ها به‌گونه‌اى است که تولید ثروت مشروع را تا حدی مذموم و نامطلوب جلوه می‌دهد. به عبارتى حتى می‌تواند از پاره‌اى جهات بر سواد مالی تأثیر منفى نیز داشته باشد.

نکته ناامیدکننده دیگر این است که در مجموع، میانگین نمرات سواد مالی همه کسانى که در دوره‌هاى نهضت سوادآموزى شرکت کرده‌اند (دوره‌هاى سوادآموزى، انتقال و تحکیم) در قیاس با میانگین نمرات افرادى که هنوز وارد این دوره‌ها نشده و بی‌سواد محسوب می‌شوند، تفاوت معنادارى ندارد. بر اساس این قیاس کلی، شرکت در دوره‌هاى نهضت سوادآموزى، تأثیر معنادارى در افزایش ارتقاء سواد مالی افراد نداشته است. این یافته یادآور پژوهش اخیر واگنر (۲۰۱۵) است. او در پژوهش خود ۴۱ پژوهش را در خصوص اثربخشی آموزش سواد مالی به بزرگسالان، مورد مطالعه قرار داد و در انتها به این نتیجه رسید که نتایج پژوهش‌هاى قبلى همراه با تأیید و تردید است و قاطعانه نمى‌توان تأیید کرد که آموزش سواد مالی به بزرگسالان همواره اثربخش بوده است. در تحقیق حاضر نیز، این تأیید و تردید یا بیم و امید توأمان ملاحظه می‌شود. بخشى از این عدم موفقیت را می‌توان به برنامه درسى نهضت سوادآموزى یا محتواهاى آموزشى آن نسبت داد. (نقد و تحلیل کتاب‌هاى نهضت سوادآموزى در ادامه همین فصل آمده است.)

از دیگر یافته‌های پژوهش این است که سطح سواد مالی شهرنشینان بیشتر از روستاییان و میانسالان بیشتر از جوانان است. این یافته نیز با یافته‌های بسیار از پژوهش‌های خارجی هم‌راستاست. برای نمونه لوزاردی و میشل (۲۰۱۱) نشان داد که میزان سواد مالی در افرادی که در میانه دوره عمر خود هستند، بیشتر و در بین جوانان و پیران کمتر است. دلیل این امر را می‌توان به میزان تجربه افراد نسبت داد. زندگی در شهر غالباً تجربه غنی‌تری را در اختیار افراد قرار می‌دهد، به گونه‌ای که انتظار می‌رود در برخی جهات از جمله سواد مالی، تجارب شهرنشینان غنی‌تر باشد. طول عمر نیز عامل دیگری برای کسب تجربه است. ازاینرو نمره بالاتر افراد میانسال نسبت به جوانان منطقی و پذیرفتنی است.

تحلیل و نقد کتاب‌های نهضت سوادآموزی

همان‌طور که اشاره شد دیگر صرف مهارت خواندن و نوشتن نمی‌تواند به معنای باسوادی در نظر گرفته شود. محققان و نظریه‌پردازان تا کنون بیش از ۳۴ نوع سواد مفید و ضروری برای زندگی مدرن را شناسایی کرده‌اند (احمدی، امام جمعه، علیزاده، ۱۳۹۴). در این میان یونسکو شش سواد از جمله سواد مالی را از اصلی‌ترین انواع سواد به شمار می‌آورد. این سواد ممکن است از راهی به غیر از آموزش، از جمله به دلیل استعدادهای ذاتی، تجربه، مطالعه و مانند آن در فردی رشد کند. باوجود این، نظام‌های آموزشی نباید و نباید که در این خصوص بی‌تفاوت بوده و در برنامه‌های درسی خود منتظر اتفاقات خوشایند باشند.

یکی از راه‌های معمول که نظام‌های آموزشی از طریق آن برای تحقق اهداف و برنامه‌های خود تلاش می‌کنند، برنامه‌ریزی درسی، و تهیه متون و محتواهای آموزشی است. احمدی، امام جمعه و علیزادی کتلولئی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی» با روش تحلیل محتوا کتاب‌های دوره ابتدایی را در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که در دوره ابتدایی به مؤلفه‌های سواد مالی چندان توجه نشده است.

به‌طور خاص در مورد کتاب‌های غیردرسی نهضت سوادآموزی، میرحسینی و ارجمندنیا (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان دادند که هیچ یک از کتاب‌های غیردرسی که از سوی نهضت سوادآموزی در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد حاوی پیام‌های اقتصادی و مالی نیست.

اینکه چرا کتاب‌های آموزشی (چه در دوره ابتدایی و چه در نهضت سوادآموزی) به موضوع اقتصاد علاقه چندانی ندارند، به نوع نگاه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تربیتی بر می‌گردد. فضای حاکم بر نظام‌های آموزشی کشور، بیشتر فرهنگی، دینی، تربیتی و حتی سیاسی بوده است و چندان دور از انتظار نیست که چنین موضوعاتی در حاشیه قرار بگیرند. یکی از پژوهش‌های قابل تأمل در این زمینه، توسط الهامی (۱۳۹۶) به انجام رسیده است. این پژوهش حاکی از آن است که از نظر معاونین سوادآموزی ادارات کل آموزش و پرورش استان‌های کشور، رؤسا و کارشناسان ادارات کل، و همچنین آموزشگران دوره‌های مختلف سوادآموزی و سوادآموزان استان خراسان شمالی، پرداختن به «اقتصاد و تجارت» جزء آخرین اولویت‌های نهضت به شمار می‌رود. بنابراین، انتظار می‌رود که به تبع این نوع نگاه، کتاب‌های تدوین شده نیز در قبال سواد مالی و اقتصادی تنک‌مایه و خلوت باشند.

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کتاب‌های رسمی و غیررسمی دوره‌های سوادآموزی، انتقال و تحکیم که در جدول ۴-۱ نشان داده شده است حاکی از آن است که به‌طور هدفمند و حرفه‌ای، بحث سواد مالی در متون مورد نظر دنبال نشده است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، به‌طور محدود در خصوص دو مؤلفه «درآمد» و «خرید کالا و خدمات»، کتاب‌های دوره‌های نهضت اشارات و مطالب مفیدی داشته‌اند. اما از سبک و سیاق متن استنباط نمی‌شود که این مطالب، به‌طور خاص با هدف ارتقاء دانش و مهارت مالی و اقتصادی تنظیم شده باشند. غالب این مطالب صرفاً به موضوعات تولیدی، کشاورزی، خرید و فروش و مانند آن، در قالب ارائه مثال و تمرین پرداخته‌اند و هیچ یک به‌طور صریح و هدفمند به آموزش مفاهیم و مهارت‌های سواد مالی وارد نشده‌اند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، نکته مهم این است که «درباره» چیزی صحبت کردن یا به اهمیت آن پرداختن، اگرچه می‌تواند در جای خود مفید و مؤثر باشد، اما با «آموزش» آن بسیار متفاوت است.

به نظر نگارنده این کتاب‌ها تا حد زیادی ایدئولوژی‌زده هستند و مطالبی را پوشش می‌دهند که برای یک فرد بزرگسال نباید تازگی داشته و جنبه آموزشی داشته باشد. برای نمونه کتاب‌ها از تصاویر مربوط به جبهه و جنگ و نمادهای مقاومت بسیار استفاده کرده‌اند که البته در جای خود موجه و مفید هستند. اما نکته کلیدی این است که بسیاری از این مطالب را افراد از طرق مختلف به‌ویژه رسانه‌های جمعی شنیده و با آنها آشنا هستند. پرداختن به این دست مطالب و پوشش آنها در کتاب‌های درسی برای کودکان دبستانی توجیه دارد، اما برای بزرگسالان چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. این امر باعث خواهد شد که جا برای پرداختن به مباحث مفید و کاربردی چون، سواد مالی، کسب و کار و کارآفرینی تنگ باشد.

از دیگر نشانه‌های مدعای فوق این است که دلیل اعتیاد جوانان کشور، به‌طور کلی به دشمنان نسبت داده شده است. جالب آنکه همه اروپاییان، بدون نام بردن از یک کشور خاص، جزء دشمنان ایران معرفی شده‌اند. کلمات پرتکراری مانند بیگانگان، دشمنان، خودکفایی، استقلال و مانند آن، وجوه سیاسی و ایدئولوژی کتاب را پررنگ کرده است. نکته جالب دیگر آنکه از اسامی ایرانی تقریباً نامی برده نشده است. همه شخصیت‌های کتاب آنها که مثبت و خنثی هستند، از اسامی مذهبی برخوردارند. تنها در یک جا از نام فارسی «خسرو» استفاده شده است که آنها را برای اشاره به یک فرد رباخوار و منفی است.

کتاب‌های غیردرسی نهضت همگی کتاب‌های مذهبی هستند که عناوین مختلفی بر آنها نهاده شده است. در واقع موضوع و محتوای کتاب‌های «مدیریت خانواده»، «فارسی»، «علوم اجتماعی»، «فرهنگ اسلامی»، «آموزش قرآن»، «کلید رحمت»، «چراغ راه زندگی»، «آیین خوب زیستن»، «کسب و کار حلال در اسلام»، «کسب حلال»، «اقتصاد و فرهنگ در مدیریت خانواده» و «اقتصاد مقاومتی» همگی دینی و روایی است و با عناوین انتخاب شده برای آنها ارتباط وثیقی ندارند. کتاب‌های مذکور بیشتر حدیث-محور بوده و کمتر توانسته است آموزه‌های دینی را به شرایط و اقتضائات کنونی جامعه ارتباط دهد. در اکثر اوقات، آموزش صرفاً از طریق نقل احادیث یا آیات پیاپی پی‌گیری شده است.

در دل داستان‌های مختلف، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، مال اندوزی، برخورداری از مواهب و ثروت‌های دنیوی مذموم و مورد نکوهش قرار گرفته است. برای نمونه در یک حکایت از سعدی، ثروت را میراث فرعون و علم را میراث پیامبران برشمرده است. از طرف دیگر، به‌طور پیاپی، ساده‌زیستی، قناعت، صرفه‌جویی، پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی مورد تبلیغ قرار گرفته است. اگرچه در جای جای کتاب از تلاش و کار و آبادانی و استقلال سخن رفته است، اما در مجموع، کل کتاب‌های نهضت سوادآموزی، به‌طور ضمنی روی خوشی به تولید ثروت، کارآفرینی و مانند آن نشان نمی‌دهد. این امر احتمالاً به خاطر مخاطب‌شناسی نویسندگان کتاب باشد. مؤلفان کتاب‌ها می‌دانند یا فرض گرفته‌اند که خوانندگان کتاب‌های نهضت سوادآموزی، از اقشار مستضعف و کم‌درآمد جامعه هستند؛ به‌طوری که امید زیادی به بهبود وضعیت معیشت آنها نیست. ازاینرو، صلاح بر این است که به جای سخن گفتن از ارتقاء اقتصادی و تولید ثروت، از قناعت و ساده‌زیستی سخن گفته شود. جالب آنکه در چند جا، به مشکلات روحی، روانی، خانوادگی افراد ثروتمند نیز اشاره شده است و تأکید شده است که برخی از آنها از زندگی خود لذت نمی‌برند.

نکته دیگری که از تحلیل محتوای کتاب‌های نهضت حاصل می‌شود این است که در متون مذکور، به جای تأکید بر تلاش‌های فکری، طرح‌های اقتصادی و مالی بزرگ، کارآفرینی و مانند آن،

به‌طور ویژه بر تلاش‌های فردی و پرهیز از تنبلی و بیکاری تأکید شده است. منظور کتاب‌های نهضت از تلاش، تلاش‌های یدی و جسمی است. گویا پیش‌فرض کتاب‌ها این است که توانمندی مخاطبان یا بافتار زندگی آنها به‌گونه‌ای است که غالباً اهل کارهای ساده از جمله کارگری، کشاورزی، قالی‌بافی و مانند آن هستند و کاری بیش از آن از آنها ساخته نیست. با این وصف، عدم توجه کافی متون آموزشی نهضت سوادآموزی به سواد مالی و اقتصادی و تأکید صرف و ساده به تلاش‌های کارگری توجیه دارد و قابل فهم است.

همان‌طور که پیش از این در فصل چهار اشاره شد، برخی از این کتاب‌ها بیشتر به نصیحت‌نامه‌های ساده شبیه هستند که فهم مخاطب را دست کم انگاشته‌اند. شاید به خاطر ضعف کتاب‌ها و غیرآموزشی و غیرحرفه‌ای بودن آنهاست که حتی کتاب‌هایی مانند «کسب و کار حلال در اسلام»، «کسب حلال»، «اقتصاد و فرهنگ در مدیریت خانواده» و «اقتصاد مقاومتی» نیز نتوانسته است، سواد مالی افراد را در دوره تحکیم سواد ارتقاء دهد.

پیشنهادهات

با عنایت به یافته‌های این پژوهش و آنچه در صفحات قبل گذشت، می‌توان به اثربخشی دوره‌های سوادآموزی در خصوص آموزش سواد مالی به بزرگسالان به‌ویژه آن‌گونه که ژان، استیون، اندرسون و اسکات (۲۰۰۶) نشان داده‌اند، به بزرگسالان کم درآمد، امیدوار بود. اما این مهم اتفاق نمی‌افتد مگر آنکه برنامه‌ریزی‌های علمی و هدفمند در این رابطه به انجام برسد. پژوهش حاضر موارد زیر را پیشنهاد می‌دهد:

۱. اگر آموزش سواد مالی برای همه مهم و واجب است، برای جامعه هدف نهضت سوادآموزی، مهم‌تر و واجب‌تر است. اگر قرار است، سوادآموزی راهی برای اشتغال، رونق کسب و کار و برقراری عدالت در جامعه اسلامی باشد، باید محتوای کتاب‌های رسمی دوره‌های نهضت سوادآموزی، به‌طور خاص و حرفه‌ای به آموزش مفاهیم و مؤلفه‌های سواد مالی مبادرت کنند.

۲. تحلیل محتوای کتاب‌های نهضت نشان داد که دوره انتقال دوبرابر دیگر دوره‌ها، به سواد مالی و مسائل مربوط به کسب و کار پرداخته است. شاید به همین دلیل باشد که میانگین نمره سواد مالی سوادآموزان این دوره، به‌طور معناداری بیشتر از بقیه است.

۳. برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی باید این نکته کلیدی را بدانند که «درباره» اقتصاد، کسب و کار، کارآفرینی و اهمیت آنها صحبت و موعظه کردن با «آموزش» دادن آنها بسیار

متفاوت است. نظام آموزشی در این خصوص تجارب ناموفق فراوانی را پیش رو دارد. برای نمونه سال‌هاست که نظام آموزشی درباره زبان انگلیسی، درباره زبان عربی، مطالبی را به دانش آموزان آموخته است، ولی آنها را آموزش نداده است. از اینروست که ساعت‌ها کلاس زبان انگلیسی و عربی، باعث نشده است که دانش‌آموختگان مقطع متوسطه توانایی یک مکالمه ساده به دو زبان مذکور را داشته باشند. شرط نخست و مهم آموزش سواد مالی نیز تألیف و تدوین کتاب‌های آموزشی حرفه‌ای در این زمینه است.

۴. به جای ارائه کتاب‌های ضعیف و غیرحرفه‌ای چون «کسب و کار حلال در اسلام»، «کسب حلال»، «اقتصاد و فرهنگ در مدیریت خانواده» و «اقتصاد مقاومتی»، می‌توان از متخصصین سواد مالی، طراحان آموزشی و متخصصین تکنولوژی آموزشی خواست که کتاب‌های علمی و حرفه‌ای در زمینه راه‌اندازی کسب و کار، کارآفرینی، خوداشتغالی، سواد مالی و مانند آن تدوین کنند.

۵. همان‌طور که برخی پژوهش‌ها از جمله اکسانهام، دیالو، کاتاهویر، پتکو-مونگی (۲۰۰۲، ۴۲، ۴۳) نشان داده‌اند، سیاست آموزش شغلی باید مبتنی بر نیازهای ویژه محلی باشد تا به بهره‌وری، درآمد و رفاه بیشتر منجر شود. از اینرو باید به تهیه متون و محتوایی مبادرت کرد که خاص هر منطقه (در اینجا خراسان شمالی) باشد. تمرکز بر رشد قابلیت‌های منطقه‌ای و محلی برای بهبود معیشت افراد بی‌سواد، یک شرط اساسی است که نهضت سوادآموزی باید مد نظر قرار دهد. به‌طور خاص، خراسان شمالی می‌تواند به کمک متخصصان و طراحان آموزشی برجسته به تدوین کتاب‌ها یا محتوای آموزشی حرفه‌ای (چاپی یا الکترونیکی) در خصوص سواد مالی، کسب و کار و کارآفرینی مبادرت کند. این محتواها، باید خاص خراسان شمالی و مخاطبان آن (با اکثریت زنان و روستاییان) باشد و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل منطقه را هدف قرار دهد. توصیه می‌شود که نهضت سوادآموزی در آینده انتشار کتاب‌های غیرآموزشی و اطلاعات-محور مانند «آشنایی با مکان‌های مذهبی خراسان شمالی» و «آشنایی با مکان‌های گردشگری خراسان شمالی» را که متولیان خاص خود را دارا هستند، از دستور کار خارج کرده و انتشار کتاب‌های آموزشی در زمینه ارتقاء کسب و کار را در دستور کار قرار دهد.

۶. به‌طور خاص در خراسان شمالی، آموزش سواد مالی به جوانان و ساکنان مناطق روستایی باید در اولویت باشد.
۷. شهرستان اسفراین دارای کمترین میزان سواد مالی است. اگر انجام اقدامات درازمدت، میسر نباشد در کوتاه مدت شاید بتوان با طراحی و برگزاری دوره‌های آموزشی یا کارگاه‌های خاص، این فاصله را تاحدی جبران کرد.
۸. تهیه متون آموزشی - هرچند عالی - بدون بهره گرفتن از روش‌های تدریس و آموزش اثربخش و تعاملی، چندان مقرون به نتیجه نخواهد بود. پیشنهاد می‌شود که آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی، از طرق مختلف با مباحث سواد مالی، خوداشتغالی، طرح‌های کسب و کار، کارآفرینی و مانند آن آشنا شده و در تدریس خود از شیوه‌های علمی، فعال و تعاملی بهره بگیرند.
۹. در فصل دوم، استانداردهای آموزش سواد مالی از منابع به روز و معتبر استخراج شده است. این استانداردها می‌تواند مبنای مطمئنی برای تدوین کتاب، طراحی کارگاه و تدریس باشد.

محدودیت‌ها

با عنایت به حسن اعتماد و همکاری همه جانبه کارفرمای محترم - معاونت سوادآموزی خراسان شمالی - این پژوهش با محدودیت خاصی روبرو نبود. با وجود این، بدیهی است که هر پژوهش با موانع و چالش‌های اجرای و غیراجرائی پیش‌بینی نشده مواجه است. مهم‌ترین مشکلی که این پژوهش داشت، این بود که افراد از ارائه اطلاعات خواسته شده در قسمت دموگرافیک خودداری کرده بودند. برای نمونه تنها حدود ۱۰۰ نفر میزان درآمد خود را ثبت کرده بودند. همچنین تعداد کثیری، سن، تعداد اعضای خانوار، مدت زمان اشتغال و مانند آن را بی‌پاسخ گذاشته بودند. همین امر مانع از آن شد که بتوان تحلیل رگرسیونی و آزمون‌های مربوط به آن را انجام داد.

- احمدی، غلامعلی، امام جمعه، سیدمحمدرضا، علیزاده کتنلوئی (۱۳۹۴). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال دوازدهم، دوره دوم، شماره ۲۰، زمستان، ۱۹۲-۱۷۹.
- احمدی، غلامعلی، امام جمعه، سیدمحمدرضا، علیزاده کتنلوئی، لیلا (۱۳۹۴). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتابهای درسی دوره ابتدایی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال ۱۲، شماره ۲، زمستان، ۱۹۲-۱۷۹.
- اسلامی بیدگلی، سعید، کریمخانی، میثم (۱۳۹۴). چیستی، ضرورت و تعریف سواد مالی، اقتباس در تاریخ ۹۷/۱/۲۴ از نشانی زیر: <http://asremali.ir/fa/news/2464>
- اسلامی بیدگلی، سعید، کریمخانی، میثم (۱۳۹۵). سواد مالی: زمینه‌های سیاسی- اقتصادی پیدایش و جایگاه آن در اقتصاد بازار. مجله تحقیقات مالی، دوره ۱۸، شماره ۲: صص ۲۷۴-۲۵۱.
- اگلستون، جان (۱۳۸۴). تدریس و یادگیری طراحی و تکنولوژی، ترجمه داریوش نوروزی و حسین اسکندری، تهران: انتشارات ژنگ.
- امین‌زاده، جمشید (۱۳۹۵). نگاهی به وضعیت سوادآموزی در ایران و جهان در هزاره سوم؛ سوادآموزی، بستر توسعه پایدار، اقتباس شده در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۵ از نشانی <http://parstoday.com/fa/iran-i12127>
- باقری، خسرو (۱۳۷۷). تربیت حرفه‌ای در بستر دیدگاه اسلام. مجله حقوقی دادگستری، ۱۴-۱۵، ۶۱-۴۶.
- باقری، خسرو (۱۳۷۷). تربیت حرفه‌ای در بستر دیدگاه اسلام، حوزه و دانشگاه، شماره ۱۴ و ۱۵.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بدری گرگری، رحیم، وجدانپرست، حسین، حاتمی، جواد، واحدی، شهرام (۱۳۹۰). ارزیابی فرایند اجرای طرح آزمایشی برنامه درسی جدید دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی، پژوهش‌های برنامه درسی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان.
- بررسی علل رجعت به بی‌سوادی در سوادآموختگان دوره سوادآموزی و معادل آن در کشور از سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۰.
- حکیم زاده، رضوان، قربانی، حسین، ملکی، عباس، سهرابی، حیدر، دستجردی، محمد (۴). بررسی علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی کشور، سازمان نهضت سوادآموزی کشور.
- خدادادکاشی، فرهاد، جاویدی، ابراهیم (۱۳۹۱). اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر در مناطق شهری و روستایی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۸۳-۱۰۷.
- دهقانی، مرضیه، انصاری، عبدالله، قیصر، اردشیر (۱۳۹۴). ارزشیابی از اجرای برنامه پنج ساله سوادآموزی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳. سازمان نهضت سوادآموزی کشور.

- دیانتی دیلمی، زهرا، حنیفه‌زاده، محمد (۱۳۹۴). بررسی سطح سواد مالی خانواده‌های تهرانی و عوامل مرتبط با آن. فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال هشتم، شماره ۲۸: صص ۱۱۵-۱۳۹.
- سازمان نهضت سوادآموزی (۱۳۹۳). برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم.
- سرمد و همکاران (۱۳۷۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- سرمد، زهره، حجازی، الهه و عباس بازرگان (۱۳۹۰). روش تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه.
- سعادت‌نیا، شامیر، ابوطالب (۱۳۹۶). بررسی راهکارهای نگهداشت سوادآموزان در کلاس‌های سوادآموزی. اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان شمالی. معاونت نهضت سوادآموزی خراسان شمالی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی آموزش و پرورش.
- سی‌سامز، گیل (۱۳۹۲). تأثیرات بی‌سوادی در کسب و کار، ترجمه فرض الله عزیزی، اقتباس از <http://www.farzollah.blogfa.com/post/29>
- شعبان‌زاده، مهدی، محمدی، حمید، اسفنجاری‌کناری، رضا، دهباشی، وحید (۱۳۹۴). ارتباط کمی بین فقر، آموزش و تولید ناخالص داخلی ایران طی سالهای ۸۹-۱۳۶۳، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پانزدهم، شماره ۵۸، ۳۷-۶۱.
- طغیانی، مهدی، مرادی باصیری، امین (۱۳۹۵). تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش عمومی سواد مالی از منظر اقتصاد اسلامی. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره دوم: صص ۲۲۷-۲۶۰.
- عرب‌مازار، عباس، حسینی‌نژاد، سیدمرتضی (۱۳۸۳). عوامل موثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان، صفحه ۶۷-۹۴.
- علمی، زهرا، علی‌تبار، فهیمه (۱۳۹۱). اثر آموزش و بعد خانوار بر احتمال خروج از فقر در مناطق شهری ایران در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۰۹-۱۴۱.
- فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، بخش دوم (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- قالمق، کریم، یعقوب‌نژاد، احمد، فلاح شمس، میرفیض (۱۳۹۵). تأثیر سواد مالی بر تورش‌های رفتاری سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران. مجله چشم‌انداز مدیریت مالی، شماره ۱۶: صص ۷۶-۹۴.
- کیوساکی، رابرت (۱۳۹۳). افزایش هوش مالی شاهراه ثروت: پولتان را هوشمندانه مدیریت کنید، ترجمه ناهید سپهرپور، تهران: آوین.
- گال‌مردیت، والتر بورگ و جویس گال، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (۱۳۸۲). ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران، سمت با همکاری دانشگاه شهید بهشتی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۴). کیمیای محبت: یادنامه مرحوم شیخ رجبعلی خیاط (نکوگویان)، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.

- مخاطب، محمد، قدرتی، مهدی، رضاپورلاکانی، سپیده (۱۳۹۲). تحلیل محتوای شاخص‌های یادگیری کتابهای آموزشی گروه‌های مطالعات پیگیر سواد سازمان نهضت سوادآموزی، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۹، شماره ۲، ۱۰۹-۱۲۹.
- مهربانی، وحید (۱۳۸۷). تأثیر آموزش بر فقر و نابرابری درآمدها، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۳، شماره ۱، تابستان، ۱-۱۵.
- میرحسینی، زهره، ارجمندنی، علی اکبر (۱۳۸۷). تحلیل محتوای کتابهای غیردرسی فراگیران نهضت سوادآموزی شهر تهران، فصلنامه دانش شناسی، سال ۱، شماره ۱، ۹۷-۱۱۴.
- نوفرستی، محمد (۱۳۸۶). آمار در اقتصاد و بازرگانی، جلد دوم، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نووا، آنه (۱۳۹۶). تحول در دروس دبیرستانی، اقتباس از باشگاه اقتصاددانان، به نشانی <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3357200>
- الهامی، حمیدرضا (۱۳۹۵). نیازهای آموزشی سوادآموزان خراسان شمالی، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان شمالی.
- یزدانی، نورگلدی (۱۳۹۵). تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان شمالی.
- یعقوب‌نژاد، احمد، نیکومرام، هاشم، معین‌الدین، محمود (۱۳۹۰). ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایران با استفاده از روش دلفی فازی. مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، شماره هشتم: صص ۱-۲۳.
- Council for Economic Education (2013). National Standards for Financial Literacy. 1st Financial Bank Publishing, USA.
- Eskandari Hossein (2016). Lost Skills in Vocational Training in Iran, Journal of Technical and Vocational Education, 1, 1, 17-25.
- Holloway I, Wheeler S. (2002). Qualitative Research for Nurses, 2th edition. Oxford: Black Well Science.
- Julius, Maiyo K., Bawane, Jyoti (2011). Education and poverty, relationship and concern: a case for Kenya, Problems of education in the 21th century, 32, 72-85.
- Jump\$tart Coalition for Personal Financial Literacy (2007). National Standards in K-12 Personal Finance Education. 3rd Edition.
- Lusardi, A., Mitchell, Olivia S. (2011). "Financial Literacy Around the World: An Overview". NBER Working Paper No. 17107. NBER Publishing.
- Mahmoudi, Vahid (2011). Poverty Changes during the Three Recent Development Plans in Iran, 1995-2007, African and Asian Studies, ۱۰, ۱۰, ۱۵۷-۱۸۰.
- Mahmoudi, Vahid (2011). Poverty Changes during the Three Recent Development Plans in Iran (1995-2007) ,African and Asian Studies, 10,3,157-180.
- Morse JM. (1998). Designing funded qualitative research. In: Denzin, N.K., & Lincoln, Y.S. Strategies

- National Report (2008). Adult education and learning in china: development and present situation, Chinese National Commission for Unesco & Chinese Adult Education Association.
- Njong, Aloysius, M. (2010). The effect of educational attainment on poverty reduction in Cameroon, Journal of education administration and policy studies, 2. 1. 001-008.
- OECD (2005). Improving Financial Literacy: Analysis of Issues and Policies. OECD Publishing.
- Oxenham, J. Diallo, A.H., Katahoire, A.R., Petkova-Mwangi, A., Sall, O. (2002). Skills and Literacy Training for Better Livelihoods, Africa region Human Development Working Paper Series, African Region the World Bank.
- Schwab, Klaus (2018). The Global Competitiveness Report 2017-2018, World Economic Forum.
- Stambler, Leah G. (2013). Literacies for the Digital Age to Teach in the K-12 Classroom, 13. Economic Literacy. Developed for the Pier Institute: Global Youth in The Digital Age Yale University, July 8-12, 2013. Retrieved at 13.4.2018 from https://pier.macmillan.yale.edu/sites/default/files/files/Global%20Youth%20in%20the%20Digital%20Age/13_%20ECONOMIC%20LITERACY.pdf.
- UNESCO (2006). Literacy for life, EFA Global Report, Paris: UNESCO
- UNESCO (2015). Recommendation on Adult Learning and Education, Printed in France.
- Wanger, Jamie, F. (2015). An Analysis of The Effects of Financial Education on Financial Literacy and Financial Behaviors, A dissertation Presented to faculty of the Graduate College at the University of Nebraska In Partial Fulfillment of requirements for the Degree of doctor of philosophy.
- Xu, L., Zia, B. (2012). "Financial Literacy around the World: An Overview of the Evidence with Practical Suggestions for the Way Forward". The World Bank Working Paper No. 6107. World Bank Publishing.
- Zhan, Min, Steven G. Anderson, & Scott, Jeff (2006). Financial knowledge of the low-income population: Effects of a financial education program. Journal of Sociology & Social Welfare 33 (1): 53-74.
- Zoufa, C.C. (2011). Literacy: A Veritable Tool for Improving Livelihood in Nigeria, Asian Socail Science, 7, 8, 159-163.

پیوست‌ها

۱. پرسشنامه سواد مالی

۲. نتایج آزمون‌های آماری با استفاده از نرم افزار Stata13

هو الحکیم

سوادآموز گرامی سلام،

شما در یک کار تحقیقاتی شرکت کرده‌اید. لطفاً سوالات را با دقت و صداقت پر کنید. پرسشنامه‌ها بدون نام و نام خانوادگی و محرمانه است.

آموزش‌دهنده گرامی سلام،

* سوالات این پرسشنامه مربوط به سواد مالی و توانمندی‌های کسب و کار است. در کتاب‌های نهضت سوادآموزی این مطالب نیامده است؛ بنابراین انتظار نمی‌رود که سوادآموزان بتوانند به همه آنها پاسخ درست بدهند. به عبارت دیگر درست یا غلط بودن پاسخ‌ها هیچ ربطی و تأثیری در ارزیابی از آموزش‌دهندگان یا سوادآموزان ندارد. از اینرو خواهشمندیم که ترتیبی اتخاذ فرمایید که فقط و فقط خود سوادآموزان به سوالات پاسخ دهند و کس دیگری به آنها کمک نکند. اگر دیگران در پاسخ دادن به سوادآموزان کمک کنند، همه هزینه‌های ما هدر می‌رود.

* لطفاً سوالات را برای افراد بی‌سواد بخوانید و اگر توضیحی لازم داشت، ارائه فرمایید، اما به هیچ‌وجه پاسخ درست را در اختیار آنها قرار ندهید. پیشاپیش از شما سپاسگزاریم. خدا خیرتان دهد.

۱. سن:
۲. تأهل: ☐ مجرد ☐ متأهل
۳. جنسیت: ☐ زن ☐ مرد
۴. محل سکونت: ☐ روستایی ☐ شهری
۵. وضعیت تحصیلی:
۶. بی‌سواد (آغاز سوادآموزی) ☐ سوادآموزی ☐ انتقال ☐ تحکیم
۶. اگر در مراکز یادگیری زیر دوره‌ای را گذرانده‌اید، یا مشغول هستید، لطفاً علامت بزنید.

☐ فاروج/روستای مرغزار	☐ اسفراین/روستای فرطان	☐ رازوجرگلان/روستای امانلی
☐ بجنورد/زندان	☐ شیروان	☐ هیچکدام
۷. تعداد اعضای خانوار شما:
۸. آیا سرپرست خانوار هستید؟ ☐ آری ☐ خیر
۹. اگر سرپرست خانوار هستید، چند نفر تحت تکفل شما هستند:
۱۰. شغل شما چیست؟

☐ خانه دار	☐ بیکار	☐ کارگر	☐ کشاورز یا دامدار	☐ صنعت‌گر
☐ بازاری	☐ کارمند	☐ بازنشسته	☐ قالی بافی	☐ سایر
- مشاغل، نام ببرید:
۱۱. چند سال است که به شغل بالا، اشتغال دارید؟
۱۲. چند سال است که خانه‌دار یا بیکار هستید؟
۱۳. اگر شاغل هستید، در حال حاضر درآمد ماهیانه شما به‌طور متوسط چقدر است؟

☐ کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	☐ بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان	☐ بین ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان
☐ بین ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان	☐ بین ۲ تا ۳ میلیون تومان	☐ بیش از ۳ میلیون تومان

پرسشنامه سواد مالی و توانمندی کسب و کار

۱. آیا فکر می‌کنید سخت کار کردن و بیشتر کار کردن، مشکلات مالی شما را حل می‌کند؟

- ☐ بله
☐ خیر
☐ تاحدی

۲. فرض کنید که شغل خوبی دارید. این شغل چه تأثیری بر ثروتمند شدن شما دارد؟

- ☐ هیچ تأثیری ندارد.
☐ تا حدودی تأثیر دارد.
☐ تأثیر خیلی زیادی دارد.

۳. اگر به یک مشکل مالی برخوردید، چه کار می‌کنید؟

- ☐ سعی می‌کنم خودم آن را حل کنم.
☐ از دیگران کمک می‌گیرم.
☐ توانایی حل آن را نخواهم داشت.

۴. نگاه شما به مشکلات مالی چگونه است؟

- ☐ مشکلات مالی فرصتی است تا توانایی‌های خودم را نشان دهم. آنها را حل می‌کنم.
☐ مشکلات مالی را از طریق درس خواندن و تحصیلات می‌توان حل کرد.
☐ مشکلات مالی باعث رنج هستند.

۵. چطور پول خود را خرج می‌کنید؟

- ☐ سعی می‌کنم مقداری از پول را کنار بگذارم و با مقدار معین پول به بازار می‌روم.
☐ از روی حساب و کتاب و با برنامه خرج می‌کنم؛ نه از روی احساسات.
☐ کنترلی بر پول خرج کردن ندارم و هر چه داشته باشم خرج می‌کنم.

۶. فرض کنید پول اضافه‌ای به دستتان رسیده، اولویت شما برای خرج آن کدام است؟

- ☐ اول بدهی‌ها را پرداخت می‌کنم، سپس همه‌چیز را نو می‌کنم؛ لباس نو، کفش نو، لوازم منزل نو و ...

☐ در یک جای خوب سرمایه‌گذاری می‌کنم. و از سود حاصل از این سرمایه‌گذاری، بدهی‌هایم را پرداخت می‌کنم.

☐ مقداری از بدهی‌هایم را می‌دهم؛ و برای تفریح به سفر می‌روم.

۷. آیا برای به دست آوردن پول بیشتر، حاضر هستید کارهایی چون کارگری، فروشندگی، کارهای خدماتی و ... انجام دهید؟

- ☐ خیر به هیچ وجه.
☐ شاید انجام دهم.
☐ بله انجام می‌دهم. کار کردن عار نیست.

۸. فرض کنید که ورشکسته شده‌اید، آن وقت چه کار می‌کنید؟

☐ در هر کسب‌وکاری احتمال ورشکستگی وجود دارد، حتماً راهی وجود دارد.

☐ افسرده می‌شوم و دست از کار می‌کشم.

☐ نمی‌دانم چه کار کنم شاید به فکر فروش دارایی‌هایم بیفتم.

۹. درآمد ماهیانه را چگونه خرج می‌کنید؟

☐ سعی می‌کنم پولم را در موارد ضروری خرج کنم.

☐ در خرج کردن برنامه‌ی خاصی ندارم.

☐ برای خرج ماهیانه برنامه‌ریزی می‌کنم.

۱۰. فرض کنید که می‌خواهید کالایی را بخرید اما پول شما کافی نیست، چه کار می‌کنید؟

☐ سعی می‌کنم پول آن را جور کنم.

☐ مشابه و ارزان‌تر از آن را پیدا می‌کنم و می‌خرم.

☐ از خریدش منصرف می‌شوم.

۱۱. «هزینه» چیست؟

☐ پولی است که به دیگران پرداخت می‌کنم تا کاری را برای من انجام دهند.

☐ پولی است که در بانک دارم.

☐ سودی است که دریافت می‌کنم.

۱۲. «پس‌انداز» چیست؟

☐ قسمتی از درآمد است که خرج نمی‌شود.

☐ به هزینه‌های زندگی پس‌انداز می‌گویند.

☐ هزینه‌های بی‌موردی است که پول را هدر می‌دهد.

۱۳. کدامیک از موارد زیر را نمی‌توان «پول» به حساب آورد؟

☐ پول نقد

☐ سکه‌های طلا

☐ سند خانه

۱۴. کدام یک از مشاغل زیر یک کار خدماتی است؟

☐ دامداری

☐ کشاورزی

☐ آرایشگری

۱۵. به کارتی که به وسیله آن خرید می‌کنید و دیگر نیازی به پرداخت پول نقد نیست، چه

می‌گوییم؟

☐ کارت‌های اعتباری (کارت هدیه یا عابر بانک)

☐ کارت ملی

☐ کارت هوشمند

۱۶. به فردی که از شما کالایی می‌خرد چه می‌گویند؟

☐ فروشنده

☐ مشتری

☐ تولیدکننده

۱۷. از کدامیک از مراکز زیر نمی‌توانید وام بگیرید؟

☐ بانک‌های دولتی

☐ صندوق‌های قرض الحسنه

☐ فروشگاه‌های زنجیره‌ای

۱۸. کدام گزینه زیر «درآمد» به حساب نمی‌آید؟

☐ حقوق و دستمزد

☐ یارانه

☐ اقساط وام

۱۹. فرض کنید که می‌خواهید یک چرخ گوشت ۱۲۰ هزار تومانی بخرید. اگر هر هفته ۱۰ هزار

تومان کنار بگذارید، چند هفته طول می‌کشد که همه پول فراهم شود؟

☐ ۱۱ هفته

☐ ۱۲ هفته

☐ ۱۳ هفته

۲۰. در کدام یک از موارد زیر یک کالا مبادله می‌شود؟

☐ مراجعه به آرایشگاه

☐ خرید یک دوچرخه

☐ شرکت در کلاس سوادآموزی

۲۱. از بین افراد زیر چه کسی «مسئولیت‌پذیرتر» است؟

☐ زهرا خیاط است. او معمولاً نمی‌تواند کارها را به موقع تحویل دهد، اما از مشتریان عذرخواهی می‌کند.

☐ آرش مغازه‌دار است. روی شیشه مغازه بزرگ نوشته است، جنس فروخته شده پس گرفته نمی‌شود.

☐ عبدالرضا دامدار است. شیر و کره‌اش آنقدر کیفیت دارد که مشتری برایش صف می‌کشد.

۲۲. در کدام یک از موارد زیر یک معامله «نسیه» اتفاق می‌افتد؟

☐ حاج عباس با تراکتور خود زمین همسایه را شخم زد و به جای پول نقد، چند کیسه گندم گرفت.

☐ قرار شد میرزامحمد، بعد از دوماه، پول یخچال را به فروشنده پرداخت کند.

☐ مریم، پارچه را تحویل گرفت و پنجاه هزار تومان به باز پرداخت کرد.

۲۳. کدامیک از افراد زیر یک «مصرف‌کننده» است؟

☐ قالی‌باف

☐ مشتری مغازه

□ آهنگر

۲۴. فرض کنید ۲ میلیون تومان پول دارید و می‌خواهید در یک حساب بانکی کوتاه‌مدت،

سپرده‌گذاری کنید. در کدام حالت سود بیشتری نصیب شما می‌شود؟

□ سپرده‌گذاری شش ماهه با نرخ سود ۵ درصد.

□ سپرده‌گذاری یک ساله با نرخ سود ۱۰ درصد.

□ سپرده‌گذاری دو ساله با نرخ ۲۰ درصد.

پیوست- نتایج آزمون‌های آماری با استفاده از نرم افزار Stata13

آزمون برابری میانگین نمره سواد مالی افراد باسواد و بی‌سواد.

```
. ttest flscore, by( education )
```

Two-sample t test with equal variances

Group	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
illitera	127	11.77433	.2522113	2.842277	11.27521	12.27345
literate	513	11.96041	.1292172	2.926705	11.70655	12.21427
combined	640	11.92348	.1149842	2.908896	11.69769	12.14928
diff		-.1860787	.2884404		-.7524859	.3803286

```
diff = mean(illitera) - mean(literate)          t = -0.6451
Ho: diff = 0                                degrees of freedom = 638
```

```
Ha: diff < 0                                Ha: diff != 0                                Ha: diff > 0
Pr(T < t) = 0.2595                        Pr(|T| > |t|) = 0.5191                        Pr(T > t) = 0.7405
```

آزمون ویلکاکسون برای برابری نمره سواد مالی افراد باسواد و بی‌سواد.

Two-sample Wilcoxon rank-sum (Mann-Whitney) test

education	obs	rank sum	expected
illiterate	127	39374.5	40703.5
literate	513	165745.5	164416.5
combined	640	205120	205120

unadjusted variance 3480149.25

adjustment for ties -28290.57

adjusted variance 3451858.68

```
Ho: flscore(educat~n==illiterate) = flscore(educat~n==literate)
```

```
z = -0.715
```

```
Prob > |z| = 0.4744
```

آزمون t یک نمونه ای (فرضیه صفر: میانگین سواد مالی برابر ۱۱,۹۲ است).

آزمون t یک نمونه ای (فرضیه صفر: میانگین سواد مالی برابر ۱۱,۶۷ است).

```
. by edu: ttest flscore==11.9262
```

```
-> edu = Bisavad
```

```
One-sample t test
```

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	127	11.77433	.2522113	2.842277	11.27521	12.27345

```
mean = mean(flscore)                                t = -0.6022
Ho: mean = 11.9262                                degrees of freedom = 126
```

```
Ha: mean < 11.9262          Ha: mean != 11.9262          Ha: mean > 11.9262
Pr(T < t) = 0.2741          Pr(|T| > |t|) = 0.5482          Pr(T > t) = 0.7259
```

```
-> edu = Enteghal
```

```
One-sample t test
```

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	219	12.54411	.1967979	2.912343	12.15624	12.93198

```
mean = mean(flscore)                                t = 3.1398
Ho: mean = 11.9262                                degrees of freedom = 218
```

```
Ha: mean < 11.9262          Ha: mean != 11.9262          Ha: mean > 11.9262
Pr(T < t) = 0.9990          Pr(|T| > |t|) = 0.0019          Pr(T > t) = 0.0010
```

```
-> edu = SavadAmoozi
```

```
One-sample t test
```

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	210	11.58857	.1947756	2.822567	11.20459	11.97255

```
mean = mean(flscore)                                t = -1.7334
Ho: mean = 11.9262                                degrees of freedom = 209
```

```
Ha: mean < 11.9262          Ha: mean != 11.9262          Ha: mean > 11.9262
Pr(T < t) = 0.0422          Pr(|T| > |t|) = 0.0845          Pr(T > t) = 0.9578
```

```
-> edu = Tahkim
```

```
One-sample t test
```

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	84	11.36821	.3254331	2.982643	10.72094	12.01549

```
mean = mean(flscore)                                t = -1.7146
Ho: mean = 11.9262                                degrees of freedom = 83
```

```
Ha: mean < 11.9262          Ha: mean != 11.9262          Ha: mean > 11.9262
Pr(T < t) = 0.0451          Pr(|T| > |t|) = 0.0902          Pr(T > t) = 0.9549
```

```
.
```

```
. by edu: ttest flscore==11.676
```

```
-> edu = Bisavad
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	127	11.77433	.2522113	2.842277	11.27521	12.27345

```
mean = mean(flscore)                                t = 0.3899
Ho: mean = 11.676                                degrees of freedom = 126
```

```
Ha: mean < 11.676          Ha: mean != 11.676          Ha: mean > 11.676
Pr(T < t) = 0.6514          Pr(|T| > |t|) = 0.6973          Pr(T > t) = 0.3486
```

```
-> edu = Enteghal
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	219	12.54411	.1967979	2.912343	12.15624	12.93198

```
mean = mean(flscore)                                t = 4.4112
Ho: mean = 11.676                                degrees of freedom = 218
```

```
Ha: mean < 11.676          Ha: mean != 11.676          Ha: mean > 11.676
Pr(T < t) = 1.0000          Pr(|T| > |t|) = 0.0000          Pr(T > t) = 0.0000
```

```
-> edu = SavadAmoozi
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	210	11.58857	.1947756	2.822567	11.20459	11.97255

```
mean = mean(flscore)                                t = -0.4489
Ho: mean = 11.676                                degrees of freedom = 209
```

```
Ha: mean < 11.676          Ha: mean != 11.676          Ha: mean > 11.676
Pr(T < t) = 0.3270          Pr(|T| > |t|) = 0.6540          Pr(T > t) = 0.6730
```

```
-> edu = Tahkim
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	84	11.36821	.3254331	2.982643	10.72094	12.01549

```
mean = mean(flscore)                                t = -0.9458
Ho: mean = 11.676                                degrees of freedom = 83
```

```
Ha: mean < 11.676          Ha: mean != 11.676          Ha: mean > 11.676
Pr(T < t) = 0.1735          Pr(|T| > |t|) = 0.3470          Pr(T > t) = 0.8265
```

```
.
```

آزمون برابری میانگین نمره سواد مالی بین ساکنان شهر و روستا.

```
. ttest flscore, by ( habitance )
```

Two-sample t test with equal variances

Group	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
Urban	171	13.14368	.1563224	2.044181	12.8351	13.45227
Villager	430	11.46651	.1488577	3.086779	11.17393	11.75909
combined	601	11.94371	.1194148	2.927491	11.70919	12.17823
diff		1.677173	.2558706		1.17466	2.179685

```
diff = mean(Urban) - mean(Villager)          t = 6.5548
Ho: diff = 0                                degrees of freedom = 599
```

```
Ha: diff < 0                                Ha: diff != 0                                Ha: diff > 0
Pr(T < t) = 1.0000                        Pr(|T| > |t|) = 0.0000                        Pr(T > t) = 0.0000
```

آزمون ویلکاکسون برای برابری نمره سواد مالی ساکنان شهر و روستا.

```
. ranksum flscore, by( habitance )
```

Two-sample Wilcoxon rank-sum (Mann-Whitney) test

habitanace	obs	rank sum	expected
Urban	171	63015	51471
Villager	430	117886	129430
combined	601	180901	180901

```
unadjusted variance 3688755.00
```

```
adjustment for ties -29739.89
```

```
adjusted variance 3659015.11
```

```
Ho: flscore(habita~e==Urban) = flscore(habita~e==Villager)
```

```
z = 6.035
```

```
Prob > |z| = 0.0000
```

آزمون برابری میانگین نمره سواد مالی بین افراد میانسال و جوان.

```
. ttest flscore, by ( agerangel )
```

Two-sample t test with equal variances

Group	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
Old	337	12.27493	.1644419	3.018751	11.95146	12.59839
Young	266	11.60053	.1669256	2.722474	11.27186	11.9292
combined	603	11.97743	.1184565	2.908825	11.74479	12.21007
diff		.6743995	.2371809		.2085954	1.140204

```
diff = mean(Old) - mean(Young)          t = 2.8434
Ho: diff = 0                            degrees of freedom = 601
```

```
Ha: diff < 0          Ha: diff != 0          Ha: diff > 0
Pr(T < t) = 0.9977    Pr(|T| > |t|) = 0.0046    Pr(T > t) = 0.0023
```

آزمون ویلکاکسون برای برابری نمره سواد مالی افراد پیر و میانسال و جوان.

```
. ranksum flscore, by( agerangel )
```

Two-sample Wilcoxon rank-sum (Mann-Whitney) test

agerangel	obs	rank sum	expected
Old	337	109349.5	101774
Young	266	72756.5	80332
combined	603	182106	182106

```
unadjusted variance 4511980.67
```

```
adjustment for ties -37456.65
```

```
adjusted variance 4474524.02
```

```
Ho: flscore(ageran~1==Old) = flscore(ageran~1==Young)
```

```
z = 3.581
```

```
Prob > |z| = 0.0003
```

آزمون برابری میانگین نمره سواد مالی بین افراد مجرد و متأهل

```
. ttest flscore, by ( marriage )
```

Two-sample t test with equal variances

Group	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
Married	551	11.9453	.123307	2.894432	11.70309	12.18751
Single	79	11.83443	.3436168	3.054132	11.15034	12.51852
combined	630	11.9314	.1160431	2.912658	11.70352	12.15928
diff		.1108691	.350656		-.5777312	.7994694

```
diff = mean(Married) - mean(Single)          t = 0.3162
Ho: diff = 0                                degrees of freedom = 628
```

```
Ha: diff < 0                                Ha: diff != 0                                Ha: diff > 0
Pr(T < t) = 0.6240                          Pr(|T| > |t|) = 0.7520                          Pr(T > t) = 0.3760
```

آزمون ویلکاکسون برای برابری نمره سواد مالی افراد مجرد و متأهل.

```
. ranksum flscore, by( marriage )
```

Two-sample Wilcoxon rank-sum (Mann-Whitney) test

marriage	obs	rank sum	expected
Married	551	174209	173840.5
Single	79	24556	24924.5
combined	630	198765	198765

```
unadjusted variance 2288899.92
```

```
adjustment for ties -18514.41
```

```
adjusted variance 2270385.51
```

```
Ho: flscore(marriage==Married) = flscore(marriage==Single)
```

```
z = 0.245
```

```
Prob > |z| = 0.8068
```

آزمون برابری میانگین نمره سواد مالی بین شهرستان‌های مختلف استان

```
. by city: ttest flscore==11.67
```

```
-> city = Bojnord
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	261	11.81307	.1732352	2.798701	11.47194	12.15419

```
mean = mean(flscore)                                t = 0.8258
Ho: mean = 11.67                                     degrees of freedom = 260
```

```
Ha: mean < 11.67          Ha: mean != 11.67          Ha: mean > 11.67
Pr(T < t) = 0.7952        Pr(|T| > |t|) = 0.4096        Pr(T > t) = 0.2048
```

```
-> city = Esfarayen
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	96	11.01573	.3182159	3.117867	10.38399	11.64747

```
mean = mean(flscore)                                t = -2.0561
Ho: mean = 11.67                                     degrees of freedom = 95
```

```
Ha: mean < 11.67          Ha: mean != 11.67          Ha: mean > 11.67
Pr(T < t) = 0.0213        Pr(|T| > |t|) = 0.0425        Pr(T > t) = 0.9787
```

```
-> city = Farooj
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	35	12.84371	.3960322	2.342958	12.03888	13.64855

```
mean = mean(flscore)                                t = 2.9637
Ho: mean = 11.67                                     degrees of freedom = 34
```

```
Ha: mean < 11.67          Ha: mean != 11.67          Ha: mean > 11.67
Pr(T < t) = 0.9972        Pr(|T| > |t|) = 0.0055        Pr(T > t) = 0.0028
```

```
-> city = Jajarm
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	46	13.43457	.248944	1.68842	12.93317	13.93596

```
mean = mean(flscore)                                t = 7.0882
Ho: mean = 11.67                                     degrees of freedom = 45
```

```
Ha: mean < 11.67          Ha: mean != 11.67          Ha: mean > 11.67
Pr(T < t) = 1.0000        Pr(|T| > |t|) = 0.0000        Pr(T > t) = 0.0000
```

```
-> city = ManeSemelghan
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	99	11.69283	.3085702	3.070234	11.08048	12.30518

```
mean = mean(flscore)                                t = 0.0740
Ho: mean = 11.67                                     degrees of freedom = 98
```

```
Ha: mean < 11.67          Ha: mean != 11.67          Ha: mean > 11.67
Pr(T < t) = 0.5294        Pr(|T| > |t|) = 0.9412        Pr(T > t) = 0.4706
```

```
-> city = RaazJargalan
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	47	11.74681	.4242783	2.908705	10.89278	12.60084

```
mean = mean(flscore)                                t = 0.1810
Ho: mean = 11.67                                     degrees of freedom = 46
```

```
Ha: mean < 11.67          Ha: mean != 11.67          Ha: mean > 11.67
Pr(T < t) = 0.5714        Pr(|T| > |t|) = 0.8571        Pr(T > t) = 0.4286
```

```
-> city = Shirvan
```

One-sample t test

Variable	Obs	Mean	Std. Err.	Std. Dev.	[95% Conf. Interval]	
flscore	56	12.73393	.4258781	3.18698	11.88045	13.58741

```
mean = mean(flscore)                                t = 2.4982
Ho: mean = 11.67                                     degrees of freedom = 55
```

```
Ha: mean < 11.67          Ha: mean != 11.67          Ha: mean > 11.67
Pr(T < t) = 0.9922        Pr(|T| > |t|) = 0.0155        Pr(T > t) = 0.0078
```


آزمون کروسکال-والیس برای مقایسه میانگین سواد مالی بین شهرستان‌های استان.

```
. kwallis flscore, by ( city )
```

Kruskal-Wallis equality-of-populations rank test

city	Obs	Rank Sum
Bojnord	261	81433.50
Esfarayen	96	25560.00
Farooj	35	13051.50
Jajarm	46	19141.00
ManeSemelghan	99	30616.00
RaazJargalan	47	14204.50
Shirvan	56	21113.50

```
chi-squared =    29.986 with 6 d.f.
probability =    0.0001
```

```
chi-squared with ties =    30.231 with 6 d.f.
probability =    0.0001
```